

نگاهی به خطبه ۳۲ نهج البلاغه.
حوادث درون مجتهد فولاد احوال.
استراتژی مداخله نظامی آمریکا در...
موافقت نامه کمپ دیوید با توطئه...



رابطه بین ملت با خاسته برای رهایی خود از
جنگال جیالوگران بین المللی بانک جیالوگران معمار
همیشه بضرر ملت مظلوم و نفع جیالوگران است. ما
این قطع رابطه را باقی نماند می گیریم.

از پیام ۱۹ فروردین ۵۹
امام خمینی

مبارزه بی امان با امپریالیسم،
جوهر مکتبی و انسانی
انقلاب

مسئولیت مبارزه با امپریالیسم نباید بعد از افرادی گذاشته شود
که خصلت ارتجاعی و سازشکارانه دارند.

از اشغال لانه جاسوسی تا
قطع رابطه با آمریکا

سیر تحولی موضع گیری گروه های سیاسی و
دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

وقتی در آبان ماه گذشته تعدادی از
دانشجویان مسلمان سفارت آمریکا را اشغال
کردند، برای بعضی این حرکت آنقدر
خلاف انتظار بود که با از نشان دادن
عکس العمل سریع خودداری کرده و با آنرا
حرکتی مشکوک معرفی کردند. در تقسیم -
برغم بعضی گروه های سیاسی دانشجویان
مسلمان مزبور قادر به انجام یک اقدام
ضد امپریالیستی نبودند - زیرا تنها بعضی
گروه های خاص انحصارا دارای ماهیت
ضد امپریالیستی می باشند - اما تدریجا که
آثار این اقدام در اوج گیری مجدد مبارزه
علیه آمریکا و شور انقلابی در میان مردم
نیز رسوا شدن توطئه ها و چهره های
سازشکارانه آشکار گردید، بعضی با تردید و
اگرچه آنرا تأیید کردند - اشغال سفارت
آثار مثبت بسیاری در روند انقلاب ایران
بر جای گذاشت صرف نظر از بعضی تناقضها و
ضعفها در ترکیب و انسجام درونی و بینش
فکری - سیاسی دانشجویان که اینجا و آنجا

الف - در سیاست خارجی
۱- قطع کلیه روابط اقتصادی - سیاسی -
نظامی را با آمریکا.
۲- تحریم نفتی آمریکا و متحدین وی
که در توطئه علیه انقلاب ایران شرکت می-
کنند.
۳- افشای همه اسناد جاسوسی و
اطلاعاتی آمریکا در سفارت و مراکز دیگر
اطلاعاتی.
۴- دعوت ملل مسلمان وضد استعمار به
اتحاد در مبارزه علیه امپریالیسم و پیوستن
به تحریم نفتی.
ب - در زمینه سیاست داخلی
۱- اجرای سریع طرح تقسیم اراضی و
خلع بد کامل از مالکان ارضی و خوانین و
تشکیل شوراهای دهقانی.
۲- ملی کردن کامل تجارت، خارجی و
اداره آن توسط شورای ملی تجارت و تقلیل
وارادت به گالاهای اساسی و ضروری.
۳- کنترل کامل، تهیه و توزیع
مابحتاج اساسی (مثل نان - گوشت...)
توسط واحدهای بسیج و قطع دست واسطه ها.
۴- تشکیل واحدهای بسیج و مقاومت
برای دفاع و جهاد - حراست از منافع
حیاتی و نظم انقلابی و مبارزه با هر عمل
ضد انقلابی نظیر خرابکاری و فساد، احتکار
و...
۵- تشکیل شورای وحدت و همگامی
مبارزه علیه امپریالیسم بمنظور تضمین
مشارکت و وحدت عملی همه نیروها و
گروهها و احزاب با یکدیگر و با سازمانهای
اجرائی و دولتی.
۶- تنظیم و اجرای طرح تغییر صنایع
مونتاز و تولید گالاهای غیر ضروری، به
صنایع کوچک و ملی و خودکفا و اولویت دادن
به تهیه کارهای اساسی.
۷- خلع ید از سرمایه داران وابسته به
شرکتهای چند ملیتی استعماری و مصادره
اموال و سرمایه این نوع شرکتهای مونسات
و کنترل کامل آن توسط شوراهای مربوطه.
۸- تنظیم و اجرای چند طرح گسترده
نظیر ساختن جادهها و خانه های روستائی
بقیه در صفحه ۲

با امپریالیسم چگونه
در عمل مبارزه
کنیم؟

با سیاسی از قطعیت و سازش ناپذیری امام از
مبارزه ضد امپریالیستی و تریک به امت و
امام در قطع رابطه با آمریکای جهانخوار
پیشنهادهای عملی زیر را برای تداوم
مبارزه با ضد امپریالیستی تقدیم میداریم.

با امپریالیسم چگونه در عمل مبارزه کنیم؟
جناب گارتر می شنود. نام گارتر به امام
افشا نمی شد و دانشجویان مسلمان پیرو خط
امام بجرم اشغال غیرقانونی سفارت و
خودکامی و بیگلی محاکمه می شدند و...
خیلی اتفاقات بین ایران و آمریکا، فیصله
آن اختلاف بین ایران و آمریکا، می یافت
و بقول آقای گارتر هر دو دولت که
در این اهداف و دشمن مشترک می باشند،
به توافق و وحدت می رسیدند. ولی فقط
یک عامل همه این اگرها را نفی کرد و آن
محاسبه ها و انتظارات را باطل نمود و آن
آزادی مردم در ارائه نظریات و ابراز عقاید
و مخالفتیانشان با نظر و رای مسئولین.
یکی از امتیازات برجسته حکومت
اسلامی در اینست که تبعیت از زمامدار
منتخب هم مشروط است. اسلام هرگز از
بقیه در صفحه ۲

یک بار دیگر ثابت شد که اگر مردم در
صحنه باشند، اگر مجبور به اطاعت و
تبعیت گورگورانه نباشند، مصلحت خود را
در برابر دشمن خارجی خوب تشخیص
می دهند، ملت بیدار ایرانی طی یک تجربه
طولانی، به ماهیت پلید استعمارگران پی
برده است و سیاست مزورانه آمریکا را در
۲۵ سال اخیر بخوبی شناخته است. اگر
قرار بود همه مردم از راهی و نظر متصدیان
امور و دولتمردان پیروی کنند، و اگر امام
تلویر بیداری و اراده مردم دخالت
نمی کردند، لانه جاسوسی آمریکا اشغال
نمی شد. کمیون حل اختلاف و میانجی-
گریهای دلال امپریالیسم والد هائیم به
هدفهای خود می رسید و گروگانها تحویل
حکومت داده می شد و سپس طی مذاکرات و
درون اطاقهای در بسته، آزاد و تحویل

مباحث ایدئولوژیک
دکتر حبیب الله پیمان

بر خورد انسانها با طبیعت
به منظور تأمین نیازهای خود

زندگی اجتماعی یک ضرورت است نه یک تصادف. ضرورتی
که از نیازها و محرکها و استعداد های انسانها برخاسته است.

پدیده هایی که زندانی عوامل محیط
خویش است، درجه آزادی آنها نزدیک به
صفر است، در طول زمان بطور یکنواخت و
ثابت عمل می کنند. لذا نه فقط قانون حاکم
بر آنها که شکل و قالب عمل و نوع تظاهرات
آنان هم ثابت می باشد. یعنی دانش تکرار
می شوند. اما موجودی که درجه آزادی
بیشتری دارد تغییر پذیرتر است و در طول
زمان اشکال تازه ای بخود می گیرد. اگر چه
از قانون واحد پیروی می کند لکن قالب و
نمود جدیدی پیدا می کند.

این تغییر و تنوع سبب می شود که با
دو نوع قانون و سنت روبرو شویم یکی
سنت های عام که بر کل هستی و حرکت هر
پدیده حاکم است و در طول زمان و تا وقتی
تبعیت آن عوض نشده و وضعیت و هویت
تغییر و تنوع سبب می شود که با
دو نوع قانون و سنت روبرو شویم یکی
سنت های عام که بر کل هستی و حرکت هر
پدیده حاکم است و در طول زمان و تا وقتی
تبعیت آن عوض نشده و وضعیت و هویت

کلی آن بهم نخورد، اعتبار دارد و ثابت
است. و یکی قوانین و سنت هایی که در هر
موقعیت متناسب با شرایط متغیر و موضع -
گیریهایی خاص یک پدیده اعتبار دارد -
بطور مثال یک موجود تک سلولی - یک
آمیب، برای ادامه حیات به غذا احتیاج
دارد. از آنجا که آمیب زندانی محیط و
خصلتهای ذاتی خویش است و از درجه
آزادی بسیار محدودی بهره مند، در طول
زمان شکل و کیفیت تغذیه وی ثابت و لذا
عمل او در محتوا و شکل هر دو، ثابت و
تکراری است. اما انسان هم موجودی است
نیازمند غذا و از یک لحاظ تابع قواعد کلی
است که بر هر موجود زنده حاکم است. اما
بلحاظ آزادی عمل زیادی که بدست آورده
است، میدان تغییرات در شکل و نمود
خارجی عمل وسیع است و لذا قادر است به
انگیزه واحدی در هر شرایط تازه پاسخ
جدید و متناسب با آن شرایط بدهد. در
اینجا دو نوع سنت و قانون داریم یکی عام
که عکس العمل عمومی و همه انسانها را در
برابر گرسنگی و نیاز به غذا
تعیین می کند و یکی خاص که فرم عمل را
در شرایط ویژه مشخص می سازد.

عملکرد رژیم
عراق در خدمت
به امپریالیسم
وصهیونیسم
بقیه در صفحه ۳

بیانیه های جنبش مسلمانان مبارز
در مورد قطع رابطه سیاسی
آمریکا با ایران

تازه ای در دل های خلق قهرمان ایران و همه
ملل زیر سلطه و مستضعف تاباند.
ما چنانکه باهار اعلام کرده ایم از تصمیم
کارتز استقبال میکنیم. ملت بیدار و
مسلمان ایران آماده است تا بار یک مبارزه
سخت و طولانی علیه شیطان را بدوش
بکشد و مطمئن هستیم در این مرحله هم
پیروزی با حق و با ملت مبارز ایران است.
با توجه به توطئه های وسیع شیطان
بزرگ در منطقه توسط دولت های مرتجع
دست نشانده علیه انقلاب ایران اقدامات
زیر را از جانب شورای انقلاب و دولت
ضروری میدانیم.
۱- قطع صدور نفت به آمریکا و ممالک
متحد آن که در تحریم اقتصادی ایران
بقیه در صفحه ۶

بیانیه جنبش مسلمانان مبارز در مورد قطع
رابطه سیاسی آمریکا - ایران
بنام خدا
اعلان قطع رابطه سیاسی بین ایران و
آمریکا از جانب کارتز دلیل درستی تصمیم
امام و امت در نگاهداری جاسوسان توسط
دانشجویان مسلمان بود.
این تصمیم که با مجازاتهای شدید
اقتصادی همراه است، نشان میدهد آمریکا
در توطئه دیگر خود هم شکست خورد و
اراده استوار ملت و تصمیم قاطع امام بر
تردیدهای سازشکاران پایان داد و محافل
امپریالیستی را یکبار دیگر از تحمیل سازش
به انقلاب و ضربه زدن برواقعیت سازش
ناپذیری امام نا امید ساخت و روح و امید

درباره ارتش توحیدی - ارتش مردمی

شرکت در دفاع از دستاوردهای جامعه توحیدی وظیفه و
مسئولیت مکتبی همه مردم است و در یک بسیج همگانی توحیدی،
هر مؤحدی در حد تواناییهای مکتبیه خود سهم و رسالتی بعهده دارد.

ضد تکاملی بکار گرفته شود. در ارتش
توحیدی سازماندهی و خدمت و شرکت
در نبرد علیه نیروهای ضد توحیدی در
رابطه تنگاتنگ با وظیفه و مسئولیت مکتبی و
انسانی سرباز قابل تبیین است و احساسات
و تبعیت های گورگورانه و شرکت در عملیاتی
که با تفکر و بینش مکتبی سرباز توحیدی
هماهنگ نیست، جای ندارد.
بنابراین اساسا ارتش توحیدی باید بر
نیروی داوطلب از مردم متکی باشد،
نیرویی که پوشیدن لباس شرف و افتخار
پاسداری مسلحانه از "توحید" را با اعتقاد
و آگاهی و مشتاقانه پذیرفته باشد. طبیعی
است که در این میان یعنی در ارتش
توحیدی ملا و مترفین و اغنیاء نمی توانند

قبل از هر چیز باید روشن شود
هنگامیکه اصطلاح ارتش توحیدی را بکار
می بریم چه مفهوم و نظری مورد توجه
است.
ارتش توحیدی ارتشی است که دیوارهای
موجود بین آن و توده های مستضعف مردم
فرو ریخته و ارتش و مستضعفان بوحثت
زمینهای بینشی، خصلتی و طبقاتی
رسیده اند، بعبارت دیگر ارتش توحیدی
عینیت سازمان یافته نیروی دفاعی و
جهادی توده های مردم است که برای دفاع
از ایدئولوژی و شرف و حیثیت انسانی آنها
نمود یافته است.
ارتش توحیدی در مبانی اندیشه و تفکر
در هدفها و اصول و در روابط و معیارها و
ضوابط با توده های مردم بوحثت کامل
می رسد و به تعبیر علی (ع) بر مشیبرهای
آخته خود تفکر و خواسته ها و هدفهای
بوحثت رسیده با مردم را حمل می کند.
مشیبری که بر آن نقشی از عقیده و هدف و
آگاهی نقش بسته باشد، مشیبری کور و کوری
است که می تواند در خدمت نیروهای

بقیه در صفحه ۳

مبارزه بی امان با امپریالیسم آمریکا

نقده از صفحه ۱

برای همه‌گونه اینار اعلام کرده است. توده رنج‌دیده و محروم ما ۴۰ ماده است بایک‌دست تفنگ و یک‌دست بیل وارد صحنه میدان کارزار با شیطان شود. در یک جنبه با حلات و توطئه‌های نظامی و خرابکارانه دشمن مقابله کند و در یک جنبه زمین را کشت و به تولید بپردازد و در مقابل به حداقل اکتفا نماید. شما ایمن و ظرفیت

● اگر این بار هم مبارزه ضدامپریالیستی بدون محتوا و برنامه چون گذشته شود، اشتیاق و بسیج مردم فرو می‌نشیند و دولتمردان می‌مانند و میز مذاکره و اطاقهای در بسته و توافق و مصالحه و سرانجام سازش.

تحمل و فداکاری خلق مسلمان ما را امتحان کرده‌اید، از قشرهای مردم و مرده و متزلزل بگذرید، توده زحمتکشی را نگاه کنید که در مبارزه با آمریکا چیزی ندارد که از دست بدهد جز زنجیرهای اسارت و وابستگی، جز بار سلطه فرهنگی و اقتصادی، هم‌آرامی‌های انقلابی خلق مبارز ما یعنی آزادی، استقلال و عدالت و برابری اسلامی در این مبارزه بدست می‌آیند. بی‌دلیل نیست که امام و ملت از این مقابله و جنگ با شیطان مرورند و آنرا جشن می‌گیرند. حسن جهاد با کفر و شرک با ظلم و ستمگری، برای مومنان عین پیروزی است. پس بحق جای شادمانی دارد. نگاه کنید گارتر سخت‌ترین محدودیتها و شدیدترین تهدیدها را اعلام کرده است. آمریکا بزرگترین قدرت نظامی و اقتصادی جهان به ملت ایران اعلان جنگ کرده، ما را تهدید به نابودی ساخته است. اما مردم ما نه تنها کمترین آثاری از نگرانی، ترس و تردید نشان نمی‌دهند، که بعکس بنحو عجیبی احساس شادی و سرور و پیروزی می‌کنند. این احساس شگفت‌انگیز برای همه قابل درک نیست. این حالت شادمانی از احساس قدرت و برتری و اطمینان به نفس که مردم قهرمان ما دارند، سرآمد گرانقدری است، نشانه‌ایست از رشد و از ایمان. بی‌انگیز و بر این اعتماد و اطمینان به نفس که نتیجه بریدن و قطع امید از هر قدرت خارجی و پیوستن و متکی شدن به خداست لطمه نزنید. مردم ما این اعتماد و ایمان را در مبارزه با رژیم اهریمنی شاه کسب کردند. به تجربه دریافته‌اند که نیروی ایمان بر قدرت مادی و خون بر شمشیر پیروز شد. مردم ما شهادت را درک کردند و تجربه نمودند و اثر ایمان به خدا و انگیزه خود را به‌عینه دیدند. پیروزی بر شاه و ارباب آمریکا‌گشایی در آن مرحله نشانه بازگشت ملت ما به خویش‌نهادن اصلی خویش بود.

اگر می‌خواهیم این بار مبارزه با شیطان را در عمل به پیروزی رسانیم و دیگر بار به راه سازشکاری و معاشرت با دشمن نیفتیم باید نکات زیر را از تجربه گذشته در برخورد با آمریکا و موضوع کپی‌های داخلی بیاموزیم و فراراه قرار دهیم.

۱ - گفتیم که باید از گذشته عبرت گرفت و مبارزه با آمریکا و امپریالیسم را به شگردادن و حرف زدن محدود نکرد.

دستجمعی همه مبارزان اصیل و مسلمانان مبارز و مترقی در امر رهبری مبارزه ضدامپریالیستی پذیرفته شود و یک وحدت جنبه‌ای بر اساس اصول مکتبی تعریف شده و مشخص و خط مشی روشن مبارزه و عمل بوجود آید.

۱۲ - لازم است ضرورت مشارکت توده‌ها در کارها و در اداره امور را به عنوان یک اصل مکتبی و یکی از اصول قانون اساسی بپذیریم، این مشارکت اساسا از طریق شوراهای عملی می‌شود.

تکیه بر ضرورت آمزش نباید موجب نفی ضرورت مهتر فوق گردد. اگر مردم در صحنه نباشند، دشمن سازشکاران و مرتجعین صحنه را اشغال می‌کنند.

۱۳ - اطمینان بدین واقعیتکه محاصره اقتصادی علیه ایران هراندازه توسعه یابد سرانجام بسود ما و بزبان آمریکا تمام می‌شود. این اقدام سبب درهم شکستن صنایع مونتاز، که وابسته به امپریالیسم است می‌گردد. چه بهتر که دولت خود در این جهت گامهای اساسی را بردارد و طرحی برای بسیج کارگران در رشته‌های صنعت ملی و صنایع کوچک آماده سازد. محاصره اقتصادی آمریکا، در همانحال کار خلع یابد از سرمایه‌داران وابسته را آسان می‌سازد و تنها به آندسته از سرمایه‌داران ملی و خرده‌سرمایه‌داران که بخواهند در صنایع ملی سرمایه‌گذاری و فعالیت داشته باشند، میدان عمل می‌دهد.

۱۴ - تحکیم همبستگی با ملت‌های مسلمان در منطقه و سراسر جهان و همه خلیقهای ضداستعمار در این مرحله اهمیت و فوریت دارد. این همبستگی می‌تواند قیام توده‌های زیر سلطه استعمارگران را به حمایت از انقلاب ایران و علیه منافق آمریکا برانگیزد. در این میان نقش ملل عرب و بخصوص فلسطینی‌ها پراهمیت است. وقتی قرار است ما نفت را بروی غارتگران و متحدان آمریکا ببندیم، در این تحریم یعنی همه ملل ضداستعمار باید شرکت کنند. تحریم نفتی امپریالیستها باید در دستور کار دولت قرار گیرد.

۱۵ - برقراری رابطه نزدیکتر اقتصادی با کشورهای دوست و مالکی که در مبارزه علیه آمریکا جانب ما را می‌گیرند. ما نیازمندیهای اساسی خود را می‌توانیم بی هیچ قید و شرط با حفظ کامل استقلال تأمین کنیم. مخصوص تهیه ماشین‌آلات کشاورزی، جاده‌سازی، ابزار و قطعات یدک تعمیرگاهها و سایر نیازمندیهای صنعتی این کشورها بما کمک خواهند کرد.

گفتیم که فرصت ناهای بدست آمده و وظیفه ماست که گذاریم چون گذشته در اثر

فئودالها و خانها دشمنان دهقانان محسوب می‌شوند و اگر این دشمنان از راه دهقانان برداشته نشوند، بسیج کامل آنان میسر نخواهد بود. وحدت دهقان و فئودال و مالک غیرممکن است چنانکه وحدت کارگران با سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم غیرممکن است زیرا سرمایه‌دار دلال شرکت‌های خارجی نمی‌تواند در مبارزه ضدامپریالیستی صمیمانه و صادقانه شرکت کند.

۷ - مسؤولیت مبارزه با امپریالیسم نباید بعهده افرادی گذاشته شود که خصلت ارتجاعی و سازشکارانه دارند. زیرا این افراد در عمل ثابت کرده‌اند که قادر به یابرداری در برابر دشمن نیستند و جز در مسیر سازش و مذاکرات پشت پرده گام برمی‌دارند.

۸ - بسیج مردم وقتی از صورت شعار خارج می‌شود که زمینهای عینی آن فراهم گردد، زمینهای عینی آن یکی در ارتش ۲۵ میلیونی است که باید مردم درواحه‌های رزنی در محله‌ها، ادارات، کارخانجات و روستاها و هر جای دیگر آموزش و سازمان داده شوند، در شوراها و هسته‌های مقاومت و بسیج است که نیروی مردم برای کار و تولید و دفاع و مقاومت متشکل می‌گردد.

اگر این نهادها بوجود نیاید، بسیج مردم از حرف و شعار و از روی کاغذ تجاوز نخواهد کرد.

۹ - حالت فوق‌العاده مبارزه با امپریالیسم نباید احیانا بهانه‌ای بر این محور آزادیهای مشروع و قانونی قرار گیرد. تنها ضد خلق است که حق آزادی ندارد و باید بشدت سرکوب شود. اما اگر آزادی مردم احیانا محدود شود و یا نهادهای انقلاب چون شوراها که می‌توانند محل تبلور اراده و حاکمیت مردم باشد، نفی شوند، بسیج واقعی ممکن نخواهد بود. ممکن است مبارزه ما با امپریالیسم سالها طول بکشد، آیا در این مدت نباید شورا داشته باشیم؟ ما تعجب می‌کنیم که آقای رئیس‌جمهور می‌گویند: حالا دیگر شورا پورا مالیده!

۱۰ - درست است که باید جلوی هرج و مرج و اغتشاش گرفته شود، درست است که مبارزه با دشمن طابعیت لازم دارد و در خصوص در مسائل نظامی و در جنگ با دشمن انضباط ضروری است، اما هیچیک از اینها با نظام شورا که وسیله تشکل و سازمان دادن توده‌هاست مغایرت ندارد. بعلاوه تحقق نظام شوراها بمنظور دادن حق اداره امور بر منطقه ب مردم آنجا در خارج جرجوب حکومت و نظام و قانون و کشور واحد امری ضروری و لازمه حل مسالمت‌آمیز اختلافات و مسائل ملیت‌هاست. آیا

۱۱ - برای ایجاد وحدت و هماهنگی بین همه نیروها و سازمانهای مبارز و اصیل و استفاده از کلیه امکانات و قوای ضدامپریالیستی لازم است - اصل مشارکت

۱۲ - در زمینه فرهنگی

۱ - وسایل ارتباط جمعی بخصوص رادیو و تلویزیون در خدمت بسیج توده‌ها و بالا بردن سطح آگاهی نسبت به عملکرد امپریالیسم و شیوه های مبارزه با آن درآید.

۲ - مردم در جریان همه امور و تصمیم گیریهای سیاسی گذاشته شوند و چیزی از آگاهی آنان پنهان نماند - و چنانکه شیوه امام است با مردم صریح و صادقانه برخورد کنند.

۳ - تشویق مردم به تقلیل مصرف و افزایش تولید و تقویت روح همدردی و تعاون.

۱ - تکیه اصلی در دفاع از کشور و

● بی‌انید و بر این اعتماد و اطمینان به نفس که نتیجه بریدن و قطع امید از هر قدرت خارجی و پیوستن و متکی شدن به خداست، لطمه نزنید.

می‌شود هم با امپریالیسم جنگید و هم در جنگ داخلی درگیر بود؟ مسئله کردستان باید با دادن حقوق مردم تمام مناطق ایران به آنان در رابطه مستقیم با مردم حل شود. ما مطمئن هستیم که مردم وطن ما از کرد، ترک، عرب، فارس، بلوچ و ترکمن همگی به انقلاب و تمامیت‌ارزی ایران وفادار و چون یک ملت واحد در برابر دشمن قرار می‌گیرند. دولت باید عملا در راه تأمین حقوق مردم گام بردارد تا اعتماد از دست رفته مجددا جلب شود و راه فرصت‌طلبی و نفاق‌افکنی بر گروه‌های فرصت‌طلب و بر مزدوران بیگانه و فئودالها بسته شود.

۱۱ - برای ایجاد وحدت و هماهنگی بین همه نیروها و سازمانهای مبارز و اصیل و استفاده از کلیه امکانات و قوای ضدامپریالیستی لازم است - اصل مشارکت

۱۲ - در زمینه فرهنگی

۱ - وسایل ارتباط جمعی بخصوص رادیو و تلویزیون در خدمت بسیج توده‌ها و بالا بردن سطح آگاهی نسبت به عملکرد امپریالیسم و شیوه های مبارزه با آن درآید.

۲ - مردم در جریان همه امور و تصمیم گیریهای سیاسی گذاشته شوند و چیزی از آگاهی آنان پنهان نماند - و چنانکه شیوه امام است با مردم صریح و صادقانه برخورد کنند.

۳ - تشویق مردم به تقلیل مصرف و افزایش تولید و تقویت روح همدردی و تعاون.

۱ - تکیه اصلی در دفاع از کشور و

۴ - از مهمترین شگردهای دشمن، القاء شعارهای انحرافی، دامن زدن به اختلافات در جنبه خلق، ایجاد اغتشاش، خرابکاری در موسسات تولیدی و منابع حیاتی، تهدید نظامی، محاصره اقتصادی، پیشنهاد سازش و مذاکره، ارسال میانجی، ارسال پیامهای توبه و محبت‌آمیز، اختلاف افکندن میان جناحهای مختلف دولت، بدبین کردن مردم به اقدام دانشجویان مسلمان و تخطئه کار آنان.

۵ - دولت عراق که در نتیجه سیاستهای غیرمردمی فاقد پایگاه توده‌ای است، برای حل تهدید، و مشکلاتی که در درون یا آن مواجه است و همچنین متأثر از تمایلات قدرت‌طلبی در ... ان حزب بعث مشهود است، با تحریک و مداخله و تجاوز به ایران عملاً آب به آستین امپریالیسم آمریکا می‌ریزد. آمریکا اکنون خوشحال است که انقلاب ایران را در درگیریهای منطقه‌ای و در پشت مرزها و در داخل کشور سرگرم کند. آمریکا می‌کوشد اختلاف مصنوعی دیرین بین عرب و ایران را که از زمان حکومت شاه دامن زده می‌شد، مجدداً احیاء کند و بین انقلاب ایران و ملت‌های مسلمان دیگر تردید، سوءظن و خصومت بوجود آورد.

مقامات مسئول در سیاست خارجی باید با دقت و احساس مسؤولیت تمام با مسئله برخورد کنند و با کمک گرفتن از وجدان بیدار برادران عرب در همه سرزمینهای عربی و سایر ملل مسلمان و نیز کمک‌های رهبران اصیل و آگاه عرب، از چنین برخوردهایی بشدت پرهیز کرده و بسیج عمومی ملل منطقه را علیه آمریکا میسر سازند.

۶ - لازمه مقابله با این شگردها اینستکه اولاً آنها را بشناسیم و به مردم بشناسانیم. ثانیاً وحدت مردم را در مبارزه با دشمن در عمل تحقق بخشیم. برای اینکار باید موانع وحدت از میان برداشته شوند. موانع وحدت ملت در مبارزه با دشمن کدام‌اند؟ چه عاملی ممکن است دهقانان را از شرکت فعال در این جهاد باز دارد؟ تردید نیست که مالکان اراضی و

با امپریالیسم

بقیه از صفحه اول

و توسعه اراضی زیر کشت " که جذب سریعتر بیکاران را هم دربر دارد. "

۹ - اقدام به تهیه وسایل ماشین آلات کشاورزی و خانه و جاده سازی همراه با وسایل و لوازم احداث تعمیرگاهها برای سراسر کشور از کشورهای صنعتی ضداستعمار و دوست. مبادله نفت در برابر کالا و ماشین آلات صنعتی.

۱۰ - درهم شکستن نظام اداری بوسیده و تقلیل هزینه های اداری و تعدیل حقوق ها و فواصل دستمزدها واحاله نقش وظائف تولیدی به کارکنان دولتی.

ج - در زمینه نظامی

۱ - تکیه اصلی در دفاع از کشور و

● مردم کسانی را که با تردید و تزلزل و سازشکاری مانع از رشد مبارزه حق و تکامل و تداوم آن شوند، نخواهند بخشید.

مردم انتظار داشته ، رئیس‌جمهور در نمایش ضدامپریالیستی و وحدت روز جمعه برنامه سیاسی - اقتصادی و نظامی خود را برای مقابله با امپریالیسم را به اطلاع مردم برساند ولی متأسفانه مردم جز تکرار مطالب گذشته، خبری نشنیدند.

درباره مسئله اصلی که آمریکا و توطئه‌های امپریالیسم بود کمتر صحبت شد. اگر این بار هم مبارزه ضد امپریالیستی بدون محتوا و برنامه‌چون گذشته شود، اشتیاق و بسیج مردم فرو می‌نشیند و دولتمردان می‌مانند و میز مذاکره و اطاقهای در بسته و توافق و مصالحه و سرانجام سازش.

مردم را با حرف و شعار خسته و مایوس نگنید و از صحنه به خانه‌ها نزنید. تنها عمل - عمل انقلابی در صحنه نظامی -

ارتجاعی، خصلت‌های سازشکارانه و از وابستگی به سرمایه و زمین و پول و کارخانه مونتاز آزاد بماند. از این رو می‌دانستیم اگر تغییری بنیادی در ترکیب و سیاست‌های ارگان‌های دولتی و رهبری کشور بوجود نیاید، مبارزه علیه آمریکا بجایی نمی‌رسد و به سازش با آمریکا تبدیل و متحول می‌شود.

در فاصله اشغال لانه جاسوسی تا قطع رابطه با آمریکا یک فرصت خوب دیگر را هم از دست دادیم چنانکه ۹ ماه فاصله ۲۳ بهمن تا اشغال سفارت را هم دولت موقت بهدر داد.

اکنون ملت با مقاومت و قهر انقلابی خویش در برابر شیطان فرصتی دیگر به زمامداران داده است. ملت آماده‌گی خود را

تأبرقراری جامعه بی طبقه توحیدی، انقلاب اسلامی ادامه دارد

عملکرد رژیم عراق در خدمت به امپریالیسم و صهیونیسم

نقیه از صفحه اول

● رژیم عراق میخواید بحران داخلی و عدم رضایت توده مردم عراق و نابسامانیهای سیاسی، اقتصادی خویش را با ایجاد یک جو جنگ و حالت فوقالعاده در کشور بپوشاند.

در هفته گذشته رژیم عراق با تکرارگری حاکم تبلیغاتی شدید علیه انقلاب اسلامی ایران، خواهان تصرف سه جزیره نوب بزرگ و کوچک و ابوموسی شد. صدها ایرانی و عراقی مسلمان بحریهای واهی توسط رژیم صدام حسن از مرزهای عراق بسوی ایران رانده و آواره شدند. خرابکارهای مزدوران رژیم عراق در نواحی مرزی، همچنان ادامه دارد. مثنی و روسی ساسی رژیم بعث عراق در رابطه با انقلاب اسلامی ایران و دیگر نهضت های منطقه، مثنی در خدمت منافع امپریالیسم آمریکا و روس فرار از واقعیت است. جای هیچ تک و شبهه نیست که موضع گیریهای اخیر حکومت کودتائی بعث عراق در رابطه با انقلاب اسلامی ایران تنها به نفع امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم در منطقه است. صدام حسن با خواست تصرف سه جزیره نوب بزرگ و کوچک و ابوموسی، همچنین با حملات تبلیغاتی و خرابکارها علیه انقلاب اسلامی ایران، می خواهد تا اهداف زیر را در خدمت به منافع امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل و نیات رژیم خود بکار گیرد.

۱- برقراری جو جنگ در عراق و بسیج ارتش و مردم در حالت یک جنگ خارجی، تا پوششی بر تضادهای و بحران درونی و نارضایتی عمیق توده مردم عراق از رژیم بعث گردد.

۲- و انمود کردن درگیری با ایران و گسیل ارتش خود به مرزهای ایران، تا از صحنه درگیری نهضت فلسطین و دیگر نیروهای رزمده عرب با صهیونیسم اسرائیل بدور باشد، و از این طریق عدم مقابلت با صهیونیسم اسرائیل و همکاری با نهضت فلسطین را توجیه "آبرومندانه" نماید.

۳- کمک به نقشه شوم امپریالیسم آمریکا برای شکستن رشد و تانسیدیری انقلاب اسلامی ایران در منطقه و ایجاد زمینه مناسب برای رشد احساسات ناسیونالیستی بدون محتوی عرب در برابر حرکت انقلاب اسلامی و ایجاد "امت واحده"، یعنی بازآوری فرهنگ جاهلیت در یک جنگ "عرب و عجم"؛ و از این طریق ایجاد یک جبهه ضدانقلابی از رژیمهای ارتجاعی در منطقه علیه حرکت های انقلابی و رژیمهای مترقی و انقلابی.

۴- اوچکسری مبارزه صدام امپریالیستی مردم ایران و حساسیت لحظات سرخوش ساز برای ایران و منطقه، خنده و شکاف در جهت گیری مستقیم و بسیج توده های خلق مسلمان ایران در مبارزه با "شیطان بزرگ" آمریکا، همراه ایجاد درگیری جانبی عراق و ایران.

هر یک از موارد ذکر شده را می توان بطور جداگانه بررسی و تحلیل نمود، ما در این نوشته کوتاه به بررسی مختصری از آن می پردازیم.

رژیم کودتائی بعث عراق از آغاز اساس حرکت خویش را بر استقلال، که بر وابستگی نهاد، و این وابستگی هم اکنون در ارتش و صنایع نظامی، در صنعت و کشاورزی و صنعت و در شئون سیاسی و اقتصادی کشور عراق، بخوبی آشکار است. اگر چه رژیمهای در بعضی موارد، صورت پذیرفته است، اما بخاطر عدم استقلال و آزادی در کشور و فقدان بیست انقلابی در رهبری و جهت گیری در کمیت منافع مرتجعین در منطقه و امپریالیسم، رژیم عراق را عملاً، در خدمت اهداف امپریالیستی درآورده است. رژیم عراق می خواهد بحران داخلی و عدم رضایت توده مردم عراق و نابسامانیهای سیاسی، اقتصادی خویش را با ایجاد یک جو جنگ و حالت فوقالعاده در کشور بپوشاند، تا از این طریق توده مردم عراق را از پرداختن اساسی ترین مسائل داخلی بازدارد.

رژیم بعث عراق از آغاز تمام تلاش خویش را بکار گرفت تا از درگیری مستقیم با صهیونیسم اسرائیل بدور باشد و در اوج مبارزات خلق قهرمان فلسطین و دیگر رزمندگان عرب با اسرائیل غاصب، عراق تنها با آرایش نیروها پرداخت و به تبلیغات مختصری علیه اسرائیل اکتفا کرد. اینبار نیز آرایش نیروهای عراقی در مرزهای ایران و عراق و ایجاد حالت جنگ بین دو کشور، خود بهترین توجیه رژیم

عراق برای دور ماندن از صحنه اصلی نبرد در لبنان و سوریه و در کنار مرزهای اسرائیل شده است. و در این لحظات حساس و سرخوش ساز برای مردم منطقه خاورمیانه و انقلاب اسلامی ایران بسیج ارتش عراق علیه ایران خود بهترین کمک به رژیمهای مرتجع منطقه عربستان، مصر، اردن، مراکش و... است. امپریالیسم آمریکا که با محاصره اقتصادی و قطع روابط هر چه بیشتر فشار سیاسی، اقتصادی خود را بر انقلاب اسلامی ایران وارد می سازد. از این حرکت رژیم بعث عراق بهترین طرجه

حمله به کتابخانه و کانون فرهنگی مهدیه

بعد از پیروزی انقلاب، جوانانی که احساس مسئولیت در برابر خون شهدا داشتند، برای مداوم بخشیدن به نهضت اسلامی، گرد هم آمدند تا رسالت رسب- کونمان را به انجام رسانند. بر این اساس، کتابخانه، کانون فرهنگی را که در زمان رژیم شاه، فعالیت داشته و بدستور ساواک بسته شده در اختیار گرفته و بعد از تحمل رنج و زحمت و فعالیت زیاد، آن را به استفاده عموم گذاشتند. بعد از شش ماه آشنایی بیشتر برادران و خواهران با یکدیگر، تصمیم بر برقراری شورا و نوشتن اساسنامه در کتابخانه می کنند و بر اساس ساخت دردها، و ارائه درمانها و اشاعه فرهنگ توحیدی تصمیم به انتشار نشریهای گرفتند. ولی آنان که وجودشان مایعی برای پیشرفت سریع انقلاب است، و زندگی عثمائی سرخ و بر مرگ ابودر گریانند و کمتر کسی است که از عملکردهای آنان بعد از انقلاب بهنگ نامیده باشد، تصمیم به تهدید و بنای مخالفت با اعضای فعال کتابخانه گذاشتند.

تا اینکه مسئله انتخابات مجلس شورا پیش آمد، بر اساس معیارها و مشکلات جامعه و راه درمان آنها و شناخت کاندیداها از برادران فعال کمنه کار اهواز پشتیبانی کرده و سعی در همکاری و تبلیغات برای آنان در امر انتخابات شد - و این تصمیم طبق معمول، بروق مراد "گویندگان-الحق" نبود و پوسترها و اعلامیههای تبلیغاتی کاندیداها را پاره می کردند و ایشان را به تهنیت های مختلف برجسب می زدند.

پشتیبانی از کاندیداها ی مورد نظر، انگیزهای برای حمله مستقیم و تصرف کتابخانه بود و بر همین اساس ابتدا به امام جماعت مسجد مراجعه می کنند و دستور تخلیه آنجا را بدون اطلاع ما از وی می گیرند.

در روز شنبه ۵۸/۱۲/۲۶ این افراد قصد حمله و اشغال کتابخانه را داشتند ولی به هنگام ورود با خواهرانشان روبرو می شوند که از این کار خود شرم کرده و باز می گردند.

در روز سه شنبه ۵۹/۱/۵ بعد از اظهارات بر علیه کارتر و سادات، ننی چند از عوامل مشکوک علیه ای از مردم را در حسینه اعظم علیه کتابخانه تحریک می کنند و بعد از نماز جماعت در مسجد در حالیکه دو تن از برادران قصد تعطیل کردن کتابخانه را داشتند و درپها را قفل

را می بندند، زیرا این خواست آمریکا است تا بحای یک انقلاب اسلامی، که می تواند سراسر منطقه را در برگیرد، انقلابی ایرانی در برابر اعراب را مطرح سازد و عملاً بزرگترین ضربات را بر برادری و اخوت اسلامی در منطقه وارد نماید. حرکت رژیم بعث عراق در خدمت جنین مفاعی فرار گرفته است که رژیمهای مرتجع و وابسته در کشورهای غربی و صهیونیسم اسرائیل را سادی و داشته، تا متحدان علیه حرکت انقلاب اسلامی ایران و تانسیدیری آن در میان افسار و توده های محروم و سباحتهدر منطقه بسج شوند. اسلام مرز نمی شناسد و عرب و عجم در برابر الهه، تنها به توفیق سجیده می شوند. این نقشه های شوم امپریالیسم جهانی بسرگردگی آمریکا و صهیونیسم اسرائیل است که می خواهند تا سد راه تشکیل "امت واحده" گردند و با تلاش مدبوحانه رژیمهای وابسته و ارتجاعی در منطقه در برابر حرکت انقلاب اسلامی ایران قرار گرفتند. تا مگر نور خدا را خاموش سازند، عاقبت از آنکه "بریدون ان بظوف نورالله باقواهم و بانی الله الا ان ینم نوره وکولر، الکافرون" (توبه/۳۲) : خواهند فروشانند برنو خدا را با دهانیهای خود و نخواهد خدا مگر باحجام رساند برنو خویش و اگرچه ناخویش دارند کافران.

ارتش توحیدی راه یابند، حد عواضی بیار خواهد آمد بهتر است از زبان قرآن بشنویم: "و اذا انزلت سوره ان اصوا بالله و جاهدوا مع رسوله اسنادک الوالطول منیم و قالو درناکن القاعدین رضوا بان بکونو ائبع الخوالف و طبع علی قلوبهم فهم لا یفقهون" (توبه/۸۹-۸۸) هنگامیکه اراده الهی مینی بر ایشان به الله و جهاد همراه با رسول خدا ابلاغ می شود "اولوالطول" صاحبان ثروت از تو ای رسول خدا اجازه می خواهند و می گویند که ما را با فاعدین از جهاد معاف دارند. آنان به ماندن با فروماندگان و خوالف خستوند، دلهای آنان بر اندیشه و تفکر توحیدی فرو بسته شده و بدلیل ماهبتشان نمی فهمند. "اولوالطول" بعلت ماهبت استنمارگر خود نمی توانند در ارتش توحیدی شرکت نمایند چرا که آنها بدلیل دور ماندن از تفکر و بنس توحیدی و آلوده شدن با حملتهای شرک آلود جهاد در راه توحید از نمی فهمند و چه بهتر که ریشه های آنان از جنین ارتشی بریده شود که اگر شرکت نمایند تنها از منافع خود دفاع خواهند نمود.

ارتش توحیدی، عینیت سازمان یافته نیروی دفاعی و جهادی توده های مردم است که برای دفاع از ایدئولوژی و شرف و حیثیت انسانی آنها نمود یافته است.

در آیه ۹۴ سوره توبه ماهبت قشر و طبقه ای که نمی تواند در ارتش توحیدی شرکت نماید بوضوح بیان شده است. "انما السبیل علی الذین بسته ذنوبک و هم اغنیا رضوا بان بکونوا مع الخوالف و طبع الله علی قلوبهم فهم لا یفقهون" این اغنیا و تروتمندان هستند که هرگز نمی توانند همراه با سایر و ارتش توحیدی به جهاد برخیزند و همان استدلال پیشین قرآن حجت است که دلهای آنان بعلت انحراف از مسیر الهه برای فهم و درک و دانستن اندیشه و شیوه های توحیدی فرو بسته شده است.

۲- ارتش توحیدی بافت جداگانه ای از توده های مردم ندارد و تعلیم نظامی و فنون دفاع و حمله باید به عموم مردم داده شود چرا که شرکت در دفاع از دساوردهای جامعه توحیدی وظیفه و مسئولیت مکتبی همه مردم است و در یک بسیج همگامی توحیدی هر موحدی در حد توانائشهای مکتبی خود سهم و رسالتی بعهده دارد. بیعبارت دیگر برای داشتن ارتش توحیدی و فروریختن دیوارهای فاصل عدالت غیرتوحیدی میان داوطلبانی که تعلیمات خاص و فوق العاده می بینند و تمامی وقت خود را در خدمت آموزش های نظامی درآوردند سرانجام موحد تمام وقت هستند و مستضعفینی که آموزش های نظامی دیدند و در امور تولیدی صنعتی و کشاورزی و با خدمات دیگر بکار مشغولند همه مردم باید آموزش نظامی ببینند، طبیعی است در این میان داوطلبان تمام وقت آموزشهای خاص و دقیق تر خواهند دید و این تعلیمات و تربیتها هر چه بیشتر تجدید و تکامل خواهد یافت.

۳- همچنانکه مستضعفین آموزش نظامی دیدند در شرایط فوق العاده و بسیج های همگامی در جبهه و پشت جبهه برادران ارتشی تمام وقت به انجام وظیفه مشغول خواهند شد. در شرایط عادی نیروهای تمام وقت ارتش توحیدی به یاری برادران خود در امر تولید و بازاری جامعه توحیدی خواهند پرداخت. یعنی ارتش توحیدی باید برای اساس سازمان داده شود که چه در شرایط عادی و چه شرایط فوق العاده و جنگی در رابطه تنگناک با دیگر برادران خود بوده و دوشادوش مردم حرکت نماید.

۴- حفظ و مراقبت از مراکز نظامی و تسلیحاتی و نیز نگهداری از سلاحهای پیشرفته ای که در اختیار ارتش توحیدی قرار دارد بعهده نیروی نظامی - فنی است که تمام وقت در خدمت ارتش هستند، دانش نظامی و تسلط بر تکنیک در این بخش باید آتچنان باشد که شایسته یک ارتش است.

۵- در مقام فرماندهی ارتش توحیدی یک شورای فرماندهی عالی تشکیل می شود که افراد ذیصلاح (مومن، متقی، صالح و باکفایت) صرفنظر از درجه و مقام و سن و سابقه خدمت (از نظر مدت خدمت) از طرف امام یا مجلس شورای ملی تعیین می شوند. همه افراد ارتش تمام وقت و توده های آموزش نظامی دیده برای بسیج و شرایط فوق العاده تا زمانی که بحکومت و رژیم وفادارند و خط حرکتی آنها را منطق بر مکتب و جامعه توحیدی و حرست از منافع و دست آوردهای مستضعفین می بینند

در باره ارتش توحیدی
نقیه از صفحه اول
مطمئن به اطاعت از تصمیمات شورای عالی فرماندهی می باشد.
۶- شورای عالی فرماندهی دارای یک فرمانده عالی است که آنها با معرفی شورا و صلاحیت و نائیدامام یا مجلس رهبا تعیین می شود.
فرمانده عالی در چارچوب هدفهای ارتش توحیدی و جامعه توحیدی و نظر نمایندگان حقیقی مردم و امام امت تصمیمات خود را بر اساس شورا در شورای عالی فرماندهی اتخاذ خواهد نمود و فرمانده عالی مسئول اجرای تصمیمات منخده در شورا می باشد.
۷- وظایف و مسئولیتهای شورای عالی فرماندهی توسط نمایندگان واقعی مردم دقیقاً روشن و با تصویب اکثریت بعهده شورا محول می گردد.
۸- در هر واحد از واحدهای ارتش توحیدی یک شورای فرماندهی تشکیل می شود که بر اساس نظر شورا و نائید شورا عالی فرماندهی مسئولیت و فرماندهی واحد برعهده فرمانده واحد گذاشته می شود.
۹- سلسله مراتب در ارتش توحیدی بر

ارتش توحیدی، عینیت سازمان یافته نیروی دفاعی و جهادی توده های مردم است که برای دفاع از ایدئولوژی و شرف و حیثیت انسانی آنها نمود یافته است.

منبای مسئولیتها تعیین می شود. بیعبارت دیگر از آنجائیکه مسئولیتها بر اساس ضابطه ایمان، تقوی، عمل صالح و کفایت تعیین می گردد، سلسله مراتب تنها بر این اساس یعنی مسئولیتها نهاده خواهد شد و با این ترتیب در ارتش توحیدی درجهای وجود نخواهد داشت و موقعیت و مقام هر کس با وظیفه و مسئولیت او در ارتباط خواهد بود. کسیکه در مقام فرماندهی است اعتبار او مربوط به صلاحیت وی در بدیش و طبقه می باشد و با از دست دادن صلاحیت از مقام خود کنار می رود.

۱۰- در ارتش توحیدی بهر کس که صلاحیت یعنی تقوی، آگاهی، کفایت داشته باشد، می توان مسئولیتهای فرماندهی واگذار نمود.

۱۱- ارتش با بافت کونئی خود ارتشی نیست که معیارها و ضوابط و روابط توحیدی بر آن حاکم باشد. بافت و تاریخچه از وابستگی و سازماندهی و روابط غیرتوحیدی دارد برای رهایی از چنین بافتی و بی برتری ارتشی توحیدی و مردمی باید در اساس قدرت خود را در بسیج توده های داوطلب و ایمان و آگاهی آنان جستجو کند.

۱۲- ارتش در حال حاضر از نظر تأمین اسلحه مورد نیاز خود سخت در تاروپوهای روابط سلطه گرانه امپریالیسم در نوسان است. ارتش در حال حاضر با رسیدن بمرز خودکفایی در ساخت سلاح و ابزار و ادوات مورد نیاز باید تکیه خود را بر سلاحهای بگدارد که یا تهیه کامل آن در داخل میسر است و یا می توان از منابع مختلف (نه فقط یک منبع و کشور) تهیه و نگاهداری کرد و اگر بر استعدادهای نیروهای جوان و ارتش توحیدی مجال ظهور و بروز داده شود، با اطلاعاتی که در دست است می توان به توانائشها و ظرفیتهای تکنیکی و فنی آنها امید فراوان بست. در گذشته شکه به شکوفایی این استعدادها بهایی داده نشود در جهت تخریب و انحراف آن تلاشهای فراوانی بعمل آمد.

۱۳- بر اساس ضوابط یاد شده ارتش باید زبور شود و کادر ثابت و نام و ارتش و سازماندهی آن بر اساس معیارهای تعیین شده بی برتری کرده، کادر ثابت ارتش توأم با بالا بردن سطح دانش و تکنیک نظامی خود باید در آموزش تعلیمات نظامی به مردم و سازمان دادن مقاومت و بسیج آنها شرکت نماید.

۱۴- تصمیمات مربوط به صلح و جنگ با مجلس شورای ملی خواهد بود.

۱۵- هنگامیکه تصمیمی از سوی مجلس ابلاغ می شود، شورای عالی فرماندهی ارتش بدون فوت کوچکترین وقت خطوط اصلی اجرای تصمیم مجلس را تعیین و به کلیه واحدها ابلاغ می نماید، هر واحد وظایف و مسئولیتهای تعیین شده را در شورای فرماندهی واحد به شور گذاشته و بهترین شیوه و راه اجرای دقیق آنرا تعیین می کند.
۱۶- صرفنظر از تصمیمات استراتژیک و خط کلی حرکت ارتش که از طرف شورای فرماندهی عالی ابلاغ می شود، واحدها می توانند در باره سایر امور و شوراها منتخب افراد واحد تصمیم گیری نمایند. بدیهی است تصمیمات این شوراها نمیتواند با اصول و ضوابط مصوبه و اعلام شده مغایر باشد.



حوادث درون مجتمع فولاد اهواز و هشدار به همه مقامات و نیروهای آگاه

برخوردهای اخیر که معلول حرکت‌های غلط و انحرافی می‌باشد هشدار است به همه مسئولین مملکتی و نیروهای آگاه که باید با ریشه‌یابی مشکلات مانع از بروز فاجعه‌های دردناک شوند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و بر روی کار آمدن دولت موقت، برخلاف خواست توده‌های مستضعف که انتظار داشتند مبارزه جهت اصولی و مکتبی خود را طی نماید و با قطع وابستگی به امپریالیسم و نفی استثمار انسان از انسان اساس جامعه اسلامی را پی‌ریزی نمایند، اما دولت لیبرال که پیروزی بر مشکلات را تنها در سازش و تکیه بر امپریالیسم می‌دید، مشکلاتی که بعد از هر انقلاب و دگرگونی دولتها با آن روبرو هستند بخصوص کشور ما که میزان وابستگی‌اش نسبت به امپریالیسم با دیگر کشورها اختلاف فاحشی دارد، و در رابطه با این وابستگی‌ها که بخش اعظم آن صنایع مونتاژ و نصب بود، اینگونه می‌خواست عمل کند که با منافع توده مردم در تضاد بود. در این زمینه هم بجای آنکه اقدام اساسی بعمل آورد، بیشتر مسامحه - کاری و سهل‌انگاری می‌کردند و سعی در این داشتند که با استفاده از بوروکراتهای مذهبی و یا مدیرانی که کوچکترین نقشی در انقلاب نداشتند و منافع آنها با منافع مردم در تضاد می‌باشد چرخ مملکت را دوباره به حرکت درآورند. مدیران جدید با وجود جو تازه کارخانه که کارگران در طول مبارزه هرچند کوتاه‌مدت توانستند رشد کیفی نسبتاً زیادی پیدا کنند و با این امید بودند که دگرگونی‌های بنیادی را بکفک مسئولین امر بچرخ آورند، شاهد چهره‌هایی می‌شوند که تنها قصدشان اینست که با ایجاد تغییرات رفورمیستی و روستائیان سعی در راه انداختن صنایع دارند و در قبال این وضعیت حالت صبر و احتیاط را بیشه می‌کنند.

با گذشت مدت زمان کوتاهی کارگران بعثت عدم برخورد روشن و قاطع دولت در مورد صنایع مونتاژ و نصب و نیز تلاش در جهت بازگرداندن تکنسین‌ها و مشاورین خارجی و اصلاح وضع موجود و همچنین بعثت احساس انقلابی‌شان که سعی در پیاده کردن ارزشهای توحیدی‌شان داشتند آنها را وادار به معیاری و اعتراض می‌نماید و کوشش می‌کنند که برای تداوم انقلاب عوامل سد راه رشد خود و جامعه را از میان بردارند، البته باید در نظر داشت که این حرکت تکاملی و مقدس که جنبه سیاسی اجتماعی دارد، نیروهای فرصت طلب تلاش در آن داشتند که مبارزه را در کانال خواسته‌های صنفی قرار دهند، آن چیزی که سرمایه - داران وابسته و اصولاً امپریالیسم را بوجد می‌آورد، و تا اندازه زیادی هم موفق می‌شوند اما برای یک مدت کوتاه بدرستی که این عوامل فرصت طلب نقش جالبی را ایفا نمودند کما اینکه مشاهده کردیم که چگونه کارگران را بارها برای اضافه حقوق و یا چوکه بیمه و یا یکساعت عقب و جلو شدن زمان



مبارزات مردم روستاهای چناران علیه فئودالیسم

کرارش زیر نمونه‌ای از درگیری مردم با اربابان و ماسران آنان می‌باشد، هر چند که کشاورزان محروم تا کنون بطور جدی از طرف ارگانهای دولتی مورد حمایت قرار نگرفته‌اند. اما با همکاری بعضی ارگانهای انقلابی مثل جهاد سازندگی و سپاه پاسداران موفق شده‌اند که هراس در دل فئودالها و مزدورانشان بیاندازند. که اگر این اعمال انقلابی عمق و ریشه وسیعتری بخود گیرد و هم زمان در همه جا انجام پذیرد بزودی با یاری خدا و اراده آهنین روستائیان بساط فئودالیسم از ایران - سر - چیده خواهد شد.

ده خان قلی در دامنه هزار مسجد متعلق به فئودال معروفی بنام میرعمادی بوده که متوفی است و فرزندانش در خارج از ایران بسر می‌برند. زمینهای این ده در اجاره فردی بنام ابوالحسن لعل نسوری می‌باشد. در جوار این ده، ده دیگری بنام خویج واقع است که مردمش برای لعل نور مزدوری میکنند. با رهنمود جهاد سازندگی خراسان، مردم یاد شده تصمیم گرفتند از این پس خود زمین را کشت نمایند. اجاره کار مزدور چون دید که منافعش در خطر است بی کار نشست و شروع به توطئه کرد.

چندی پیش عده‌ای مسلح را جمع آوردی کرده و قصد حمله به کشاورزان که زمین را در اختیار گرفته بودند میکنند. مردم جریان را به کمیته چناران اطلاع میدهند، کمیته موضوع را به سپاه پاسداران و ژاندارمری در میان می‌گذارند، قبل از رسیدن سپاه افراد ژاندارمری به ده مزدور میروند، چون ژاندارمها از گذشته روابط نزدیکی با مالکین داشته‌اند. آمدن سپاه را به آقای لعل نور اطلاع میدهند. نامبرده سلاح‌هایی که در اختیار مزدورانش قرار داده در جای مطمئنی مخفی میکند هنگامیکه افراد سپاه در اول صبح وارد ده میشوند، جهت تحریک افراد مالک شروع به تیراندازی هوایی می‌نمایند تا شاید با عکس العمل مزدوران ارباب روبرو شوند.

اما مالک و مزدورانش با آمادگی که از قبل داشتند عکس العملی نشان نمیدهند - افراد سپاه که از توطئه بعدی آنان آگاه بوده وارد خانه‌ای که آنها جمع بوده‌اند شده و ارباب و افراد مزدور را بازداشت کرده به مشهد می‌آورند دادگاه انقلاب مشهد نامبرده را بعنوان مخرب بازداشت میکند اما متأسفانه بیش از سه روز نمی‌گذرد که آزاد میشود و دوباره با موفقیت به

آنها پروتور شده و همان عملکردهای گذشته را ادامه میدهند. همزمان با طرح اصلاحات ارضی برادر رضا اصفهانی و مبارزات ضد فئودالی که در برخی از مناطق میهنان توسط زحمتکشان روستایی شروع شده بود، دهقانان این منطقه هم فعالیتهایی نمودند تا اینکه برخی از فئودالها نظیر حاج ملک علی خان نظیری که سابقه جنایتها و زمینخواری اش را کوچک و بزرگ منطقه میدانند در اثر این کوشش‌ها دستگیر و روانه زندان میشوند. ولی متأسفانه بیش از یکماه از زندانی‌اش نگذشته بود که سروکله او در ده پیدا شده بود جدی تر و کثیف تر از قبل شروع به ناسزاگویی و اذیت مردم کرد و قبحخانه تر آنکه یکی از روستائیان مبارز بنام کریم رسولپور که نقش رهبری در بسیج دهقانان بر علیه رژیم سابق و فئودالها را داشته بود جرم قتل زنی که حدود ۳ سال قبل در اثر سقوط از پشت بام فوت نمود را به دادگاه انقلاب تبریز معرفی نمود و دادگاه هم او را دستگیر و زندانی کرد.

لازم بنظر است که ملک علی خان سال - هاست که از استثمار مستضعفین روستا ثروتی بهم زده و ساختمان زندگی و اتومبیل آخرین سیرت می‌را در تبریز جور کرده

زندگی راحتی را می‌گذرانند و ۷ فرزندش که چند تایشان در روستای دهناب زندگی میکنند و زراعت و کشت زمینهایشان را که در حدود ۳۰۰ هکتار میباشد برعهده دارند. مردم زحمتکش روستای دهناب که از آزادی و عملکردهای توطئه گرانه او سخت متأسر میشوند تصمیم قاطع برای خاتمه دادن به جنایتهای فئودالها که هنوز در ده زمین داشتند و مشغول ظلم و ستم بر علیه محرومین بودند، میگیرند. برای همین منظور در تاریخ ۱۲ فروردین ۱۳۵۹ طبق قرار قبلی چند تن از انقلابیون مسلمان باتفاق تنی چند از اعضای سپاه پاسداران وارد دهکده میشوند و اقدام به دستگیری فئودالهای ساکن که عبارت بودند از صد خان - جعفر خان - مجید خان - زیدالله خان فرزند حاج ملک علی خان و حیدرخان دهکده میشوند و اقدام آنها که از طریق جاسوسهایشان ورود انقلابیون را می‌فهمند قبل از آنها از ده فرار میکنند و انقلابیون بلافاصله بعد از ورود به روستا باتفاق مردم مبارز ده دنبال فراریان میروند و بعد از ۱/۵ ساعت همه آنها را دستگیر نموده و به خانه مستضعف بقیه در صفحه ۵

امت

دست‌های پینه بسته، حکایت از کار طاقت فرسا

برای آشنایی هر چه بیشتر با نظام سرمایه داری که نظام ضد خدایی و ضد خلقی است به یکی دیگر از مناطق استثمارنده ملکتمان دردل شهر طلای سیاه یعنی آدان گذری می‌افکنیم تا با مستضعفان رمانان به گفتگو بنشینیم. ابتدا برای آشنایی با وضع منطقه مختصری توضیح سده‌همه به این ترتیب که منطقه مورد نظر (طوبجات) واقع در شهر نفت خیز خرمنر می‌باشد در همین منطقه به وضوح یکی دیگر از آثار تضاد طبقاتی به چشم می‌خورد بطوریکه بعد از پشت سرگذشتن منازل شخصی به محدوده‌های بنام چرداق میرسیم. (چرداق محلی است که در آن خرما فراوانی وجود دارد و مردم آنجا بیگانه بسته بندی میکنند) خانه‌ها کلی بدون برق و آب خانه‌هایی که به مردمانش تعلق ندارد بلکه حیات مردمانی به دیگری متعلق است مردمی که از با نام در زحمتند و از حداقل آسایش محروم می‌باشند. خانه‌های کلی متعلق به صاحب چرداق یعنی شخصی سرمایه دار بنام حاج مهدی یوسفی می‌باشد. زحمتکشان منطقه اکثر آنرا خواهران رنج‌دیده می‌باشند که با وجود داشتن بچه‌های کوچک مجبور هستند برای بدست آوردن لقمه نانی حیات خود را این چنین از دست بدهند. دست‌های پینه بسته خواهران حکایت از کار طاقت فرسای آنها میکند به میانشان میروم تا درد و رنج‌شان را از زبان خودشان بشنوم حق گویند سالیانه که ماهانه پول بیمه از حقوقهای ماکس می‌شود درحالیکه دخترچه و کارت بیمه خبری نیست در ازای این کار طاقت فرسای ۱۰ تا ۱۵ سال بیش‌تر روزانه ۲۵ الی ۳۰ ریال دریافت می‌کندیم تا اینکه اخیراً دوسال پیش حقوقشان ب ۴۷ تومان رسیده است از طرف دیگر پول ب و برق ماهانه از حقوقشان کم میشود درحالیکه از آب و برقی‌تری نیست و از آب شط (آبی که دنباله رودخانه کارون میباشد و در آن انواع و اقسام میکروبها وجود دارد و قاضل آب شهر به آنجا ختم میشود.) برای خوردن استفاده می‌کنیم اکثر این خانواده‌ها دارای فرزندان زیادی می‌باشند که از نعت سواد محروم هستند فرزندان بزرگ خانواده که تا قبل از پیروزی انقلاب شاعل و کمک خرجی خانواده‌هاشان بودند بعد از سرنگونی رژیم مغفور پهلوی همگی بیگار میشوند یکی دیگر از خواهران میگوید مدت ۲۰ سال در چرداق کار کردم در مدت این ۲۰ سال روزانه ۳ تومان دریافت می‌کردم در ازای ۱۲ ساعت کار، حدود ۲ سال است که از چرداق بیرون آمده‌ام علت بیرون آمدنم خواستن آب و برق از صاحب چرداق میباشد که در جواب میگوید از آب و برق خبری نیست اگر پیش از این حرف بزنی بیرون می‌کنم و ادامه میدهد الان درآمد ندارم و تنها پسر بزرگم که کارگر نابود به ما کمک میکند که الان بیگار است شوهرم مدت ۵ سال در چرداق کار کرد ولی حال به علت محروم بودن از بنیای نمیتواند کار بکند و خانه‌نشین شده است در مدت این ۲۰ سال از هیچگونه مزایای حق بیمه سکن، آب و برق برخوردار نبودم و مدت ۱۸ سال است که در این محل ساکن هستم و از حداقل مزایای یکزندگی سده محروم می‌باشم یکی دیگر از برادران چنین می‌گوید من سهیل جنایی در اینجا زندگی میکنم حقوقم در چرداق روزی ۴۷ تومان میباشد که از این مقدار مبلغی بابت بیمه کم میکنند درحالیکه بیمه نیست اما ندارم و از آب کثیف شط استفاده می‌کنیم برقی هم از چرداق میگیریم و بابت هر دو ماه ۴۰۰ تا ۵۰۰ تومان از حقوقشان کم میکنند درحالیکه برق همیشه قطع میشود اکنون ما از کلیه مسئولان مملکتی می‌خواهیم به این قانون لاتینتیر خدایی که مستضعفان را وارث به حق زمین میداند گردن نهاده و هرچه زودتر زحمتکشان این منطقه را از استضعاف رهایی داده و اموال این سرمایه دار را به نفع مستضعفین این منطقه صادره کنند به امید که حکومت مستضعفین هرچه زودتر در جهان تحقق یابد.

به امید روزی که حکومت مستضعفین در زمین تحقق یابد

محاكمه فئودالها در دادگاه خلق

هدف از تشکیل دادگاه خلق در روستا، شکسته شدن ترس کودکان و زنان و مردان ده از شخصیت کاذبی بود که از فئودالها ساخته بودند.

امام خمینی: مردم وظیفه دارند در کار زمامداران نظارت و مراقبت دقیق کنند و در برابر خط و انحراف آنها بی تفاوت نباشند. ابتدا انتقاد و کوشش و ارشاد کنند و اگر میسر نشد ایستادگی نشان دهند و منحرف را راست کنند یا سرجای خود بنشانند.

دهناب دهکده‌ای است از توابع هشترود (آذربایجان شرقی) که دارای جمعیتی قریب به ۳۰۰ نفر میباشد. این روستا توسط جاده‌ای که بخشی از آن جیب رو و قسمت دیگر تراکتور بود و آمد میکنند به کیلومتر ۶۶ جاده تهران - تبریز متصل میشود. دهکده‌های این منطقه که در دامنه رشته کوه سهند قرار دارند از مناطق خوش آب و هوا و دارای زمینهای حاصلخیز و دشتی سبز و خرم و چشمه‌های آب گوارا در فصل بهار و تابستان می‌باشند و از مناطق فئودال خیز آذربایجان شرقی است. محصولات این ده عمدتاً سیب زمینی و گند م و یونجه و جو میباشد و در طول

گنج سرمایه دار، حاصل دسترنج کارگران است

مردم و ما

آتلانتا - جورجیا : برادر حواد - م ا اینکه آقای وزیر امور خارجه در مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری ا. بی. سی آمریکا با لحن و بیانی دور از تقوی اسلامی در باره برادران دانشجوی مسلمان بیرو خط امام سخن گفتند دردناک و موجب تاتر و تاسف است.

نوشتمند که ایشان در پاسخ سؤال خبرنگار که: "جرا دانشجویان به شما اجازه تحویل گروگانها را ندادند؟" پاسخ گفتند که "من آنها را به لعنت خدا هم حساب نمیکنم" یا "من کوچکترین ارزی برای آنها قائل نیستم" برادر عزیز مناسفانه خمینی بنیادی در جامعه ما سخت رواج پیدا نموده و کسانیکه در مصاحبهها و گفتگوها با خبرنگاران آمریکایی دانشجویان مسلمان بیرو خط امام را که بارها مورد تائید امام و امت بودهاند غیرمسئول و بچه و ناسلمان و دروغگو و جاعل اسناد می نامند در موقع روبرو شدن با مردم خود را مدافعان و بیروان درجه یک امام خمینی حای زینند، امام تاکنون چندین بار طرح سازشکارانه این آقایان را که تا مراحل آخر آن پیش رفته بودند، افسانه و رسوا ساخته اند که می توان از افشای نامه دهنهایی که کمسیون تحقیق داشت و عدم موافقت امام با تحویل جاسوسهای آمریکایی به شورای انقلاب به بهای نگهداری شاه در بانام و هم چنین افشای نامه خدعه آمیز کارتر که با احتمال زیاد با توافق و اطلاع و حتی توصیه آقایان لبرالهای سازشکار نوشته شده بود و فکر می کردید که با این نامه خصوصی کارتر بدون آنکه محتوی آن با اطلاع مردم ایران و مردم آمریکا برسد خواهند توانست امام را از ضدیت با شیطان بزرگ که آمریکاست منحرف سازند. بهرحال همچنان که "جنش مسلمانان مبارز" بارها اعلام نموده عمدتترین خطری که در حال حاضر انقلاب اسلامی ایران را تهدید می نماید، امپریالیسم جهانخواز آمریکا و عمدهترین پایگاه داخلی آن لیبرالیسم سازشکار می باشد که در حقیقت در صف اول مرتجعین قرار دارند.

زاسر - دانش آموزان دبیرستان دخترانه حواهران عزیز: نامه برشور شما بدست ما رسید. اینکه ماهیت لیبرالها و سازشکاران و وابستگیهای آن بدینی شخص داده اند و از نوبتهایی که ندارک می بینند، آنگاه نشاندهند به نفس حساسی و قاطع و تعیین کننده ایست که شما حواهران و برادران عزیز دانش آموز در آینده انقلاب اسلامی ایران خواهید داشت. آنچه را که برای امت فرستادهاید حاکی از احساس مسئولیت شما حواهران عزیز می باشد. نسل جوان و دانش آموزان باید خود را برای ایفای نقشهای آینده ساز خود از طریق رشد ایمان و آگاهی و احساس مسئولیت و خودسازی و آمادگی های فکری و حسی و اخلاقی آماده سازد.

کرمایشه - برادر م - کانی

برادر عزیز جهت کسب اطلاع در باره "حاما" می توانید با دفتر "حاما" واقع در خیابان فلسطین مگانه نباشد. در مورد "ساش" مناسفانه ما اطلاعات چندانی نداریم که در اختیار شما بگذاریم. سهم خود جستجوهای شما را که برای دستیابی به حقیقت است می سائیم و آرزوی می کنیم هر قدم برای دست یافتن به حقیقت نمام با عمل صالح مناسب با آگاهی مرحله ای شما برادر عزیز باشد.

آمل - ف - ع - ع

دیدگاههای ایدئولوژیک جنش مسلمانان مبارز در کتابهایی که تاکنون منتشر شده و در امت منعکس است و در آینده به امید خدا مباحث ایدئولوژیک مدون در اختیار عموم قرار خواهد گرفت.

کاشان - برادر حواد - ص

تظریات مکتبی جنش مسلمانان مبارز در کتابهای متعدد جنش آمده و روشن تر در مباحث ایدئولوژی است خواهد آمد. بخصوص پاسخ سؤال تبادر باره تضاد و حرکت داده خواهد شد.

تهران - خواهر ش - ف

نوشتمند که یکی از بیروان ایدئولوژی و جهان بینی غیرتوحیدی شما گفته است "که شکست دولت فعلی شکست اسلام خواهد بود" و اسلام توانایی کافی برای مبارزه با امپریالیسم را ندارد. خواهر عزیز این مطلبی جدید نیست و بارها و بارها بر زبانها و شکلهای مختلف گفته شده است وقتی یزید بعنوان امیرالمؤمنین!! و رهبر حکومت اسلامی قدرت را بجهت آورد، گفت: چه بایمی و چه رسالتی و چه بیغمیری و کار اسلام را تمام شده دانست و کسه بر کنارهای فزات ریخته شد و جاری گشت، ماهیت اسلام محدودی از یکسوی و اسلام بیزیدی را از سوی دیگر روشن ساخت.

حکومتها ستکار و حبار و استثمارگر قرن ها بنام اسلام و محمد و قرآن حکومت کردند. با این حال در هر فرصتی که تودهها بدست آوردند بنام اسلام اصل و انقلابی بر آنان شوریدند و قیام کردند، رضاخان و روشنفکران بوج آنجانی در ۱۰ سال اول دیکتاتوری او در حالیکه بندت یکدیگر را بر علیه اسلام و قرآن حمایت می کردند، گفتند کار اسلام تمام است و محمدرضای خائن هم به نام مبارزه با ارتجاع که او خود مصداق واقعی ارتجاع به تمام معنی بود، فکر می کرد کار اسلام تمام است. اسلامی که نمایان دراز در تحریف و پوششهای شرک آلود مستور مانده بود، بدلیل ماهیت و جوهر و خمیره ضد - استبدادی و ضد امپریالیستی و ضد استماری خود یکباره حبل المتین مردم و انگیزه حرکت و انقلاب یکپارچه خلقی شد، آنچه که در انقلاب اسلامی ایران گذشت واقعیتی بود انکارناپذیر بر ایده آلیسم و اینکه اسلام اصل ماهیتی ضد استبداد و استعمار و ضد استثمار دارد واقعیت است نه ایده آلیسم. اگر قرار بر این بود که شکست دولتی و یا حکومتی شکست جهان بینی و ایدئولوژی تلقی گردد، باید غلطی دولت چین با بیش از یک میلیارد نفر جمعیت بدامن امپریالیسم آمریکا شکست جهان بینی و ایدئولوژی تلقی شود که چنین قضای عجولانه و دور از واقع بینی است.

ساری - برادر رضا - ب

درباره اینکه اگر کسی سه سال سوالی زمینی را معطل گذارد مدت زمانی که تعیین شده ثابت نیست و در ادوار مختلف فرق دارد و کم و زیاد شده. زیرا اصل قضیه این است که هر کسی زمینی را آبا دنگد در آن حق پیدا میکند - حالا زمین آباد را رها ساخته ابتدا کسی نمیداند. این شخص برای همیشه ترک کرده یا مسافرت رفته یا کار و گرفتاری ضروری داشته - بهرحال تا آثار احیا و آبادی (کار تبلیور یافته) آن شخص بر زمین باقی است نسبت به آن حق دارد - یعنی حق استفاده و تنها وقتی که آن آثار از بین رفت حق او هم زایل میشود مدت سه سال زمان لازم برای از بین رفتن آثار است - اما در این فاصله هر کس زمین را کشت کرد - محصول را تصاحب میکند ولی حقی روی زمین بدست نمی آورد.

یعنی اگر صاحب اصل برکت منواید ادامه دهد (الزراع للزراع ولوکان عاصبا) بهرحال در شرایط امروز که کسب غیر از انگیزه شخصی که ریس را برک کرده آسان بر از گذشته است مسلما برینبات بازهای لازم است.

مشهد - برادر علی - ج

۱ - معرفی دوستی از مجاهدین را نشانهای از تمایل به وحدت اصولی بیروهای مرفی گرفتیم و اینکه معتمد در مسائل مشترک اگر اصولی باشد میشود همکاری داشت و چون قصد سسلی از تمایل به وحدت بود به دو نفر از صدر آنان اکتفا شد.

۲ - مدعی نیستیم که در همه ناکنیهایی خود مصون از خطا هستیم و از هواداران هم چنانکه متوجه هستیم انتظار نعتت کورکورانه نداریم - توجه شما به این مسئله برای ما امید بختی است. و ما را اسدوار به آمده راه و مکتب مسازد - اندک افرادی نظیر شما که آگاهانه انتخاب میکنند بر اسوه افرادی که تقلید وار به این سو و آن سو میروند ارجحیت دارند.

سراز - برادر عزیز سدم - ج

مبانی اعتقادی و اصول ایدئولوژی جنش مسلمانان مبارز در کتابهای متعدد و در مقالات مندرج در امت چاپ شده و در آینده هم ادامه خواهد یافت برای هر کس مقدور است که با مراجعه به قرآن صحبت و سقم اتهام التقاط را بررسی کند انشاء - الله در مباحث آینده ایدئولوژیک به این اتهام جواب خواهیم داد.

روستای درمنون

برادر عزیز سید عزیز م آچه از ماجرای تلاشهای یک روحانی انقلابی در حمایت از دهقانان و سرکوبی و ریشه کنی مالکان و سرمایه داران مفسد و مخالفتها و کار شکنیهای محافل ارتجاعی شرح داده امی نمونهای است از موارد بسیار که در سراسر کشور در جریان است هدف ما آگاه ساختن مردم به آرمانهای انقلاب و اصول مکتب و دفاع از توده رنج دیده و استمالاز عناصر اصیل انقلابی نظیر آن روحانی مبارزمیباشد وظیفه ما بالا بردن آگاهی خود و تشککل و اتحاد برای حفظ و تداوم انقلاب و رسوا ساختن منافقان و سرمایه دار و مالک و افشای خائننها و کار - شکنیهای سازشکاران و مرتجعین است شما گزارشهای مستند از وضع روستاها و تقسیم -

محاكمه فتودالها در دادگاه خلق

به حیاول وغارت و ظلم ببردان زمینست که در اثر ۲۵۰۰ سال سلطنت شاهنشاهی و ۲۵ سال حکومت لسی و حاکمیت

برس فرد روستا می آورند و طبق قرار فلی تمام اهالی روستا اعم از زن و مرد و فرزند در حیاط خانه دهقان رنج دیده جمع میمانند و بطور رسمی دادگاه خلق برای رسیدگی به جنایات فتودالها تشکیل می - شود.

دادگاه با کلام خدا توضیح گوشه ای از جنایتهای فتودالها در طول ۵۰ سال سلطنت خونبار رضا خان و فرزندش شروع و آنگاه مردم می آمدند و با کلام رسا و بلند اعمال کثیف فتودالها را در حق خود و خانواده های خویش میگفتند و چهره کثیف آنها را که ماسک مظلومیت زده بودند و ابراز توبه و ندامت مینمودند هر چه بیشتر رسوا میکردند آنگاه بعد از خاتمه نگاهتیا که معمولا همه آنها جهردان و جهکودگان از حق حسابهایی که بزور از دستشان گرفتند و با ضرب و جرحی که توسط عمال فتودالها در طول سالهای زیاد دیده بودند و نجاوزات و غصب زمینهای زراعتی و محصولاتشان و بیگاریها برای آریابان برور سربزه زاندرمها و تهدید به قتل و فحش و ناسزاگویی به زنان و فرزندان آنها و همه وهمه را برای اعضای دادگاه و خلق محروم حاضر در آنجا شرح میدادند و بعد از خاتمه شکایت هر شاکي فرمان رئیس دادگاه تف رسوایی را با قریادهای الله اکبر روستائیان به سرو صورت فتودالها می میانداختند و بزبان ترکی میگفتند (الله گونون بیله گونی دوار. یعنی سزای روزهای ستم بار پیشین را چنین روزهایی در براست)

نکات و نتایج این عمل:

۱ - فتودالها دهکده دهتاب ۲ دسته بودند. الف دسته ای که ضمن داشتن زمینهای وسیع در حدود ۳۰۰ - ۲۰۰ هکتار به مردم محروم ده ظلم و ستم می - نمودند. ب - دسته ای که زمین چندانی نداشتند و بصورت خرده مالکی بودند ولی در اثر سلطه گری و تجاوز و تعدی به حقوق مستضعفین مجرم بودند.

۲ - علت اینکه فتودالها در روستاها باسانی میتوانستند و میتوانند با زورگویی

اراضی و کارکننها برانان نفرسند - مسند و بانام و صریح با عنوان آن بهره برداری کرد.

احمد اسکندری

۱ - درباره ارتجاع به سرفاله این شماره ۵۱ رجوع کنید.

۲ - در پاسخ سؤال دوم اولاً " هیچ انسانی جز معصوم. مصون از خطا نیستند ناما" از شما سؤال میکنم مگر بنامبر اسلام از صحابی خود کسانی چون طلحه و زبیر و عثمان را نبی ساخت چرا به آنها مسئولیت میداد. هر رهبری محدود به شرایط و عوامل محیط خود است دادن ما مورت به کسی نشانه نباشد همه جانبه از وی نیست آنچه مسلم است امام خمینی با وجود تائید شورای انقلاب بعنوان یک نهاد رسمی خط فکری - سیاسی آنرا در همه موارد تائید نمی کنند، چنانکه در مورد آمریکا و کمسیون تحقیق امام نظیر مردم و خود را اعلام کردند و بانظر شورای انقلاب و دولت و امثال آقایان مبارزان موفق نبودند و نیستند.

۳ - ماهمه برداشتهای ایدئولوژیک سازمان را اصولی نمیدانیم - اما در مورد اتهام التقاطی برداشتهای سنتی از اسلام بیسر التقاطی هستند، برداشتهای فرق دارند - اصل تر آنستکه با قرآن و سنت رسول نزدیکتر باشد برداشت کاملا صحیح و درست توسط ائمه میر بوده است.

۴ - شوری هم توسعه طلب است اما نظام روسیه با آمریکا فرق دارد در حال حاضر خطر اصلی را از جانب آمریکا میدانیم ولی توسعه طلبی و تجاوز شوری به افغانستان را هم محکوم میکنم.

۵ - این سؤال را از آقای رئیس جمهور بکنیم. ما هم با شما هم عقیده هستیم.

۶ - امام جنگ مسلحانه را مردود ندانستند لکن خودشان موقع را برای اعلام یک جنگ عمومی مسلحانه مناسب نمی - دیدند.

۷ - ما ارکانهای انقلاب را نمی کنیم اما عملکردشان را انتقاد می کنیم و این حق و وظیفه هر مسلمانی است و چنانکه امام هم نگفته اند انتقاد کنید، چنانچه ما هم همه روشهای شورا را تائید نمیکنیم.

۸ - جامعه توحیدی و بی طبقه توحیدی فرقی ندارد. یکی از خصوصیات جامعه توحیدی بی طبقه بودن آن هست فهرست نشریات جنش در امت شماره ۴۴ آمده است میتوانی بدان رجوع کنید.

مشهد - زبان

بقیه از صفحه ۴

آنها بعد از چند مدت دردی از آنها را دوا نمیکند بلکه آنها پرورتر از قبل با دل وجرات بیشتر به ده برکشته و ظلم و جنایات و استثمار را دنبال میکنند و حتی افراد مبارز ده را با بنانه های واهی تحویل



زندان میدهند.

۴ - هدف از تشککل دادگاه خلق در روستا شکسته شدن ترس کودکان و زسان مردان ده از شخصیت کادسی که از فتودالها ساخته بودند و همچنین تحقیر شدن مقام و شخصیت محترم!! آنها در پیش روستائیان بود و عملا هم در تجربه روستاهای دیگر نتیجه گرفته شد که در اثر تشککل دادگاه خلق، خانها روحیه خوش را از دست داده و دیگر جرات سر بلند کردن را ندارند زیرا با اقدام قاطع روستائیان بریاخته میشوند.

۵ - از برکت اتحاد و انفاقی که در اثر این عمل انقلابی در دهکده صورت گرفته بود شورای ده نیز با انتخاب ۴ نفر از مبارزترین افراد روستا بعنوان اعضای اصلی ۲ نفر اعضای علی البدل تشکیل شد و اولین اقدام شورا نیز تلاش در جهت آزادی زندانی روستایی بود که به موفقیت انجام شد.

لغو مالکیت های فتودالی، خواست توده های دهقانی است

از اشغال لانه جاسوسی تا

بقیه از صفحه اول

سیدیل شد. حمایت امام از اقدام دانشجویان - حمایت توده‌های میلیونی را بدنبال آورد. اکنون فرصت تاریخی تازه‌ای برای روح دادن مجدد به انقلاب فرا رسیده بود، فرمانهای امام دایر بر تشکیل ارتش ۲۰ ملیونی، بسیج ملی و جهاد سازندگی هر کدام می‌توانست به حرکتی توفنده علیه نهادهای امپریالیستی در داخل و عالی برای تبلور قدرت و اراده خلق تبدیل شود - قدم مکمل اشغال سفارت تغییر ارگانهای مسئول و اداره‌کننده انقلاب بود، زیرا آنان عجز خود را از رهبری انقلاب ناپسند کرده و ماهیت سازشکارانه خویش را آشکار کرده بودند - سقوط دولت موقت این اسد را بوجود آورد که بزودی تغییراتی بنیادی در دستگاههای حکومت و رهبری دید می‌آید - پیام آنروز شورای انقلاب زیر تاثیر فشار و خواست میلیونی توده‌ها - آشنایان به این ضرورت می‌کرد. ضرورت تغییراتی که می‌باید قبل از هر چیز درون شورای انقلاب بعمل آید.

کسانی که در طول ۹ ماه گذشته بفکر همه چیز بودند بجز مبارزه با آمریکا، پایگاههای داخلی‌اش و در برابر درخواست مصرانه مردم به قطع مناسبات سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی با آمریکا بی‌تفاوتی نشان می‌دادند و سخت سرگرم تقسیم غنائم و رقابت و ستیز بر سر قدرت بودند، اکنون شعارهای پرشور جوانان و مردم و رهبرندهای امام را تکرار می‌کردند اگر چه در دل از این اقدام دانشجویان سخت دلخور و سرخورده بودند. افسان اسناد، مردم را با واقعیت حال زمامداران آشنا کرد - اما تغییرات بنیادی در مراکز قدرت رخ نداد - اعضای لیبرال دولت موقت به شورای انقلاب پیوستند و در حقیقت سر مردم شیره مالیده شد - رقیبی ضربه خورده بود و رقیب دیگر بهره می‌برد می‌برد - اما جناح روحانی و حزبی شورای انقلاب در مجموع در مقایسه با دولتگردان کمتر نگران و ناشاد از اقدام دانشجویان بودند اگر چه قلبا هم آنانرا تشویق و حمایت نکردند و حتی یکی از آنان زمین سفارت را غصی! دانست و نماز در آن را باطل!!

مردم که از جریانات حاکم مایوس شده بودند به حرکت جدید چشم امید دوختند - شورای انقلاب فرصت خوبی برای اثبات صداقت انقلابی خود بدست آورد. میلیونها مردم که آماده همه‌توع فداکاری بودند با شور بیشتری با میدان گذاشتند - دشمن ضربه خورده و سازشکاران رسوا شده بودند - ولی آنان بجای دست زدن به تغییرات بنیادی، به شعار دادن اکتفا کردند و نهادهای انقلابی چون ارتش ۲۰ میلیونی و بسیج توده‌ای را از محتوا محروم و بصورت نمایشهای توخالی تلویزیونی درآوردند.

دانشجویان مسافر در سفارت در برابر این وضع چه مسئولیتی داشتند؟ آیا می‌بایست ساکت و خاموش می‌ماندند تا موجی که با اقدام قاطع آنان پدید آمده بود تدریجا فروکش کند و احساسات و شور مردم وسیله کسب موقعیت و تثبیت قدرت افراد قرار گیرد؟ آنان به افشای نامنظم و پراکنده اسناد اکتفا کردند - درست است که در بیانیه‌های پرحشوای خود، روی ضرورت مبارزه جدی با پایگاههای آمریکا در داخل تاکید بسیار کردند، لکن روی نقطه ضعف کار انگشت نگذاشتند و کسانی را که مسئول افول مجدد شور مبارزه و بی‌محتوای شدن شعارها و بی‌نتیجه ماندن اقدام تاریخی آنان بودند، معرفی نمودند.

غرض محکوم کردن برادران نیست، بلکه بیان این واقعیت است که عدم انسجام و وحدت درونی مانع از آن شد تا موضع قاطعی در این زمینه اتخاذ کنند، بعکس شیوه افسای اسناد تا حدودی زیر نفوذ بعضی سیاستها و قدرتها قرار گرفت و در همین حال مردم از تکرار شعار و اجتماعات بی‌نتیجه خسته می‌شدند. مردم تغییراتی در عمل مشاهده نمی‌کردند. همه‌چیز بر روال سابق ادامه یافت، افشا شده‌ها در مراکز قدرت و در پستهای خود باقی ماندند و از یکبار اعاده حیثیت شد و طلبکار هم شدند و به جبران خسارتی که متحمل شده بودند، همه امکانات تبلیغاتی در اختیارشان قرار داده شد و در نتیجه نقطه آثار افشاگرها را زدودند که ضربات سختی بر اعتبار کار دانشجویان و صحت اسناد و اصالت عمل اشغال سفارت وارد آورده، وجهه تازه‌ای در میان مردم کسب و با مظلوم‌نمایی و حمایتهایی که از طرف بزرگان قوم دریافت کردند و سپس با اختلاف پیروزی چشمگیری هم در انتخابات مجلس نصیبشان شد.

اطراف سفارت خلوت شد، مردم

اکنون موقع حل اختلاف با آمریکا فرا رسیده بود. طرح کمیسیون برای حل اختلاف ریخته شد. دانشجویان و کار اشغال سفارت مورد حملات همه‌جانبه قرار گرفت علاوه بر محافل سازشکار مقامات رسمی دولت، وزیر امور خارجه و حتی رئیس جمهور هم کار دانشجویان را تخطئه کردند، آنانرا افرادی خودسر، و اقدام آنانرا بازی و سرگرمی می‌شماردند. در برابر خطر سازش، جنبش مسلمانان مبارز موضع قاطع و آشکاری گرفت، چنانکه در آغاز اشغال سفارت هم جنبش سرپا درستی و اهمیت اقدام دانشجویان را درک کرد و بدحادث از آنان دست برد، ولی این

● کسانیکه در طول ۹ ماه گذشته بفکر همه چیز بودند بجز مبارزه با آمریکا، پایگاههای داخلی‌اش و در برابر درخواست مصرانه مردم به قطع مناسبات سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی با آمریکا، بی‌تفاوتی نشان میدادند و سخت سرگرم تقسیم غنائم و رقابت و ستیز بر سر قدرت بودند

کردند و سندسازی و افسای آنرا کار عوامل سیا می‌شماردند. بعضی گروههای اسلامی و مارکسیستی عمدتا (مجاهدین و فدائیان) در توان و ماهیت ضدامپریالیستی دانشجویان تردید داشتند - و هنوز سخت سرگرم مبارزه و کلنجار با ارتجاع بودند و از خطر جریان سازشکاری لیبرال بورژوازی غافل، به کار دانشجویان بها ندادند و حتی کم‌وبیش آنرا خدعه ارتجاع در حل مشکلات درونی و انحراف افکار مردم و تثبیت و تقویت موضع خویش قلمداد کرده تخطئه نمودند - جریان لیبرالی که از فشار این نیروها در امان بود با همکاری و ائتلاف ضمنی با رقیب خویش، در انتخابات ریاست جمهوری و سپس مجلس شورایی به پیروزی چشمگیری دست یافت و دانشجویان در آنرا مانده، و مبارزه ضدامپریالیستی مجددا "فراوش شد.

بار معنی در برابر توطئه کمیسیون حل اختلاف، توده‌ها تا حدود زیادی بی‌تفاوت و مردود بودند. زیرا شورای انقلاب و رئیس دولت و وزیر امور خارجه و غالب دولتمردان با طرح کمیسیون موافق بودند. رابطه دانشجویان با توده از هر موقع ضعیفتر بود. ولذا در سکوت و بی‌عملی بسر می‌بردند. ما هم چنان خطر را گوشزد و از توطئه آمریکا و کمیسیون برای تحمیل سازش مسئولین را برهیز و مردم را هشدار می‌دادیم.

تا درخواست کمیسیون برای ملاقات با گروهانها مطرح شد و دانشجویان مخالفت کردند و مساحره و کشمکش آغاز شد. کمیسیون با اکراره و امتناع از ملاقات با معلولین و اصرار بی‌منطق به ملاقات با گروهانها دست خود را رو کرد. سرانجام علیرغم فشار شدید مسئولین و مقامات دولتی و تهدیدهای آمریکا، امام سرنوشت

با معنی در برابر توطئه کمیسیون حل اختلاف، توده‌ها تا حدود زیادی بی‌تفاوت و مردود بودند. زیرا شورای انقلاب و رئیس دولت و وزیر امور خارجه و غالب دولتمردان با طرح کمیسیون موافق بودند. رابطه دانشجویان با توده از هر موقع ضعیفتر بود. ولذا در سکوت و بی‌عملی بسر می‌بردند. ما هم چنان خطر را گوشزد و از توطئه آمریکا و کمیسیون برای تحمیل سازش مسئولین را برهیز و مردم را هشدار می‌دادیم.

تا درخواست کمیسیون برای ملاقات با گروهانها مطرح شد و دانشجویان مخالفت کردند و مساحره و کشمکش آغاز شد. کمیسیون با اکراره و امتناع از ملاقات با معلولین و اصرار بی‌منطق به ملاقات با گروهانها دست خود را رو کرد. سرانجام علیرغم فشار شدید مسئولین و مقامات دولتی و تهدیدهای آمریکا، امام سرنوشت

با معنی در برابر توطئه کمیسیون حل اختلاف، توده‌ها تا حدود زیادی بی‌تفاوت و مردود بودند. زیرا شورای انقلاب و رئیس دولت و وزیر امور خارجه و غالب دولتمردان با طرح کمیسیون موافق بودند. رابطه دانشجویان با توده از هر موقع ضعیفتر بود. ولذا در سکوت و بی‌عملی بسر می‌بردند. ما هم چنان خطر را گوشزد و از توطئه آمریکا و کمیسیون برای تحمیل سازش مسئولین را برهیز و مردم را هشدار می‌دادیم.

با معنی در برابر توطئه کمیسیون حل اختلاف، توده‌ها تا حدود زیادی بی‌تفاوت و مردود بودند. زیرا شورای انقلاب و رئیس دولت و وزیر امور خارجه و غالب دولتمردان با طرح کمیسیون موافق بودند. رابطه دانشجویان با توده از هر موقع ضعیفتر بود. ولذا در سکوت و بی‌عملی بسر می‌بردند. ما هم چنان خطر را گوشزد و از توطئه آمریکا و کمیسیون برای تحمیل سازش مسئولین را برهیز و مردم را هشدار می‌دادیم.

با معنی در برابر توطئه کمیسیون حل اختلاف، توده‌ها تا حدود زیادی بی‌تفاوت و مردود بودند. زیرا شورای انقلاب و رئیس دولت و وزیر امور خارجه و غالب دولتمردان با طرح کمیسیون موافق بودند. رابطه دانشجویان با توده از هر موقع ضعیفتر بود. ولذا در سکوت و بی‌عملی بسر می‌بردند. ما هم چنان خطر را گوشزد و از توطئه آمریکا و کمیسیون برای تحمیل سازش مسئولین را برهیز و مردم را هشدار می‌دادیم.

با معنی در برابر توطئه کمیسیون حل اختلاف، توده‌ها تا حدود زیادی بی‌تفاوت و مردود بودند. زیرا شورای انقلاب و رئیس دولت و وزیر امور خارجه و غالب دولتمردان با طرح کمیسیون موافق بودند. رابطه دانشجویان با توده از هر موقع ضعیفتر بود. ولذا در سکوت و بی‌عملی بسر می‌بردند. ما هم چنان خطر را گوشزد و از توطئه آمریکا و کمیسیون برای تحمیل سازش مسئولین را برهیز و مردم را هشدار می‌دادیم.

گروگانها را به ملت و مجلس منتخب مردم سپردند. کمیسیون شکست خورده و رسوا شده ایران را ترک کرد. ولی کم‌کم مردم متوجه توطئه سازش می‌شدند. مخالفین بیشتر شد. از میان گروهها فدائیان تا حدودی به تصحیح موضع خود دست زده و با طرح خطر لیبرال بورژوازی به عنوان پایگاه اصلی امپریالیسم از مقاومت دانشجویان در برابر کمیسیون دفاع نمودند ولی مجاهدین هنوز بر مواضع پیشین خود باقی بودند و به سکوت خود در برابر جریان سازشکاری ادامه می‌دادند و به مسائل مربوط به خود و ارتجاع بیشتر اهمیت می‌دادند. این بار موضوع اشغال گروگانها، به حکومت پیش کشیده شد. فشار روی دانشجویان بیشتر شد و هدف آن بود که با پیش از افتتاح مجلس مسئله فاصله یابد. طرفداران حل اختلاف با آمریکا می‌گفتند: مبارزه با امپریالیسم ارتباطی با مسئله گروگانها ندارد. این حرف در ظاهر درست است لکن با توجه به اینکه دولت از اسدای اشغال سفارت تا این زمان هیچ اقدام عملی و جدی علیه منافق آمریکا بعمل نناورده و وابستگیها بر جای خود باقی بود. حل اختلاف با آمریکا و آزاد کردن گروگانها چه معنی می‌داشت؟ آیا دانشجویان با سازمانهای سیاسی مسئول الفاء قرار دادها، آزاد کردن ارتش و ادارات و اقتصاد و سیاست وابستگی بودند با حکومت؟ آیا دانشجویان و سازمانهای مبارز مسئول تشکیل ارتش ۲۰ ملیونی در سیخ عمومی برای سازندگی و افسای اسناد ساواک و ... بودند با حکومت؟ آیا نگاهداری جاسوسان مانعی در راه مبارزه واقعی با آمریکا برای حکومت بوجود می‌آورد؟ یا بعکس می‌توانست عامل بسیخ توده‌ها باشد؟ مسئله اشغال با فرمان امام منتفی شد و دانشجویان از سکوت خارج شدند - اگر چه آنان برای برهیز از تضعیف دولت و مقاومت در برابر مصوبات شورای انقلاب و رئیس جمهور آمادگی خود را برای تحویل گروگانها به دولت اعلام کردند.

گذاشته و با دستور ماندن گروگانها در اختیار دانشجویان پیرو خط امام عملا امید سازشکاران را قطع نمودند. ما همان لحظات طی بیانیه ۵۸/۱/۱۴ خواستار قطع رابطه با آمریکا شدیم - ما اعلام کردیم که آشتی و سازش با شیطان غیر ممکن است - اکنون که اراده خلق بر تردیدها غلبه کرده و دشمن ما یوس و رسوا گردید. همه باید متحدا این نبرد سرنوشت ساز را تا پیروزی نهائی دنبال کنیم.

زمامداران دولت در شورای انقلاب و در مقام رئیس جمهوری باید از تجربیات بعد از اشغال لانه جاسوسی درس بگیرند - در آن تاریخ همانند حالا ضربه‌ای سخت بر دشمن وارد آمد و شور انقلابی سراسر کشور را فرا گرفت و اختلاف و تفرقه جای خود را به اتحاد و همدلی داد همه آماده فداکاری، بسیج و مقاومت و سازندگی شدند. رهبر انقلاب با اعلام این نکته که انقلابی بزرگتر آغاز شده - فرمان تشکیل ارتش ۲۰ ملیونی برای مقاومت و دفاع و بسیج عمومی برای سازندگی و خودگفائی و نهضت سوادآموزی برای بالا بودن آگاهی مردم و روزه داری و قناعت جهت تقلیل مصرف را اعلام کردند.

شرایط برای یک تحول بنیادی فراهم بود. صفوف متحد خلق آماده بود تا توطئه‌ها را در داخل سرکوب و فشارها را از خارج خنثی کند. و استقلال واقعی سیاسی - اقتصادی و نظامی را بدست آورد.

اما افسوس که زمامداران ما موقعیت را درک نکردند و یازهم راه مذاکره و مصالحه در پیش گرفتند. فرمانهای انقلابی بی‌محتوا شد و آتش مبارزه خاموش و شور انقلابی فرو نشست و ضد انقلاب فعال و آمریکا امیدوار گردید.

اکنون بیکار دیگر فرصتی تاریخی پدید آمد تا با بهره‌گیری از نتایج مبارزه مکتبی علیه امپریالیسم ضعف‌های اساسی خود غلبه کنیم. این زمینه فرصتی است برای تضمین وحدت خلق و ایجاد ارتش مردمی با روابط جدید توحیدی، در شرایط موجود توده آماده جهاد برای سازندگی و خودگفائی است - خلق آماده دفاع با جنگ و دندان است - بشرطی که انکه بمرود از صورت شعار و حرف خارج شود و واقعیت عینی پیدا کند ارتش ۲۰ ملیونی واقعیت پیدا کند - و برای اینکه باید موانع از پیش پا برداشته، یکی از این موانع - فتوای الهی هستند یکی دیگر سرایب اداران وابسته به امپریالیسم هستند یکی دیگر سیستم بوسیده اداری و نهادهای کهنه آریامهری است یکی دیگر نظام وابسته ارتش و انکه آن سلاح و تکنیک آمریکایی است یکی قرار دادهای استثماری و بویژه نفت است یکی دیگر روحیه تبلیغ و مصرف و رفاه است یکی دیگر اغتشاش و توطئه‌های ضد انقلاب است یکی هم تفرقه و تضادهای غیر اصولی درون خلقی است. این موانع با آسانی

گذاشته و با دستور ماندن گروگانها در اختیار دانشجویان پیرو خط امام عملا امید سازشکاران را قطع نمودند. ما همان لحظات طی بیانیه ۵۸/۱/۱۴ خواستار قطع رابطه با آمریکا شدیم - ما اعلام کردیم که آشتی و سازش با شیطان غیر ممکن است - اکنون که اراده خلق بر تردیدها غلبه کرده و دشمن ما یوس و رسوا گردید. همه باید متحدا این نبرد سرنوشت ساز را تا پیروزی نهائی دنبال کنیم.

زمامداران دولت در شورای انقلاب و در مقام رئیس جمهوری باید از تجربیات بعد از اشغال لانه جاسوسی درس بگیرند - در آن تاریخ همانند حالا ضربه‌ای سخت بر دشمن وارد آمد و شور انقلابی سراسر کشور را فرا گرفت و اختلاف و تفرقه جای خود را به اتحاد و همدلی داد همه آماده فداکاری، بسیج و مقاومت و سازندگی شدند. رهبر انقلاب با اعلام این نکته که انقلابی بزرگتر آغاز شده - فرمان تشکیل ارتش ۲۰ ملیونی برای مقاومت و دفاع و بسیج عمومی برای سازندگی و خودگفائی و نهضت سوادآموزی برای بالا بودن آگاهی مردم و روزه داری و قناعت جهت تقلیل مصرف را اعلام کردند.

شرایط برای یک تحول بنیادی فراهم بود. صفوف متحد خلق آماده بود تا توطئه‌ها را در داخل سرکوب و فشارها را از خارج خنثی کند. و استقلال واقعی سیاسی - اقتصادی و نظامی را بدست آورد.

اما افسوس که زمامداران ما موقعیت را درک نکردند و یازهم راه مذاکره و مصالحه در پیش گرفتند. فرمانهای انقلابی بی‌محتوا شد و آتش مبارزه خاموش و شور انقلابی فرو نشست و ضد انقلاب فعال و آمریکا امیدوار گردید.

سراجام کاری که باید دولت ماهیا قبل می‌کرد، کاربر انجام داد. رابطه سیاسی قطع شد، وزیر خارجه در برابر ستوان خبرنگار، قطع رابطه را عملی ناسی از تحریک عصبی شمرده گفت به این دلیل ما رابطه را قطع نکردیم. لاید مصدق هم در قطع رابطه با انگلستان دچار ناراحتی عصبی شده بود!

سراجام مقاومت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در مخالفت با مصالحه آجناسی با آمریکا امر مطلوب خود را بخشید.

با اوج‌گیری مجدد شور ضدامپریالیستی و با آشکار شدن توطئه‌های آمریکا و حملات عراق و ... صحت موضع جنبش مسلمانان مبارز در قبال مسائل اساسی انقلاب بیشتر ثابت شد. فرصت تازه‌ای برای دولت و گروههای سیاسی تازه آمده تا به تصحیح موضع خود بپردازند و راه و شیوه و صف واحدی برای مقابله با دشمن پیش گیرند. تحلیل عموافق بیانیه فدائیان از پیام توده‌ای امام نشان‌دهنده نوسانات و تردیدها در خط منی سیاسی این سازمان است.

مجاهدین خلق پس از پیام بورژوازی امام و هشدار ایشان تفسیر روسی دادند و از حدت مبارزه ضدامپریالیستی و بخصوص بعد از قطع رابطه سیاسی آمریکا با ایران و ... مقاومت دانشجویان و شکست مذاکرات و اشغال گروگانها یک تغییر چشمگیر در خط منی خود داده به حمایت از دانشجویان برخاستند و شعار علیه سازشکاران دادند.

این اصلاح منی نشان منسی بلقی می‌شود. این نبرات تنگونی اوج‌گیری مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا می‌باشد - اما در عین حال وقتی اقدام و مقاومت دانشجویان در بعد مبارزه علیه آمریکا مورد قبول و ناسند همه گروههای مترقی است که برای انتقال می‌شود که در آن اصالت کار ضدامپریالیستی دانشجویان مورد تردید و انکار قرار گرفته.

اکنون زمان آن رسیده است که بر واقعیتها تکیه کنیم و با ارزیابی درست از دشمن مترک و پایگاهها و نیروهای وابسته بدان جنبه سعیدی علیه آن بوجود آوریم نکوسیم تا این بار مبارزه ضدامپریالیستی محتوای واقعی خود را بدست آورد.

میشود برداشت‌سبوری مردم تا وقتی تلور پیدا نکند در سازندگی و مقاومت بکار نخواهد رفت، والا تنها با طرح شعار و بسیخ توده راهبیمابها مبارزه تحقق واقعی نخواهد یافت. هم اکنون تشکیل شوراهای بسیخ و مقاومت اسلامی در کلیه دهات، محله هاو موسسات و مساحد برای رهبری امر بسیخ و مقاومت و خودگفائی و اصل مصرف همچنین مبارزه با ضد انقلاب ضرورت کامل خود را به عنوان یک زمینه برای بسیخ مشخص کرده است، همچنانکه بارها بعنوان پیشقدم طرح وحدت اصولی اعلام کرده‌ام به ضرورت وحدت در شرایط حساس کنونی اهمیت بسیار میدهم و این خواست همیشه خلق را که دانا" در آن پای فتردیست تا کند کرده از هر اقدامی در این زمینه استقبال منماینم.

این زمینه را جمع را به عنوان نشانه‌ای از وحدت ملت در برابر امپریالیسم تاکید کرده در آن شرکت می‌کنیم و از زمامداران انتظار داریم با رعایت اصول و ضرورتهای فوق بدین وحدت محتوای استمرار بخشد. ادامه مبارزه عملی با پایگاههای دشمن و برهیز از سازش و تسلیم ضامن بقای وحدت مردم است. در حال حاضر باید تردیدها را کنار بگذاریم با تمام قوا با ایمان کامل به برتری حق بر باطل و پیروزی نهایی خلق وارد معرکه مبارزه علیه شیطان شویم، مبارزه‌ای که اگر ادامه دهیم بزودی ابعادی جهانی پیدا خواهد کرد ما ملت‌های زیر سلطه را بیکار دیگر به‌قیام علیه آمریکا دعوت می‌کنیم.

اکنون موقعی است که نفت را بروی شیطان بیندیم و از همه خلق‌های زیر ستم بخواهیم تا منافع حیاتی آمریکا را در سراسر جهان مورد حمله قرار دهند. اکنون بر زمامداران است که نه فقط در سیاست داخلی با انکه، به قدرت مردم بانهادهای استعماری درآتش، نفت و دیگر قراردادهای استعماری، ادارات، صنایع مبارزه بنیادی و قاطع کنند بلکه در سیاست خارجی هم ملت‌های مستضعف بخصوص ملل مسلمانان منطقه و خلق فلسطین را علیه حکومت‌های مرتجع و دست نشانده و علیه منافق آمریکا به اقدام دعوت کنند.

پیش بسوی درهم‌کوبیدن پایگاههای داخلی آمریکا مستحکم باد وحدت ضد شیطانی مردم مبارز ایران

جنبش مسلمانان مبارز ۵۹/۱/۱۹

بیانیه‌های جنبش مسلمانان مبارز

شرکت میکنند و در خواست همکاری از سایر ملل ضد استعمار در پیوستن به تحریم نفتی آمریکا.

۲ - اقدام جدی برای تشکیل واحدهای مقاومت بسیخ در کارخانجات، روستاها، ادارات، مدارس، بمنظور آموزش نظامی و آمادگی برای دفاع و کنترل فعالیت‌های ضد انقلاب و تقلیل مصرف و افزایش تولید.

۳ - انجام سریع طرح تقسیم اراضی و بسیخ عمومی دهقانان و خلق ید از سرمایه‌داری وابسته و بسیخ عمومی کارگران در امر مقاومت و تولید.

۴ - تأمین نیازمندیهای ضروری از کشورهای دوست و ضد استعمار.

و از ملت قهرمان ایران و از هوداداران جنبش مسلمانان مبارز برای پیشبرد این مبارزه مقدس اسلامی می‌خواهیم تا:

۱ - مصرف را در همه مواد و موارد به حداقل برسانند.

۲ - از ذخیره مواد غذایی و مایحتاج ضروری برهیز کنند.

۳ - در هر جا هستند در امر بسیخ عمومی برای مقاومت و تولید و خودگفائی و تشکیل واحدهای بسیخ و مقاومت فعالانه شرکت نمایند.

۴ - از هر گونه تفرقه برهیز کرده وحدت خلق را در مبارزه علیه شیطان برهبری قاطع امام خمینی تحکیم و انسجام بخشند.

جنبش مسلمانان مبارز ۵۹/۱/۱۹

اعلامیه جنبش مسلمانان مبارز در استقبال از وحدت علیه امپریالیسم

بنام خدا استکبارا" فی الارضو مکرالسی ولایحیق المکرالسی الا باهله فهل بنظرون الا سنت الاولین فلن تجد لست الله تبدیلا" ولن تجد لست الله تحویلا"

در زمین گردنکنشی میکنند و حیل‌های زشت میکنند ولی این حیل‌های پلید جز گردانندگانش را نابود نمیسازد از جز شیوه‌های ام پیشین را انتظار دارند؟ در سنت‌های خدا هرگز تبدیل و تحول نمی‌پذیرد.

مردم مبارز ایران تاریخ هر بار بر این سنت الهی صحه زده است که مکر و حیل‌های جباران و طاغوتها علیه حق دیر یازود به زبان آنها و درجهت نابودیشان عمل میکند اما ستمگران، گوردل تر از آنند که این حقیقت تاریخی و سنت لایتغیر الهی را دریابند. چنانکه‌شاه هم نتوانست بفهمد که حیل‌های وی علیه انقلاب و قیام خلق کشتارها و شکنجه‌ها - خدعه‌ها، نفاق

موافقتنامه کمپ دیوید یا توطئه آمریکا - اسرائیل و مصر



اردن و نوار غزه را پس دهد، بلکه برای تثبیت موقعیت خود اقدام باسکان یهودیان جدیدی در این مناطق کرده بود. این امر اگر چه موجب اعتراض کارتر گردید ولی با شدت ادامه یافت. بطوریکه موشه داسان در مصاحبه خود در نیوزویک (۷۸/۲/۶) در پاسخ این سؤال که آیا اسرائیلی ها حاضرند برای صلح از ساکنین سینا صرفنظر کنند جواب داد که: "خبر آنها آنجا خواهند ماند و تخلیه آن قسمت اشتباه بزرگی خواهد بود". در همین رابطه بکین نیز اظهار داشت: اسرائیل هرگز به مرزهای قبل از سال ۶۷ با رنخواهد گشت" چند هفته بعد بکین در اواخر ماه مارس صریحا "اعلام کرد: "او هرگز حاضر نیست یک وجب از آنچه که متعلق به اسرائیل میداند پس دهد."!! بدین ترتیب در مورد دولت مستقل فلسطین اسرائیل حاضر به قبول هیچگونه راه حلی نیست و نخواهد بود.

در اواخر ژانویه، زمانی که هیئت نمایندگی مصر در تل آویو برای مذاکره رفته بود، در سر میز شام مشاجرات لفظی شدیدی بین نماینده مصر و بکین در گرفت. نماینده مصر اعلام کرد که: با اشغال اراضی، صلح نخواهد آمد... صلح با نفی حقوق ملی مردم فلسطین و مهمترین این حق تعیین سرنوشت نخواهد آمد". بکین با خنونت جواب داد: "تقصیر مصری هاست که دچار وهم شده بودند که اسرائیلی ها تسلیم خواهند شد؟" بدینال این مشاجره سادات هیئت نمایندگی را به قاهره احضار میکند. این روش رهبران اسرائیل، از جهت سیاسی در افکار عمومی جهان بضرر آنها تمام شد. حتی یهودیان جهان نیز، در مورد سیاست اسرائیل و عکس العمل بکین اختلاف نظر پیدا کردند.

در آمریکا، کارتر بعنوان اولین دولت آمریکائی قبول ضرورت تعیین وطن مستقل فلسطینی را شرط ادامه مذاکرات صلح اعلام نمود. سرانجام بعد از دورانی طولانی از مذاکرات مستقیم و غیر مستقیم میان مصر - اسرائیل و بدینال تدارکات فراوان و حساب شدهای که از جانب آمریکا تهیه شده بود، بالاخره وزیر خارجه آمریکا موافقت مصر و اسرائیل را در مورد برخی از مسائل مربوط به صحرای سینا و روابط میان مصر و اسرائیل اعلام نمود. بدینال آن نمایندگان مصر و اسرائیل متن موافقت نامه را امضاء کردند. مفهوم و محتوای این موافقتنامه ها چیست؟ و تائیدات کوتاه مدت و دراز مدت آن بر روی مسائل خاور میانه و آینده جنبش رهایی بخش فلسطین و خلقهای عرب کدام است؟ برنده و

تضاد بوده و در صورت ناجراه درآوردن آن، رشد مقاومت فلسطین خطر جدی برای آنان محسوب میگشت. بدین ترتیب بعد از جنگ ۶۷ (جر فاصله کوتاه جنگ ۷۳) دول عربی فعالیت های دیپلماتی در سطح جهانی را بمنظور منروی کردن اسرائیل و جذب افکار عمومی جهان به مسئله فلسطین و اقصای ماهیت تجاوز - گرانه اسرائیل غاصب را جانشین تدارکات نظامی نمودند، تا بدین وسیله بتوانند اسرائیل را مجبور به عقب نشینی از زمین های اشغالی در جنگ ۶۷ نمایند. و راه حل مسالمت آمیزی برای آوارگان فلسطینی را پیدا و به اسرائیل تحمیل کنند.

از طرفی جناحهایی از محافظ سرماه - داری عرب خصوصا کمیونهای نفتی و صاحبان صنایع نظامی آمریکا بنا بدلالتی سیاست برهیز از جنگ و کوشش برای حل مسالمت آمیز بحران خاور میانه را تائید میکردند. تعقیب و اجرای این سیاستها مرگ ناصر صورت گرفت. روی کار آمدن سادات و یکی تازی عربستان سعودی در صحنه سیاست خاورمیانه (بدلیل بالا بردن تولید نفت و بدست آوردن یک قدرت اقتصادی تک پایهای مصنوعی) و اقدامات وسیع کبسنجر باعث گردید نامستقله صلح اعراب و اسرائیل وارد مرحله جدیدی شود، البته با در نظر گرفتن مسائل زیر:

۱- شناسائی کامل اسرائیل از سوی اعراب
۲- عقب نشینی اسرائیل به مرزهای قبل از جنگ ۱۹۶۷ و پس دادن اراضی اعراب
۳- حل مشکل آوارگان فلسطینی و تائیس دولت مستقل فلسطین.
طراحان سیاست آمریکا درخاورمیانه، که از ادامه بحران در این منطقه نگران بودند و رشد و توسعه جنبش فلسطین را تهدید آمیز می دیدند از طرح صلح پشتیبانی نمودند. با بررسی و مطالعه کارنامه مقاومت فلسطین و اثرات مهم و عمیق آن در کل منطقه میتوان به علل وحشت امبرالیسم و دول ارتجاعی عربی پی برد. شکست نظامی اعراب و پیروزیهای بی دری اسرائیل و ماهیت تجاوز و توسعه طلبی صهیونیسم و افکار عمومی جهان عرب و اسلام این اجازه را به رهبران رژیم های عربی نداد (تا زمان صلح سادات خائن با اسرائیل) تا با اسرائیل به پشت میز مذاکرات صلح و به رسمیت شناختن آن دولت غیر قانونی بنشینند. اما شرایط بحرانی اعراب خصوصا "مصر بعد از عبدالناصر آنچنان بود که بیش از هر زمان دیگر آنها را مجبور ساخته بود که از بن بست نه جنگ و نه صلح بیرون آیند،

از هنگامی که صهیونیسم متکی به سه اصل نژادپرستی، توسعه طلبی و قهر و خنونت با تئانی و پشتیبانی امبرالیسم انگلیس در آغاز و سپس امبرالیسم آمریکا در فلسطین دست قدرت نمائی زد و همه تجارب نازیسم آلمان و فاشیسم اروپا را در مورد خلق ستم دیده فلسطین بکار برد، آنچه مسلم گشته استست که خلق قهرمان فلسطین علیرغم تمام خنونت های استعمار و عاملین آن سر تعظیم در برابر هیچ نیروی ضد مردمی فرو نخواهد آورد.

جنگ ۱۹۶۷ و شکست ارتشهای عربی اثرات گوناگونی را در دنیای عرب و جهان اسلام باقی گذاشت، اما مهمترین و عمیق ترین این تائیرات را میتوان بر جنبش آزادی بخش فلسطین وساست دولت های عربی دانست. آوارگان فلسطینی بعد از این جنگ دریافتند که دیگر نباید متکی به دولت های عرب بوده، چشم امید باز پس گرفتن سرزمین هایشان را به آنان داشت. اگر چه هسته های جنگ مسلحانه در سالها قبل بوجود آمده بود ولی رهبران نهضت به این جمع بندی رسیدند که باید خود در یک نبرد دراز مدت و نحل مشقات و رنج های حاصله از آن، وطن اشغال شده خود را توسط صهیونیسم اسرائیل و حامیان امبرالیست آن آزاد سازند. هر چند این اتحاد تصمیم از سوی خلقهای عرب و مسلمان مورد استقبال قرار گرفت، ولی دولت های عربی با شک و تردید به این روش نگرسته، باعث تشدید تضاد میان جنبش فلسطین و دول عربی گردیدند.

شکست جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل مسائل تازه ای را برای حکومت های عرب بویژه حکومت های مترقی مطرح ساخت. و آن اینکه آنها قادر ننسند با شیوه جنگ های کلاسیک و منظم ارتش مدرن اسرائیل که از لحاظ کمیت و کیفیت توسط اربابان امبرالیست بویژه آمریکا تجهیز و سازمان یافته است، درهم بکنند. از طرفی عرب حاضر نمیشاد با فروش سلاحهای مدرن و پیشرفته خود به اعراب و ارتش های آنان را تجهیز کرده و در مقابل اسرائیل قرار دهند. دول کمونیستی بخصوص روسیه شوروی که از تائیسین کنندگان اصلی سلاح اعراب بشمار میروند نیز به همان گونه عرب با دادن سلاحهای بیشتر تدافعی ارتشهای عربی را از کارائی و تهاجم یک ارتش پیش رفته محروم نموده اند.

بدین ترتیب راه حلهایی که در برابر کشورهای عربی قرار داشت چنین بود:

- ۱- ادامه عدم شناسائی اسرائیل و مقابله بشکل جنگ های عادی؟
- ۲- ادامه عدم شناسائی و مقابله بصورت جنگ های چریکی و پارتیزانی؟
- ۳- شناسائی اسرائیل و ایجاد صاه؟
- ۴- سیاست نه جنگ و نه صلح؟

در مورد جنگ های کلاسیک و منظم تا کنون بعضی که ذکر شد اعراب نتوانستند موفقیت مهمی (جز در ۱۹۷۳) بدست آورند. از سوی دیگر توسل آنها به مسئله فلسطین بیشتر به دلیل اهداف تبلیغاتی خودشان و جلب پشتیبانی بیشتر مردم بوده است، و بعد از جنگ ۶۷ و از دست دادن قسمتهائی از خاک خود (مصر و اردن و سوریه)، قضیه جنبه دیگری نیز پیدا کرد و آن مسئله سرزمین های اشغالی اعراب و بیت المقدس توسط صهیونیست ها بود.

بنابراین برای آزاد ساختن این زمینها احتیاج به ارتشی نیرومند واحد داشت که این خود هزینهی قابل توجهی از بودجهی سالانه آنان (بویژه مصر) رامی بلعید. و مانع پیشرفت های اقتصادی - اجتماعی در آن کشورها میگردد.

اما اگر میخواستند میتوانند و میتوانند با اتخاذ شیوه های جنگ پارتیزانی با اسرائیل و حامیانش به مقابله برخاسته، آنان را به زانو درآورند. نمونه های زنده آن، جنگ کرامه (بعد از شکست جنگ ۱۹۶۷) و مقابله دلیرانه در پورت سعید به هنگام یورش ارتشهای اسرائیل - انگلیس و فرانسه به مصر بوده است. اما دول عربی بنا بدلالتی نمیتوانستند و نمیتوانند این شیوه را بپذیرند، چرا که ماهیت جنگ های چریکی "خلق ی بودن" استند در حالیکه دولتهای عربی عموما "فاقد پایگاه توده ای میباشند. از طرفی رشد این جنگ با موجودیت رژیمهای ارتجاعی و وابسته در

دست دادند، خانوادهها مصلای شدند. اما اعراب وجود یک دولت صهیونیستی - منجاوز - اشغالگری را که پایگاه امبرالیسم انگلیس (دیروز) و آمریکا (امروز) است را نپذیرفتند و به ننگ و خواری تن در ندادند.

اینک رژیم مصر و در راس آن سادات بعد از مرگ عبدالناصر به سازش و تسلیم به امبرالیسم و صهیونیسم و همکاری و نوطئه هرچه بیشتر با رژیمهای ارتجاعی نظیر شاه مخلوع و رژیم عربستان بیش از پیش و با سرعت تن داده است. موافقت صحرای سینا و کمپ دیوید نمونه روشن و بارز این خودفروختگی و در دام امبرالیسم گرفتار شدن می باشد.

بررسی و تحلیل موافقتنامه صحرای سینا

این موافقتنامه شامل سه بخش عمده می باشد:

- ۱- توافقات و تعهدات میان اسرائیل و مصر
 - ۲- تعهدات و وعده های اقتصادی - نظامی و سیاسی از سوی امبرالیسم آمریکا
 - ۳- قراردادهای فی مابین آمریکا و اسرائیل
- آنچه از محتوای این ننگین نامه مشهود است، حاکی از نفوذ هر چه بیشتر آمریکا در منطقه و تحکیم بیش از پیش موقعیت اسرائیل می باشد. بویژه این ننگین نامه، اسرائیل نیروی نظامی خود را از گردنه های جدیدی و میلنا عقب خواهد کشید. پس از

اشغال صحرای سینا در سال ۱۹۶۷ ارتش اشغالگر صهیونیست با نصب تلسکوپ های نظامی در قله این گردنه ها، عبور و مرور نیروهای نظامی مصر و حرکت کشتی ها را در کانال سوئز تحت مراقبت دائم خود قرار داده بود. پس از تخلیه این گردنه ها توسط اسرائیل آمریکا ایستگاه کنترل الکترونیکی در این دو قله مستقر خواهد ساخت که توسط حداقل ۱۰۰ نفر از متخصصین آمریکائی اداره می شود، و آمریکا ظاهرا حرکت نیروهای نظامی هر دو طرف را تحت مراقبت دائم خود قرار داده است تا حالات غافل گیرانه یک نیرو را علیه دیگری پیشگیری نماید.

این عملیات بنام ایگلوویت معروف می باشد (در واقع این تجهیزات الکترونیکی برای کنترل منطقه و جاسوسی، و حفاظت از موجودیت اسرائیل و... می باشد). محافل پنتاگون پیش بینی می کنند در صورت موافقت اسرائیل مینی بر بازگشت به مرزهای قبل از ۶۷، در صورت ضرورت آمریکا تا ۱۰ هزار نیرو در این منطقه مستقر خواهد کرد. اسرائیل نیز شرط مطلق قبول موافقتنامه را استقرار این نیروها را که برای صهیونیست ها دارای اهمیت خاصی می باشد، اعلام کرده اند.

باید یادآور شد که از نظر رژیم اسرائیل استقرار آمریکائی ها در این گردنه ها برای آنها از نظر اقتصادی و نظامی مفیدتر و باصرفه تر می باشد و همان کار را آمریکائیان بطور دقیق تر برای آنان انجام خواهند داد. آخرین قسمت در شماره آینده.

● شکست نظامی اعراب و پیروزیهای بی دری اسرائیل و ماهیت و توسعه طلبی صهیونیسم و افکار عمومی جهان عرب و اسلام این اجازه را به رهبران رژیمهای عربی نداد تا با اسرائیل به پشت میز مذاکرات صلح و به رسمیت شناختن آن دولت غیر قانونی بنشینند.

بازنده آن کیست؟ آنچه مسلم است اینست که بررسی محتوی متن موافقتنامه نشان می دهد که اسرائیل بیش از پیش موقعیت خود را تقویت و تثبیت نموده است. از طرفی امبرالیسم آمریکا نیز به استحکام مواضع سیاسی - نظامی خود در منطقه پرداخته و مصر و کشورهای بزرگتر و جدیدی در وابستگی بیشتر و سازش و تسلیم کامل به آمریکا برداشته است. این تسلیم شدن بعنوان اساسی ترین مسئله در کل سرنوشت جنبش خلقهای مسلمان - عرب و فلسطین تائیرات بسیار فراوانی خواهد داشت.

در طی دوران گذشته، از همان آغاز فعالیت صهیونیست ها به همگامی امبرالیسم انگلیس در منطقه برای تائیس یک دولت صهیونیستی، برخورد ها و درگیریهای متعددی میان اعراب و صهیونیست ها رخ داده است. در برخی از این درگیریها توده های عرب پیروز شدند. (مرحله اول جنگهای ۱۹۴۸). اما بعلت خیانت حکومت های عربی شکست خوردند و عقب نشینی نمودند. اما در هیچ یک از این شکست ها - اعراب تسلیم نشدند. تلفات سنگین دادند، آواره و بی خانمان شدند... مزارع، کارخانه ها و ساکنین خود را از

(در صورتیکه برای اسرائیل این حالت میتواند مناسب ترین اوضاع باشد) و از طرفی بحران شدید اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و اوج گیری نارضایتی توده های در کشورهای عربی بویژه در مصر باعث گردید با موافقت و تشویق آمریکا سادات پیشقدم مسافرت به تل آویو گردد. سادات که امیدوار بود با این عمل اسرائیل را به عقب نشینی وادار سازد. بزودی متوجه گردید که سیاستش در این زمینه غلط از آب درآمد، و اسرائیل هم اراضی اعراب را میخواست و هم صلح را. عمل سادات که خیانت به خلقهای عرب و جنبش مقاومت فلسطین و به رسمیت شناختن عمل اسرائیل بود با مخالفت شدید مردم عرب و مسلمانان جهان روبرو گردید. اما این سفر خیانت آمیز و تحقیر آمیز از سوی محافل امبرالیستی غرب با استقبال روبرو گردید و با گذشت چند صباحی آگاهان غربی خاطرنشان کردند که سادت در مورد اسرائیل دچار زود باوری شده است. پس از سفر سادات به تل آویو، افکار عمومی جهان باین مسئله بی در ده که اسرائیل بطور جدی خواهان صلح نمیشاد، زیرا اسرائیل نه تنها اظهار داشته بود که حاضر نیست اراضی اشغالی در غرب روده

نفت، این ثروت هنگفت

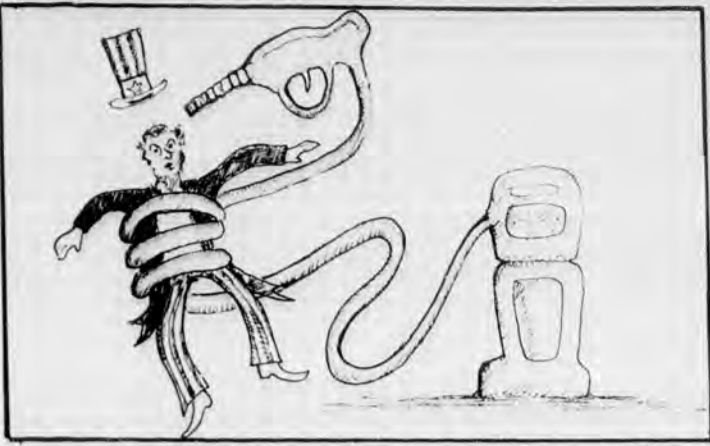
هیچ توجهی به کاربرد و توسعه صنعت استفاده از آن در کشورهای تولیدکننده نفت نکرده اند.

برعهده حکومت های مردمی و ملی است که با اجراء یک برنامه ضربتی از این گازها برای مصارف داخلی و تزریق آنها در بازایافت مجدد (نانویه) از جاهای نفت استفاده نمایند. تا هم از هدر رفتن آن جلوگیری و هم اینکه از یک منبع انرژی تمیز، استفاده اقتصادی و معقول میسر گردد.

ملتهای تحت سلطه صادرکننده نفت باید بدانند که قدرت مولد، میزان تولید و مجموع استعدادهای ظرفیت های بالفعل یک ملت مقام او را در مواضع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جهان تعیین می کند. ملت ما بایستی با همتی والا و یک بسیج همگانی در جهت افزایش قدرت تولیدی و ظرفیت های کاری خود تلاش نمایند. زیرا این کار و تولید است که ارزشی فزاینده دارد و تحلیل نمی رود. کار پشوتانه ایست لایزال که باید مبنای مبادله شرافتمندانه اقتصاد جهان قرار گیرد. کار توأم با تعالی معنوی و توجه به مبانی انسانی باید ثروت آینده نسلهای ما باشد. به امید آنکه با وحدت و همت به تاراج ثروت هنگفت محرومان جهان خاتمه داده شود.

نابود باد امبرالیسم و پایگاههای داخلی آن، لیبرالیسم و ارتجاع

نفت ثروت هنگفت محرومان جهان چگونه بتاراج می‌رود؟



این کشورها باستانی به‌جانب مرحله‌ای از رشد و توسعه برسد که صادرات غیرنفتی جویکوی انرژی واردانی آنها در سالهای ۲۰۰۰ باشد.

حاصله از این طریق صرفنظر از اشکالات پیش‌گفته برآیند گرانتر از نفت طبیعی می‌باشد.

در شماره گذشته امت درباره رابطه نفت با دلار و طلا و تکنولوژی صادراتی تا اندازه‌ای توضیح داده شد که جهان صنعتی و آمریکای چپالگر چگونه از طلا، دلار و کالاهای صنعتی و مصرفی جهت فرسایش بهای نفت کشورهای صادرکننده نفت استفاده نموده و ذخایر ارزی ناشی از درآمد نفت و گاز یعنی تنها کالای صادراتی اکثر کشورهای صادرکننده نفت را بی‌ارزش می‌نمایند.

این مقدار برسد. مطلب فوق بدین معنی است که برای تعدادی از کشورهای عضو اوپک روزیکه از صورت یک کشور صادرکننده نفت خارج شوند، دور نخواهد بود و این عنوان یک واقعیت بسیار مهم در آغاز قرن آینده یعنی سالهای ۲۰۰۰ قابل بررسی است.

با در نظر گرفتن و تصویر نمودن توزیع جغرافیائی منابع نفت، گاز، ذغال‌سنگ و سایر منابع در جهان، قابل پیش‌بینی است که تعادل انرژی از کشورهاشک از لحاظ منابع مایع و گازی شکل غنی هستند (کشورهای فقیر صادرکننده نفت) به نفع کشورهای مصرف‌کننده فعلی که از لحاظ منابع ذغال‌سنگ و همچنین امکانات توسعه منابع جانمایی از طریق تکنولوژی پیشرفته غنی‌تری می‌باشند (کشورهای صنعتی) تغییر باید.

بر اساس پیش‌بینی‌های قابل اطمینان تقاضا برای نفت اوپک تا سال ۲۰۰۰ برآورد زیر می‌باشد:

همچنین برای نفت و گاز سه‌مشخصه بیان نمودیم که اکنون توضیح درباره آنها می‌پردازیم. گفته شد که هیدروکربورهای نفتی در مقایسه با مواد جانمایی‌شونده فوق‌العاده ارزان هستند، دسترسی و استخراج آنها آسان است و بالاخره از نظر تولید فرآورده‌های گوناگون و بهره‌دهی بی‌نظیر می‌باشند. برای اثبات موضوع فوق از روش مقایسه کمک می‌گیریم. برای تعیین ارزش واقعی هر کالا آن را با کالاهای دیگر که تقریباً از جمیع جهات و مزایا برابر و مشابه باشد، مقایسه نموده و بر آن پایه ارزش‌یابی می‌کنند.

جهت باید کرد و قیمت نفت چیست؟ برای رهایی از سلطه و استثمار، کشورهای جهان سوم باید بر اساس یک مبادله عادلانه کار را با کار و منابع طبیعی جبران‌ناپذیر خود چون نفت را با تکنولوژی و صنایع پایه که اساس خودکفائی آنها و نسلهای آینده باشد معامله نمایند. مبادله ثروت‌های طبیعی و هستی کشورهای استثمار شده با دلار آمریکا و ارزهای اروپائی اگر بناچار بعطت ستمی که طی قرون متوالی از جانب حکومت‌های دست‌نشانده بر این ملت‌ها وارد شده، در گذشته طبیعی بود. در آینده انقلاب خنثی آشکار و غیرقابل توضیح است، زیرا اگر:

Table with 2 columns: Year, Oil Demand (Barrels per Day)

از نقطه‌نظر فنی و برآوردهای مهندسی صنایع، کشورهای عضو اوپک با رعایت بعضی موارد عملاً قادر به تأمین ارقام فوق تا سال ۱۹۹۰ خواهند بود.

بر این اساس باید گفت که تاکنون بشر کالائی که از هر جهت قابل برابری با نفت باشد نشناخته و فقط از لحاظ تولید انرژی و برخی فرآورده‌های جنبی، امروزه به نسبت بسیار ناچیز و در آینده که جهان از منابع نفت و گاز تهی شود، بناچار بعنوان جانمینی و یا انرژی مکمل از ذغال‌سنگ، انرژی هسته‌ای، سنگها و ماسه‌سنگهای آغشته به نفت، انرژی هیدروالکتریک، انرژی خورشیدی، انرژی حرارتی زمین، انرژی حاصله از باد و بالاخره دریا باید استفاده نماید.

● برای رهایی از سلطه و استثمار، کشورهای جهان سوم باید بر اساس یک مبادله عادلانه، کار را با کار و منابع طبیعی جبران‌ناپذیر خود چون نفت را با تکنولوژی و صنایع پایه که اساس خودکفائی آنها و نسلهای آینده باشد معامله نمایند.

رشدن به هدف فوق و جلوگیری از جباول باقیمانده‌های ثروت ملل صادرکننده نفت امکان‌پذیر نیست مگر اینکه، این کشورها بهای نفت و گاز را بر مبنای بالاتر از قیمت معادل انرژی‌های جانمینی و با برابر قرار دهند. این قیمت در بعضی بررسیها معادل ۵۵ دلار با بالاتر برای هر بشکه نفت برآورد شده، البته نه ارزش عددی دلار و سایر ارزها که متفق‌الخواران با تحمل نرخ تورم خود و روش‌های بی‌شرمانه کلاهبرداری، آن را غیرمعتبر می‌سازند. بلکه باید ارزشی برابر و ثابت از طریق مبادله صنایع و تکنولوژی مولد و غیروابسته برای آن برداشته شود.

استفاده از انرژی حرارتی زمین که در اثر برخورد آب‌های زیرزمینی با سنگهای مذاب اعماق زمین ایجاد می‌شود و آوردن آن به سطح زمین و همچنین انرژی حاصل از منبع لایزال خورشید هنوز مراحل اولیه را گذرانده و نیازمند رفع محدودیت‌های بسیار در زمینه تکنولوژی و صنعت برای استفاده موثر و اقتصادی از آنها می‌باشد.

مخارج بدست آوردن نفت از سنگها و ماسه‌های نفتی بر مبنای بالاتر از نفت استخراج شده از مخازن نفتی بوده و علاوه به تکنولوژی و تاسیسات پیچیده نیازمند است.

نفت در مقایسه با ذغال سنگ یک‌نگاه اجمالی به ارقام تراکمی مصرف آشکار می‌سازد که گرچه ذغال سنگ برای مدتی قریب به یک‌هزار سال مورد استفاده بوده ولی پس از استخراج صنعتی و اقتصادی نفت و گاز بتدریج اهمیت خود را از دست می‌دهد زیرا نه تنها تغییر و تبدیل و استفاده موثر از ذغال سنگ به تاسیسات و کارخانه‌های عظیم نیاز دارد، بلکه استخراج، انبارکردن و نقل و انتقال آن نیز هزینه‌های زیادی در بر داشته و آلودگی بسیار بهنگام سوختن ایجاد می‌نماید.

در قبال هستی کشورهای صادرکننده نفت بپردازد جقدر باید باشد تا جبران ۱۰ آنجه را که این کشورهای فقیر از دست می‌دهند بنماید؟ علاوه یک عامل حیاتی و بسیار مهم که نباید از نظر دور داشت، مصرف داخلی رو به افزایش در کشورهای عضو اوپک می‌باشد. در حال حاضر رشد مصرف در کشورهای عضو اوپک سالانه بین ۱۵ تا ۲۰ درصد بوده و بیان‌کننده یک تقاضای رو به تازید در این کشورها است و پیش‌بینی می‌شود که مصرف کشورهای عضو اوپک (۱۳ کشور ایران، عربستان سعودی، عراق، کویت، ونزوئلا، قطر، اندونزی، لیبی، ابوظبی، الجزایر، نیجریه، اکوادور و کابین) برای نفت‌خام تا سال ۱۹۹۰ به ۶ میلیون بشکه در روز و تا سال ۲۰۰۰ به سه برابر

استفاده از انرژی حرارتی زمین که در اثر برخورد آب‌های زیرزمینی با سنگهای مذاب اعماق زمین ایجاد می‌شود و آوردن آن به سطح زمین و همچنین انرژی حاصل از منبع لایزال خورشید هنوز مراحل اولیه را گذرانده و نیازمند رفع محدودیت‌های بسیار در زمینه تکنولوژی و صنعت برای استفاده موثر و اقتصادی از آنها می‌باشد.

اطلاعات آماری نشان می‌دهند که تا سالهای ۱۹۰۰ سهم نفت و گاز در تأمین انرژی مورد نیاز جزئی و فقط بمیزان ۸ درصد در مقابل ۸۹ درصد سهم ذغال‌سنگ بوده است. در سال ۱۹۵۰ سهم نفت از ۸ درصد به ۳۴ درصد افزایش یافته و میزان مصرف ذغال‌سنگ از ۸۹ درصد به ۵۹ درصد تنزل می‌نماید. در سال ۱۹۶۰ سهم ذغال‌سنگ و نفت و گاز در تأمین انرژی مورد نیاز جهان تقریباً برابر می‌گردد و از آن به بعد میزان مصرف نفت و گاز بطور مداوم افزایش پیدا نموده در سال ۱۹۷۷ به ۶۲ درصد در برابر ۳۰ درصد برای ذغال‌سنگ می‌رسد.

ادامه بوده‌های دفاعی آمریکا هستند، با این وجود در طول ۱۸ ماه گذشته و روی دادگاه‌های گوناگون، باعث تغییر سیاست نظامی آمریکا گردید. از جمله این تحولات انقلاب ایران که در طول سالهای ۷۹-۱۹۷۸ رخ داد و خلع ید از شاه را میتوان ذکر کرد. این تغییرات موجب نزول و مورد سؤال قرار گرفتن دکترین نیکسون که بر اساس اعتماد و مسلح کردن رژیمهای محلی و الت فعلی امپریالیسم برای سرکوب خلقهای دربند "جهان سوم" بود گردید.

هزینه‌های نظامی افزایش یافته است. اما برخی از استراتژی‌های آمریکائی در سال ۱۹۵۰ که مخالف جهت گیری‌های نام ضد شوروی و استراتژی تهاجم گسترده از سوی آمریکا بودند، در سال ۱۹۷۰ نیز دیگران برنامه ریزی نظامی آمریکا را که بطور روبروشی اقتصاد آمریکا را وابسته به بازارهای خارجی و منابع و مواد اولیه کشورهای دیگر و بویژه "جهان سوم" کرده، مورد انتقاد قرار دادند. بدین ترتیب آنها مبارزه‌ای برای محور آثار ناشی از جنگ ویتنام و تجدید کارائی نظامی ارتش آمریکا را بعنوان وسیله‌ای مجاز برای سرکوبی نهضت‌های توده‌ای در کشورهای "جهان سوم" آغاز کردند.

که با توجه به زمان لازم برای توسعه و استفاده اقتصادی از سایر انواع انرژی (که بین ۵ تا ۱۲ سال متغیر است) توسعه منابع جانمینی برای نفت و گاز آنچنان که انتظار می‌رفت، پیشرفت نموده و این نموداری جز این نیست که هنوز ارزش نفت و گاز و بهای پرداختی کشورهای صنعتی برای تولیدکننده نفت نه تنها رعایت هیچیک از این اصول نمی‌شود، بلکه آنچنان بی‌حد و حصر و بی‌حساب منابع آنها را غارت می‌کنند که گوئی پایان‌ناپذیر بوده و هیچگاه تمام نخواهد شد.

Table showing oil and gas share percentages for various years from 1920 to 2000.

با خلع ید از سرمایه‌داری وابسته، امپریالیسم آمریکا را بزانو درآوریم

استراتژی مداخله نظامی

بود و قانون گذاران سخت به افشاء سیاست مداخله آمریکا در ویتنام مشغول بودند، این قانون به تصویب نرسید. بعد از جنگ ویتنام قانونگذاران آمریکائی که سخت‌با سیاست‌ها و طرح‌های جنگی آمریکا در جهان مخالف بودند، مخالفت خود با تقلیل دادن قدرت جنگی رئیس‌جمهور به عمل آورد.

وضعیت کنونی کشورهای صادرکننده نفت امروزه بعضی از کشورهای عضو اوپک علیرغم داشتن منابع مالی (حاصل از فروش نفت خود) لازم برای ایجاد صنایع زیربنائی و تولیدی در جامعه خود، در تبدیل دلارهای نفتی به آنچه نیاز دارند با مشکلات عدیده و گوناگون در نیل به این هدف از جانب کشورهای صنعتی مواجهند. با توجه به اینکه ذخایر نفتی کشورهای عضو اوپک بسرعت در حال کاهش است ضرورت یک اقتصاد متکی بخود و مستقل از نفت و گاز برای این کشورها بیش از پیش محسوس بوده و قبل از تمام شدن منابع نفت و گاز،

تداوم حرکت هدفدار در تاریخ از دیدگاه علی

نگاهی به خطبه ۳۲ نهج البلاغه

درآمدیم در زمانی که شدید و سرسخت و غیرقابل انعطاف و تغییر است. کلمه زمین درون خود معنی حرکت و گذر را داراست. وقتی کلمه زمان برای انسان طرح می‌شود حتی برای یک آن نیز سکونی و ایستادگی برای آن نمی‌توان تصور بود. پس آن مرور مداوم سنین که حرکت و زمان شامل شوند

اینها الناس انقادصحنای دهرنمود و زمان کند، بعد فیه المحسن مسیتا، و یزاد العالم فیه عتوا.

"ای مردم، همانا با بعرضه وجود گذشتیم در "دهری" بسیار عنود و زمانی بسیار شدید و تند و جفاکار بر می‌بریم که مستحسن و نیکوکاران مورد تهمت اند و مستکاران در سرکشی و طغیان می‌نازند.

در فرهنگ‌ها برای کلمه دهر معانی‌ای از قبیل زمان و مرور سالها و ایام و خدا قید شده است و در همان منابع برای کلمه عنود معانی هم چون برگردیدن از راه حق، "روان گردیدن جوی چندانکه خشک‌نگردد" را قید کرده‌اند. با توجه به جملات بعدی خطبه می‌توان مضامین عمیق و ریشهداری را برای جمله (انقاد اصحنای دهر عنود) دریافت نمود که منظور اشارتی بوده است به تداوم حرکت هستی که نیروی فیاض پایان‌ناپذیری این حرکت مداوم و قانونمند را هدایت می‌نماید وقتی گفته می‌شود ما بر جوی و بر پدیدهای چشم‌گشودیم که جریانی مداوم پویا بدون توقف و ایستادگی همانند جریان نهری که خشک نمی‌گردد، اشاره روشنی است به تداوم حرکت تاریخی و پیوستگی کلیه جریانات موجود در آن حرکتی است همانند حرکت پیوسته و مداوم نهر که نمی‌توانیم گسختگی و تناوب در آن فرض کنیم و این قانون حرکت ایام و سنین در حالتی مداوم و جهت دار و تعقیب هدفی است مشخص که منظور حضرت بوده و بطور خلاصه می‌توان چنین گفت که پهنای که انسان در آن زیست می‌کند به عنوان پدیدهای، خود به صورت مجموعه‌ای از پدیدهای است که دارای یک حرکت قانونمند بوده که اتصال ناگسستی به گذشته و آینده دارد، ادامه خطبه مؤید همین نظر است. در آنجا که گفته می‌شود (وزمن شدید) ما

- این منطق قرآن است که روشن میشود که برای کل پیکر هستی قانونی حاکم است که در یک جهت مشخص و بسوی هدفی تعیین شده، آنرا به حرکت درمی‌آورد که همه در متن مطلقیت‌الله جریان دارد.
- معیار و مقیاس مورد استفاده معلومات تنگ نظرانه و گسسته از قانون حاکم بر حرکت هستی است که ما را دچار قضاوت‌های نادرست می‌نماید.

بر آن غیرقابل انعطاف و تغییر است، حرکتی است که هدف معین و مشخصی را تعقیب می‌کند زیرا که خداوند می‌فرماید که هستی را با تمام خصوصیاتش عبث خلق نکردیم (۱) پس با این دریافت از دو جمله اول خطبه روشن می‌شود این منطق قرآن است که برای کل پیکر هستی قانونی حاکم است که در یک جهت مشخص و به سوی هدفی تعیین شده، آنرا به حرکت در می‌آورد که همه در متن مطلقیت‌الله جریان دارد. و کلیه آن حرکتها و جریاناتی که موافق با جریان کلی حاکم و هم‌جهت و هم‌هدف با آن باشد جریانی تکاملی و در مسیر رشد خواهد بود که در نهایت همان رسیدن به الله و غایت تکامل و خداگونه شدن آن جریان است و در مقابل کلیه جریانات و حرکت‌هایی که در خلاف جهت

استراتژی مبارزه با امپریالیسم

امام و امت

- ۱- بعد از شاه نوبت آمریکا است
- ۲- ضرورت قطع رابطه با مصر (دست نشانده آمریکا)
- ۳- برقراری رابطه با لیبی (دولت اسلامی ضد آمریکایی)
- ۴- حمایت همه جانبه از جنبش فلسطین
- ۵- نفی مذاکره با مقامات آمریکایی
- ۶- استقبال و حمایت از اشغال سفارت
- ۷- انقلاب بزرگتر آغاز شده است
- ۸- حمایت از افشای جریان سازشکاری
- ۹- ما رابطه با آمریکا را نمی‌خواهیم
- ۱۰- تشکیل ارتش مردمی ۲۰ میلیونی
- ۱۱- بسیج ملی برای بازسازی و مقاومت
- ۱۲- تحریم کالای آمریکایی و انحلال مؤسسات وابسته و لغو قراردادهای
- ۱۳- روزه میگیریم و قناعت میکنیم
- ۱۴- بالابردن تولید بدست در همان و کارگر
- ۱۵- آمریکا شیطان بزرگ است و مقررات دیپلماتی وضع شده ابرقدرتها در خدمت مصالح آنان است.
- ۱۶- سازمان ملل وسیله اجرای مقاصد ابر قدرتهاست از شرکت در آن خودداری و به تصمیمات آن معتقد نیستیم.
- ۱۷- والد‌های دلال امپریالیسم است.
- ۱۸- کمیسیون حل اختلاف توسط آمریکا است
- ۱۹- ملاقات با گروگانها توسط آمریکا است
- ۲۰- حمایت از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام
- ۲۱- ابرازشادی از شکست ماموریت کمیسیون
- ۲۲- گروگانها در سفارت باقی بمانند
- ۲۳- مبارزه با امپریالیسم تا قطع کامل وابستگیهای اقتصادی - سیاسی - نظامی و فرهنگی
- ۲۴- کاردار و دو آمریکایی دیگر مقیم وزارت خارجه تحویل دانشجویان و دادگاه شوند
- ۲۵- قطع هرگونه مذاکره با آمریکا
- ۲۶- مردم باید آستینها را بالا بزنند و خود حاکم بر سرنوشت خویش باشند
- ۲۷- مستضعفین باید با پشت گره کرده حق خود را از مستکبرین بگیرند
- ۲۸- ما هنوز پیروز حقیقی نشده‌ایم، گمان پیروزی نبرید که سستی می‌آورد
- ۲۹- پیروزی روزی است که تمام ریشه‌های اجانب قطع شود و جادار در مردم قطع رابطه با آمریکا جشن بگیرند
- ۳۰- مستضعفین بر مستکبرین غلبه خواهند کرد در یک مبارزه دراز مدت

لا ننتفع بما علمنا ولا نسال عما جهلنا، ولا نتخوف قارعه حتی نحل بنا نفع نمی‌رساند به ما آنچه که دانستیم و نمی‌پریم از آنچه که ندانستیم و ترس نداریم از بلا و قیامت تا وقتیکه بر ما نزول نماید و ما را در خود حل نماید.

با توجه به چگونگی فضایی را که در جملات قبلی، حضرت بیان شده که در آن موقعیت خاص کلیه افراد و جریانات اگر عملگردشان موافق با ناموس هستی باشد، زشت نموده می‌شود و غیرانقلابی و نهائیا ارزشها وارونه جلوهگر خواهد شد و شقی سعید و سعیده شقی به حساب آورده خواهد شد، جای سؤال خواهد بود که با کدام معیار و مقیاسی آنچنان قضاوتها می‌شود. با اندکی تأمل خواهیم دید که معیار و مقیاس مورد استفاده معلومات تنگ‌نظرانه و گسسته از قانون حاکم بر حرکت هستی است که ما را دچار قضاوت‌های نادرست می‌نماید. پس وقتیکه حضرت می‌فرماید: منافع سی‌تیم از معلوماتان، منظورشان همان شناختها و معلومات قشری و سطحی است که صد البته جز گمراهی و گجروی حاصلی برای ما نخواهد داشت و گذشته از آن در مورد بقیه پیش آمده‌ها و مصیبت‌ها که برای ما مجهول مانده است و نمی‌توانیم با آن معلومات تنگ‌نظرانه خود جوابگوی آن باشیم و آنها را برای خود تجزیه و تحلیل و ریشه‌یابی کرده و عوامل موجود آورنده را بشناسیم و در صدد درمانشان باشیم برای ما ایجاد سؤال نخواهد کرد زیرا که در درهای بزرگ و اساسی و مشکلات پیچیده اجتماعی اغلب ریشه در انحراف از مسیر اصلی حرکت هستی دارد و ما که بعزت نداشتن شناخت کامل و ریشه‌دار آن انحرافات را نمی‌توانیم درک کنیم و با توجه به اینکه سؤال در قبال یک سری دریافت‌های اولیه از مجهول برای انسان طرح می‌شود چگونه در مقابل جهل خودمان برایمان ایجاد سؤال خواهد شد و نهائیا در مجموع نتیجه عدم شناخت کافی ما را از دردها و تضادهای اصلی غافل نگاه خواهد داشت و این غفلت اجازه سؤال در مقابل مسائل پیچیده را برای ما نخواهد داد و همه چیز را طبیعی و عادی خواهیم پنداشت و هر حرکتی ضدانقلابی را که ظاهرالصلاح باشد و هر گونه فرصت‌طلبی‌ها و انحصارطلبی‌ها را نادیده خواهیم انگاشت و سعی در شناخت و مقابله با آنها نخواهیم نمود و حاصل این بیخبریها و در لاک خود فرو رفتن آنها چنان ما را بی تفاوت و بی خیال خواهد نمود که از صدای زنگ‌های خطر خانناوس و برگرداننده و انقلاب که برده‌های گوشمان را می‌برد، ترس و خوفی به خود راه نخواهیم داد تا زمانیکه تمام موجودیت و حیثیت و شخصیت خود و انقلاب را در ورطه هلاکت در دامن یک دیکتاتوری بی‌امان و تحت سلطه امپریالیسم دریاسیم. آنوقت است که کار از کار گذشته و باید باز برای مدت‌زمانی طولانی در آتش خفقان و اختناق و استبداد و استثمار بسوزیم زیرا که ترس و خوف از خطر و بلا در نتیجه شناخت آن بلا و خطر حاصل می‌شود که قبلا" به وسیله دچار شدن به تنگ‌نظریها و اندیشه‌های قشری قدرت شناخت و قدرت سؤال را از چگونگی دشمن و تضاد انقلاب از خود سلب کرده‌ایم که جمله بعدی امام شامل چنین مفهومی است

- سرمایه‌داری وابسته بهترین نردبان رشد و نفوذ امپریالیسم در بین صفوف مردم بوده و عامل حفظ نظام استعماری حاکم بر سرنوشت انسانهاست.

شخصیت خود و انقلاب را در ورطه هلاکت در دامن یک دیکتاتوری بی‌امان و تحت سلطه امپریالیسم دریاسیم. آنوقت است که کار از کار گذشته و باید باز برای مدت‌زمانی طولانی در آتش خفقان و اختناق و استبداد و استثمار بسوزیم زیرا که ترس و خوف از خطر و بلا در نتیجه شناخت آن بلا و خطر حاصل می‌شود که قبلا" به وسیله دچار شدن به تنگ‌نظریها و اندیشه‌های قشری قدرت شناخت و قدرت سؤال را از چگونگی دشمن و تضاد انقلاب از خود سلب کرده‌ایم که جمله بعدی امام شامل چنین مفهومی است

(ولا نتخوف قارعه حتی نحل بنا) در فراز اول خطبه اولاً" هستی برای خود دارای حرکتی حساب شده و قانونمند می‌باشد که در جهتی مشخص برای هدفی مشخص حرکت می‌کند و به هیچ عنوان نحوه حرکتش انعطاف‌پذیر نیست و انسانها اگر بخوانند به وراثت زمین و امامت آن نایل بشوند باید تحمیت از این حرکت که سنت الهی است بنمایند و مرتب در شناخت تضاد اصلی آن کوشا باشند و قبل از اینکه تمام موجودیت خود را در فنا و در چنگال دشمنان حق دریاوند با شناختی که از آن دارند برای نابودیش به ستیزند و پیروزی حق را بر باطل جامعه عمل‌پوشانند، حال بینیم باید چگونه این تضادها را شناخت و چگونه با شدت با آنها مبارزه کرد. فراز دوم خطبه به نحو احسن ما را راهنمایی می‌نماید که اگر خوب دریافت بنمائیم، آموزش‌های لازم را بدست آورده‌ایم و خود را در برابر تمام عوامل مخالف رشد و تکامل مسلح گردانیده‌ایم. امام پایه اصلی آن راهنمایی‌ها را بر شناخت اجتماع و افراد آن بنا نهاده‌اند و با بررسی خصلت‌های انسانها آنها را به چهار گروه تقسیم کرده‌اند و برای هر گروهی مشخصات و خصوصیات خاص خودشان را قید نموده‌اند.

(فالناس علی اربعة اصناف: منهم من

لا یمنعه الفساد فی الارض الا مهانة نفسه و کلاله حده، و یمنین وفرة).

پس مردمان ۴ صنفند، بعضی از آنها که فساد گردنشان در روی زمین قطع نمی‌شود مگر با خواری نشستان و گندی شمشیرشان و کمی اسباب و وسایلیشان.

کلمه پس که فراز دوم را به فراز اول متصل می‌نماید، نشان‌دهنده این واقعیت است که هم‌این دستمندیها و قرارگرفتنها در طبقات و صف‌های مختلف نتیجه موضع‌گیریهای یادشده در فراز اول و دریافت صحیح و عمیق یا غیراصولی و قسری از همان قانونمندیها و ایجاد سؤالها و ترس از دشمنان واقعی می‌باشد بنابراین مردمان روی زمین در رابطه با همدیگر که لازمه زندگی اجتماعی است به چهار دسته تقسیم می‌شوند: دست‌های از آنها که عملگردشان در روی زمین ایجاد فساد می‌باشد. فساد نقطه مقابل صلاح می‌باشد و هرآنچه که مویجات برتری طلبیها و تفرقه‌ها و نفاقها و انحصارطلبیها و تضعیف‌ها و مقابله و ستیز با نیروهای بالنده و مترقی که نهائیا گناشدن جامعه به ورطه هلاکت و پایمال شدن حقوق مردم و ایجاد یک جامعه بی‌قید و بند و اسیر شهوات و امیال و ازروهای عدای قلیل و سرکوبی و اسارت عده‌کثیر خواهد بود، در قرآن به صراحت افراد مفید معرفی شده‌اند. آنچنانکه در آیه ۱ سوره آل عمران تمام فرق‌نویان و طاغوتیان و آیه ۶ سوره بقره منافقین و فرصت‌طلبان و انحصارطلبان را جزو مفسدین به حساب می‌آورد و آنان را کر و کور و لال معرفی می‌نماید زیرا که عدم شناخت قوانین طبیعت و حاکمیت توحید بر آن و ندیدن واقعیتها و نشنیدن زبره‌های طبیعت و گفتار حق و باز عدم بازگویی حقیقت و زبان در مدح باطل گشودن و حقیقت را فدای مصلحت کردن، همانان اعمال افراد کور که چشم ظاهری دارند ولی از دیدن حقیقتها عاجزند و کر و لال می‌باشند. در جملات بعدی امام بلافاصله می‌گوید: باید با این گروه بی‌امان مبارزه کرد زیرا که ماندنشان در روی زمین خطرناکترین صحنه‌ها و حوادث را خواهد آفرید و بلافاصله طرق مبارزه را نیز روشن می‌کند. (مهانة نفسه) اگر با حیل و خدعه و با ظاهری صالح توانستند در بین مردم نفوذ کرده و فساد کنند با نشان دادن چهره واقعی این افراد و مشخص کردن شخصیت گداختشان آنان را رسوا سازید. ولی اگر گروه مفسدین مسلح به سلاح باشند و به مقابله نظامی برخیزند و با تکیه به قدرتیبه نظامی و افراد خود به قلدری و فساد ادامه دهند، اینبار باید شمشیرهایشان را کند کرد (اللائة حده) یعنی در حقیقت باید آنها را خلع سلاح کرد و با نیرویی کامل" سازمان‌یافته و شکل گرفته به مقابله با آنها

- سرمایه‌داری وابسته بهترین نردبان رشد و نفوذ امپریالیسم در بین صفوف مردم بوده و عامل حفظ نظام استعماری حاکم بر سرنوشت انسانهاست.

شخصیت خود و انقلاب را در ورطه هلاکت در دامن یک دیکتاتوری بی‌امان و تحت سلطه امپریالیسم دریاسیم. آنوقت است که کار از کار گذشته و باید باز برای مدت‌زمانی طولانی در آتش خفقان و اختناق و استبداد و استثمار بسوزیم زیرا که ترس و خوف از خطر و بلا در نتیجه شناخت آن بلا و خطر حاصل می‌شود که قبلا" به وسیله دچار شدن به تنگ‌نظریها و اندیشه‌های قشری قدرت شناخت و قدرت سؤال را از چگونگی دشمن و تضاد انقلاب از خود سلب کرده‌ایم که جمله بعدی امام شامل چنین مفهومی است

بقیه در صفحه ۱۰

برخورد انسانها با طبیعت

بقیه از صفحه ۱

آنها هم متناسب با شرایط تغییر می‌کند. تنوع بیشتر پدیده‌های انسانی در مقایسه با پدیده‌های طبیعی غیرانسانی مستقیماً مربوط به افزایش درجه آزادی در اعمال انسانهاست. اما سوال می‌کنیم آیا می‌شود با اتکا به این آزادی عمل، ادعا کرد که اعمال انسان یکسره آزاد از هر نظم و قانونندی است؟ مسلماً چنین ادعایی واهی خواهد بود. اختلاف در نوع قانونندی است که در مورد انسان پیچیدگی خاص پیدا می‌کند. اگر بدین واقعیت اذعان داریم که همه اعمال ما معلول عللی است و رابطه علت و معلول را می‌توان تحت قاعده و اصل خاص درآورد - پس آثار وجودی انسان قانونندی خاصی دارد که با همه پیچیدگی قابل شناخت است - پدیده‌های اجتماعی از زندگی دستجمعی انسانها ناشی می‌شوند - برخورد دو انسان آثار و نتایجی بی‌ار می‌آورد که اگرچه ساده نیستند ولی بهرحال معلول علل معین می‌باشند - بدیهی است عکس - با رفتار وی هنگامی که در حضور و مصاحبت شخص دیگری است، تفاوت می‌کند اما تاثیرات متقابل که در شخص - با توجه به خصیصه‌های ویژه‌ای که دارند - روی یکدیگر می‌گذارد از قاعده و اصل علیت خارج نبوده لذا می‌شود آنرا تحت قانونندی خاصی نظم درآورد. منتهی - شناخت همه ابعاد و خصوصیات این قانونندی کار دشواری است.

به همین نحو زندگی دستجمعی گروهی از مردم در یک دهکده یا قبیله و یا شهر و کشور و یا بطور کلی در یک جامعه متأثر از خصیصه‌ها و عمل‌ها و عکس‌العملها و تاثیرات متقابل و صدها عامل دیگر بر رویهم آثاری پدید می‌آورد که در وهله اول پیدا کردن علل آن آسان نیست ولی خارج از سیطره اصل علیت و نظم و قاعده نمی‌باشند. بدون تردید پیدا کردن اصل و قانونی که طرز عمل و عکس‌العمل تک تک افراد را پیش‌بینی و تنظیم کند، نزدیک و غیر ممکن است. اما پیدا کردن اصل و قاعده‌ای که عکس‌العمل جمعی مردم را در قبال یک شرایط خاص و معین مشخص سازد، چندان دشوار نیست. بطور مثال با مطالعه تاریخ اقوام و جوامع بزرگ در مراحل نخستین، به این نتیجه می‌رسیم که گروه‌های انسانی در برخورد با طبیعت و منظور تامین نیازهای خود، غالباً یک نوع عکس‌العمل نشان داده‌اند، تفاوت‌های جزئی مربوط به اختلاف شرایط طبیعی و جغرافیایی میباشد. سه عامل عمده در رفتار و چگونگی زندگی اقوام اولیه دخالت داشته است، اول احتیاجات اساسی انسان نظیر غذا، پوشاک و حفظ نسل و... دوم - امکانات و موانع و دشواریهای محیط طبیعی. سوم - استعدادهای طبیعی انسان به استفاده از طبیعت، دستها و قدرت یادگیری و تجربه - اندوزی.

از آنجا که احتیاجات اساسی و طبیعی همه انسانها مشابه است، از آنجا که استعدادهای طبیعی همه مردم بطور کلی یکسان می‌باشد، بدیهی است که در شرایط مساوی محیط پدیدار و مشاهده مکرر این برخوردها با مطالعه چندین تجربه از این نوع، نظم و قاعده و قانونندی این موادلات را بدست خواهد داد - معلوم خواهد شد که همه انسانها در بدو حرکت بنا به محیط طبیعی که در آن قرار گرفتند، به جمع‌آوری غذا پرداختند - کسی تولید نمی‌کرد، استفاده از میوه‌ها، گیاهان و ریشه درختان و یا صید ماهی و پرندگان، یک قاعده و روش عام بود بطوریکه بصورت یک قانون در می‌آید که هر قوم یا گروه انسانی، در ابتدا از این مرحله می‌گذرد. این قاعده استثناپذیر نیست، تفاوت‌های مشاهده شده مربوط به اختلاف محیط طبیعی مواد و گیاهان و حیوانات در دسترس است. و یا برای مسکن از غارها، شکاف گورها و پناهگاه‌های طبیعی، استفاده می‌کند، و مرحله بعد رام کردن حیوانات و دامداری و بالاخره کشف زراعت است. استفاده بی‌دری و متوالی از دستها و سنگ‌های تراشیده و سپس صیقل شده و بعد از آن کشف آتش و فلزات و ساختن بیل و نیزه، و مراحل تکامل بعدی، چیزی نیست که مختص یک گروه و قوم باشد، بلکه با تفاوت‌های اندک بین همه اقوام عمومیت دارد. بررسیهای مردم‌شناسی و باستان‌شناسی حاکی از تشابه رفتار بین اقوام در زمینه

جوامع انسانی به عنوان یک مجموعه و در طول تاریخ نمی‌توان قانونندی و قاعده و نظمی استخراج کرد. ما برخورد انسانها را تصادفی دانیم تا آثار این برخورد قابل شناخت نباشد. زندگی اجتماعی یک ضرورت است نه یک تصادف. ضرورتی که از نیازها و محرکها و استعدادهای انسانها برخاسته است. این مثال که دو نفر به تصادف در خیابان بهم می‌رسند و هیچ علت و طرح و هدف قبلی برای ملاقات آنان وجود نداشته است قابل تقسیم بر برخوردهای اجتماعی و تحولات تاریخی نیست. در

مسائل اساسی حیات چون تولد، پرورش و نگاهداری نوزادان، بیماری و مرگ، تغذیه، تولید مثل و نظایر آن است. با گذشت زمان آن تشابه و یکسانی جای خود را به اختلاف و تنوع می‌دهد، چرا؟ زیرا از یکطرف اختلاف شرایط محیط پدیدار و متفاوتی را ایجاد می‌کند. از طرف دیگر دستاوردهای انسان به نوبه خود تاثیرات متقابلی بر رفتار مردم بر جای می‌گذارد و تدریجاً بجای چند عامل ساده اولیه، عوامل متعددی در تنظیم شکل زندگی و رفتار و اخلاقیات، دخالت می‌کنند. هماهنگ با این پیشرفت، همانطور که پیشتر اشاره شد، دایره محدودیت‌های طبیعی و انسانی هر دو وسیع‌تر می‌گردد. انسان بسوی آزاد شدن گام برمی‌دارد، هر حلقه زنجیری که گشوده می‌شود، بر تنوع رفتار آدمی می‌افزاید و امکانات تازه‌ای بوجود می‌آورد. اگر ابتدا هنگام گرسنگی و تشنگی غذا یک نوع عکس‌العمل بیشتر بروز نمی‌داد و غذا را هر جا و در دست هر کس که بود با تمام قدرت خارج می‌ساخت، اکنون آماده است تا لقمه را با دوست خود تقسیم کند. اگر قبلاً مجبور سیر شدن باقیمانده صید را رها می‌کرد، اکنون به ذخیره مازاد می‌پردازد. آیا این تنوع و تغییرپذیری دلیل بی‌نظمی و بی‌قانونی رفتار انسانها است؟ نه، بلکه نقطه مربوط به تعدد عوامل دست در کار است. چنانکه اگر در برخورد ساده یک گروه کوچک از انسانها با طبیعت و نیازهایشان همان سه عامل یاد شده بصورت کاملاً ساده‌ای شکل دارند، و اگر تا وقتی این گروه زیر فشار و تهدید دائمی گرسنگی و حملات دشمنان قرار دارد، ناچار جز یک پیچ طبیعی و دستجمعی و شاید در برابر آن تهدیدها نداشتند، تخفیف پدیده‌های مزبور نگردد. اما با ورود به مرحله تولید و فراوانی و ابزارسازی و تسلط نسبی بر طبیعت، بیش از یک عکس‌العمل و رفتار می‌تواند بروز دهد، در اینجا عامل چهارمی نیز وارد صحنه می‌شود و آن تمایلات و محرک‌هایی متضاد درونی است که با مشاهده غذا و مایحتاج اضافه در نیاز به کار می‌افتند، یکی به زیاددوری و زیاددطلبی و انباشتن و انباشتن دعوت می‌کند و یکی مصرف در حد احتیاج و بخشش مازاد را تقاضا دارد. یا اگر در ابتدا همه باید کار می‌کردند تا گرسنگی آنان را پای در نیاورد و هر کس کار نمی‌کرد، در صید و جمع‌آوری غذا یا دفاع شرکت نمی‌جست، انگل و سربازی بود که حیات بقیه را هم بخطر می‌انداخت و لذا بی‌باید بنحوی طرد شود - بعداً که ابزار ساخته شد و قدرت تولید یک فرد افزایش یافت، توانست مازاد بر احتیاج شخصی

کدام بطور کلی مشخص است. پدیده‌های جامعه هرگز محصول تصادف یا برخورد تصادفی عوامل نیستند. انسانها تحت تاثیر نیازها، کششها و تمایلات و عواطف درونی و در چارچوب شرایط محیطی، با هم رابطه برقرار می‌کنند و شروع همکاری یا رقابت و ستیز می‌نمایند. از آنجا که نیازها، تمایلات، استعدادها و عواطف نوع انسان معلوم و قابل شناخت و تابع نظم و قاعده است، نوع رفتار و عکس‌العمل و برخورد افراد هم که متأثر از همین محرک‌هاست، از نظم و قانون تبعیت می‌کند. انسانها در برخورد با یکدیگر و در جهت رفع نیازهای مشترک و استفاده و بهره‌برداری از محیط طبیعی دو نوع گرایش کلی نشان می‌دهند یکی گرایش سلطه‌جویانه فزون‌طلبی و استخدام و استثمار و یا بطور کلی تمایل انگلی، دیگری گرایش توأم با تعاون، همدردی و اشتراک. در هر مورد و در هر مرحله می‌توان محرکها و نوع گرایشهای انسانها را طبقه‌بندی و تنظیم کرد. در برابر طبیعت یا برخورد تسلیم - آسانانه، از موضع انفعالی و تبعیت است یا ستیزه جویانه و همینطور غلبه و تسلط بر آن و در همین جا می‌توان اضافه کرد که در کنار تمایل به سازگاری انفعالی و تبعیت و تسلیم به عوامل طبیعی شدن، استعداد مبارزه با موانع و غلبه بر نیروها و تسلط بر آن هم وجود دارد. و باز می‌توان اضافه

کرد که انسان در سیر تکامل خود از تسلیم و تبعیت و زندانی بودن در محیط طبیعی بسوی غلبه و آزاد شدن و تسلط بر آن حرکت می‌کند. اینها همه واقعیت دارند و تمایلات و گرایشها ثابت و پایدارند و اساس و پایه اعمال افراد و مناسبات انسانها محسوب می‌شوند. در برخورد با تولید اضافی هم دو نوع تمایل اصلی در انسان هست که امکان ظهور دارند: یکی تصاحب مازاد و رها کردن کار و انباشتن و ذخیره کردن و دیگری تقسیم مازاد و ادامه کار و مصرف در حد احتیاج. این تمایلات به نسبتها و درجات مختلف تحت شرایط متفاوت بروز می‌کنند، البته اگر فرد فرد مردم را در نظر بگیریم، تشابه اندک و هر کدام ویژگی خاص خود دارند. یعنی هر یک در مرتبه‌ای خاص از طیف گسترده تمایلات انسانی قرار دارند. لکن وقتی همین افرادی که تک تک شخصیت مستقل دارند، در رابطه جمعی درازمدت (درون جامعه) قرار می‌گیرند، تنوع و کثرت به وحدت، برخورد‌ها و تمایلات تبدیل می‌شود. به این معنا که قشرها و گروه‌ها بجای افراد شخصیت پیدا می‌کنند. البته هر فرد هنوز در تنهایی ویژگیهای خاص خود را دارد، لکن درون جامعه عملگردهای مشابه عملگردهای افراد هم قشر خود پیدا می‌کند. لاقابل در برخورد با مسائل اساسی جامعه رفتار یکسان با دیگران بروز می‌دهد.

مردم از آغاز زندگی اجتماعی

داشته‌اند. لذا برای رفع نیازها و زنده ماندن و غلبه بر مشکلات دستجمعی اقدام کردند، حیات جمعی مناسباتی را بین افراد بوجود می‌آورد. این مناسبات منتهج برخوردهای مشترک همه افراد است. جهت‌گیری‌های مشترک در بین افراد جامعه مبین وجوه مشترک یا تمایلات و محرکها، نیازها و استعداد‌های مشترک افراد است. نیازهای اساسی و مشترک مردم استعداد‌های قانونندی خاص دارد که مشترک بین همه افراد است. همین وجوه مشترک است که عملگردهای مشترک یا جهت -

● پدیده‌های جامعه هرگز محصول تصادف یا برخورد تصادفی عوامل نیستند. انسانها تحت تاثیر نیازها، کششها و تمایلات و عواطف درونی و در چارچوب شرایط محیطی، با هم رابطه برقرار می‌کنند و شروع به همکاری یا رقابت و ستیز می‌نمایند.

جامعه از برخوردها و مناسباتی سخن می‌گوئیم که روی ضرورت‌های عینی پدید می‌آیند. برخورد دهقان با مالک زمین و ایجاد رابطهای خاص بین آندو یک تصادف نیست، برخورد و رابطه کارگر با کارفرما، محصل با استاد، حاکم با رعیت هیچکدام تصادفی نیستند، انگیزه‌ها و هدفهای هر کدام بطور کلی مشخص است. پدیده‌های جامعه هرگز محصول تصادف یا برخورد تصادفی عوامل نیستند. انسانها تحت تاثیر نیازها، کششها و تمایلات و عواطف درونی و در چارچوب شرایط محیطی، با هم رابطه برقرار می‌کنند و شروع به همکاری یا رقابت و ستیز می‌نمایند. از آنجا که نیازها، تمایلات، استعدادها و عواطف نوع انسان معلوم و قابل شناخت و تابع نظم و قاعده است، نوع رفتار و عکس‌العمل و برخورد افراد هم که متأثر از همین محرک‌هاست، از نظم و قانون تبعیت می‌کند. انسانها در برخورد با یکدیگر و در جهت رفع نیازهای مشترک و استفاده و بهره‌برداری از محیط طبیعی دو نوع گرایش کلی نشان می‌دهند یکی گرایش سلطه‌جویانه فزون‌طلبی و استخدام و استثمار و یا بطور کلی تمایل انگلی، دیگری گرایش توأم با تعاون، همدردی و اشتراک. در هر مورد و در هر مرحله می‌توان محرکها و نوع گرایشهای انسانها را طبقه‌بندی و تنظیم کرد. در برابر طبیعت یا برخورد تسلیم - آسانانه، از موضع انفعالی و تبعیت است یا ستیزه جویانه و همینطور غلبه و تسلط بر آن و در همین جا می‌توان اضافه کرد که در کنار تمایل به سازگاری انفعالی و تبعیت و تسلیم به عوامل طبیعی شدن، استعداد مبارزه با موانع و غلبه بر نیروها و تسلط بر آن هم وجود دارد. و باز می‌توان اضافه

کرد که انسان در سیر تکامل خود از تسلیم و تبعیت و زندانی بودن در محیط طبیعی بسوی غلبه و آزاد شدن و تسلط بر آن حرکت می‌کند. اینها همه واقعیت دارند و تمایلات و گرایشها ثابت و پایدارند و اساس و پایه اعمال افراد و مناسبات انسانها محسوب می‌شوند. در برخورد با تولید اضافی هم دو نوع تمایل اصلی در انسان هست که امکان ظهور دارند: یکی تصاحب مازاد و رها کردن کار و انباشتن و ذخیره کردن و دیگری تقسیم مازاد و ادامه کار و مصرف در حد احتیاج. این تمایلات به نسبتها و درجات مختلف تحت شرایط متفاوت بروز می‌کنند، البته اگر فرد فرد مردم را در نظر بگیریم، تشابه اندک و هر کدام ویژگی خاص خود دارند. یعنی هر یک در مرتبه‌ای خاص از طیف گسترده تمایلات انسانی قرار دارند. لکن وقتی همین افرادی که تک تک شخصیت مستقل دارند، در رابطه جمعی درازمدت (درون جامعه) قرار می‌گیرند، تنوع و کثرت به وحدت، برخورد‌ها و تمایلات تبدیل می‌شود. به این معنا که قشرها و گروه‌ها بجای افراد شخصیت پیدا می‌کنند. البته هر فرد هنوز در تنهایی ویژگیهای خاص خود را دارد، لکن درون جامعه عملگردهای مشابه عملگردهای افراد هم قشر خود پیدا می‌کند. لاقابل در برخورد با مسائل اساسی جامعه رفتار یکسان با دیگران بروز می‌دهد.

مردم از آغاز زندگی اجتماعی

سازگاری داشته باشند. قوانینی که از روی تجربه و مشاهده مکرر هم کشف می‌شوند و به اصطلاح علمی می‌باشند، الزاماً بطور کامل حقیقی نیستند. بلکه هر یک ممکن است به مزبانی حاوی واقعیت باشند. نسخ و تصحیح و تکمیل قوانین و فرضیه‌های علمی خود دلیل کافی بر این نکته است. اهمیت ندارد که چه نام و عنوانی به این قوانین داده شود. بحث مادریستکه یک واقعیت مستقل از ذهن وجود دارد. و واقعیتی واحد، نامحدود و مطلق، که ساخته و پرداخته ذهن هیچکس نیست و همه کس با شعور فطری خود وجود آنرا حس و درک می‌کند. اگر چه در وهله اول قادر به شناخت آن نباشد. احساس و درک یقین به وجود "چیزی" یا واقعیتی، همیشه همراه با شناخت آن نیست. اولین گام درک وجود آن چیز است. سپس برای شناخت آن اقدام می‌شود.

کلام بعدی اینست که این واقعیت واحد، نامحدود و مطلق را پدیده‌ها و مظاهری است که سراسر جهان را پر کرده‌اند و ما مستقیماً با آن پدیده‌ها در تماس هستیم و "خود" نیز یکی از این پدیده‌ها بشمار می‌رویم. این پدیده‌ها هم واقعیتی مستقل از "ما" دارند. واقعیت - هاست که محدود، نسبی بوده. لذا قابل شناخت و مطالعه‌اند. این پدیده‌ها هستند که موضوع بررسی علم و فلسفه می‌باشند و الا آن واقعیت نامحدود واحد و مطلق، تحت این نوع بررسیها در نمی‌آید. چرا که لازمه شناخت یک پدیده آنستکه محدود باشد. ما وجود آنرا درک می‌کنیم اما قادر به شناخت ماهیت آن نیستیم ولی مظاهر وجودی آنرا که محدودند می‌توانیم شناسایی کنیم.

کلام بعدی این که چون این پدیده‌ها همه مظاهر وجود الله اند و تجلی اراده او می‌باشند، و همه مبتنی بر نظم و قانونندی می‌باشند، که به سنت‌های الهی معروف‌اند.

تداوم حرکت هدفدار در تاریخ

بقیه از صفحه ۹

نظامی و همچنین عوامل سرسپرده و نردبانهای متعدد ترقی برخوردارند. پس اگر جامعه‌ای بر علیه مفسدين قيام می‌کند باید مسلح به تمام سلاحهای مورد نیاز باشد. سلاح فکری برای روشن کردن حقایق و برداشتن پرده از ظاهر عوامفریب آنها و مبارزه مسلحانه در مقابل لشکریان و قوای نظامیان و شناخت کافی از عوامل و همدستان داخلی و همچنین از نظام حاکم بر جامعه که خود وسیله‌ای برای حفظ موجودیت فرد فاسد خواهد بود و در هم گومیدن آن. فرض کنیم اگر نظام حاکم بر جامعه نظامی طاغوتی و استثمارگر باشد، این نظام خود وسیله و اسبابی خواهد بود برای بقای نفوذ و موجودیت مفسدين. پس باید با آن نظام در افتاد و نهادهای اجتماعی استثمارگر و استثمارکننده و استثمارکننده را در هم گوبید تا یکی دیگر از نردبانهای ترقی مفسدين را از آنها گرفته باشیم.

(و منضم المصلحت لسیقه، والعلن بشره، والمجلب بحیله و رجله، قد اشرط نفسه، و اوبق دینه، لحطام بنتیره، و اومقنب بقوده، او منبر یفرعه.)

و گروه دوم که شمشیرهای خود را کشیده‌اند و شرارت خود ظاهر ساخته‌اند و سوار و پیاده برای خود مهیا کرده‌اند و برای اینکارها علامتی برای خود نصب نموده‌اند، دین خود را تباه کرده‌اند در مقابل جمع‌آوری ثروت، مالی و یا لشکری آراسته‌اند که بر مبنای آن علو ظاهر گردانند و یا منبری که بر آن بالا روند و ادعای پیشوایی برای مردم نمایند.

ادامه دارد

درود بر رهبرانقلاب، امام خمینی

استراتژی مداخله نظامی آمریکا در کشورهای جهان سوم

تبلیغات گسترده امپریالیسم آمریکا مبنی بر حمایت و دفاع از صلح جهانی و حقوق بین المللی در واقع چیزی نیست مگر توجیه و قانونی جلوه دادن مداخله نظامی روزافزون خود.

با بیداری و آگاهی یافتن نوده های استبداد شده و محروم کشورهای تحت سلطه امپریالیسم و شرکت مستقیم آنها در تعیین سرنوشت سیاسی - اقتصادی کنوستان و بوجود آوردن جنبش های آزادیبخش و امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا، بیش از هر زمان دیگر منافع استراتژیک - اقتصادی و سیاسی خود را در خطر می بیند.

اکنون استراتژیست های آمریکائی و غربی بخواهی باین مسئله آگاهی یافته اند که دیگر خطر کمینسم سالهای ۶۰ گذشته و آنچه اکنون بیش از هر زمان دیگر مطرح است، حرکت خلفاوت نهضت های اصل برای استقلال، آزادی و تعیین حاکمیت ملی خود و بیرون راندن استعمار از میهن خود و در نتیجه به خطر افتادن منافع "جیاولگران جهانخوار است. نظامیان آمریکا نیز باین جمع بندی رسیده اند که باید با اجازت در آوردن طرحهای اقتصادی - سیاسی و حمایت همه جانبه از رژیم های دست نشانده خود در سراسر جهان و بخصوص منطقه خاور میانه و کشورهای اسلامی، که منابع نفتی، سرمایه گذارهای وسیع و موقعیت های استراتژیک آنها، آمریکا را "شدیدا" بخود وابسته کرده است. "سریعا" عمل و اقدامات ضروری را به اجرا در آورند.

تبلیغات گسترده امپریالیسم آمریکا مبنی بر حمایت و دفاع از صلح جهانی و حقوق بین المللی در واقع چیزی نیست مگر توجیه و قانونی جلوه دادن مداخله نظامی روزافزون خود البته این مداخلات فقط جنبه ای از اقدامات وسیع امپریالیسم آمریکا برای حفظ و توسعه باگهای استراتژیک و منافع غارت گران می باشد.

در ۲۴ ژانویه گذشته آقای کارتر در پیام خود اظهار امیدواری میکند که بتواند با شرکت کشورهای خاور میانه یک "کادر مشترک امنیتی" برای مقابله تهاجم شوروی در منطقه موجود آورد و صلح است که هدف ساز این کادر در اصل مقابله و سرکوب حرکت های مردمی و جنبش های آزادی خواه است. مقابله با توسعه طلبی شوروی در واقع پوشش ای و رنگ دارست که کارتر برای جلب نظر و حمایت توده های مسلمان منطقه عنوان می نماید و به چیز دیگری.

این پیشنهاد که در واقع چیزی جز همان "دکترین کارتر" (رجوع شود به است ۵۰ دکترین کارتر) است سیاست تجاوز گرانه کارتر) نمیباشد. بدیهات است که موضوع اصلی بحث های مکرر آمریکا در مورد مسائل نظامی می باشد.

با این وجود اعلام سال مالی ۱۹۸۱ بعنوان سال نظامی از سوی وزیر دفاع آمریکا بیانگر تصمیم آمریکا برای حفظ امنیت "منافع" آمریکا در سراسر جهان بویژه منطقه نفتی خلیج فارس می باشد. هارولد براون اظهار می دارد: بجای یافتن بوی توسعه طلبی عمومی شوروی در جهان، باید در فکر خطری اصلی برای "امنیت" آمریکا، که اساسا "همان قیامها و جنبش های متعدد و کنترل نشده در "جهان سوم" است بود. سپس اضافه میکند "بدون آنکه کشمکشهای بین المللی گذشته حل شده باشد، مسائل جدیدی نیز بوجود آورده که "منافع حیاتی نفت آمریکا روز بروز مورد تهدید خطر بیشتری از جانب حرکت های توده ای قرار میگیرد. بنابر نظر هر صورت آماده استفاده از نیروهای نظامی برای دفاع از منافع و منافع آمریکا بود. چه در دنیا کشمکش و خشونت، ما نمیتوانیم بدون سلاح به خارج روم.

در گزارش سالانه وزارت دفاع آمریکا که به کنگره فرستاده بود علیرغم نظر کارتر و مشاور امنیتی وی (برزنسکی) در مورد مساله امنیت ملی که خطر اصلی را هجوم نظامی شوروی در خاور میانه میدانند، با وجود اختلاف نظرهای اظهار شده از سوی هارولد براون در این زمینه. وی قیامهای توده ها را که اکثر "بدون وابستگی به اتحاد شوروی میباشد" گسترش جنبش های مسلحانه و تهدید امنیتی برای آمریکا میدانند. وی دلیل تمام این حرکت های مردمی را بیشتر و گوناگون میدانند. از آن

نسنی از خاطرات شاه مخلوع که مربوط به پارهای از حوادث ماههای نوامبر و دسامبر ۱۹۷۸ میباشد:

"بیش آمدهای ایران شورویها را بشکل جدی بخود مشغول نموده بود. یکمقاله منتشره در برابردا، در پایان ماه نوامبر شاهی بر این مدعی است. این مقاله احتیاط صریح و آشکاری بود. "مسایستی روسی باشد که هرگونه دخالتی خصوصا دخالت نظامی در مسائل ایران، کشور هم مرز شوروی، به مثابه تجاوز به امنیت شوروی خواهد بود.

در تاریخ ۷ دسامبر ۷۸، آمریکا بوسیله یک اعلامیه رسمی اطلاع میدهد که در ایران به هیچ شکل دخالت نخواهد کرد. "علیرغم نظر فوق، هر نوبت که سفرای انگلیس و آمریکا با من ملاقات میکردند یا همان بیان همیشگی خود میگفتند: "ما شما را رها نخواهیم کرد! ..."

در پائیز و زمستان ۷۸ - ۱۹۷۹، آنها (آمریکائیان) مرا در طریق یک سیاست لیبرالیزاسیون اغراق کننده میزدند. "بازها پیش میآمد که شخصتهای یا یک فرستاده آمریکائی به من پیشنهاد میکردند یا بیامی تسلیم میکردند حاوی قاطع بودن و سختگیری کردن: لیکن هنگامی که از سفر آمریکا در این زمینه سؤال میکردم: "سبقت که هیچ دستوری در این زمینه ندارم. (هنگامی که) نماینده جدید "سیا" در تهران را بحضور پذیرفتم، از نامقهوری پیشنهاداتی که او بین نمود متعجب شدم، ما از گسترش آزادی صحبت میکردیم، در یک لحظه برچهره اش، خنده های شگفته شد، این مسئله چیزی بود که فکر او را اشغال کرده بود. چیزی که موظف بود با من درباره آن صحبت کند، از لیبرالیزاسیون و نه از امنیت در این منطقه جهان.

هنگامیکه شورشیان سفارت انگلیس را با تش کشیدند، یکی از ژنرالهایم را بدیدن وابسته نظامی فرستادم، وابسته نظامی فرستاده مرا با فریاد "شاهنوز نفهمیده اید که راه حل مسئله ایران سیاسی است!" به حضور پذیرفته بود. از این روشتر نمیتوانیم دریابیم که انگلیسها از من انتظار داشتند تا در مقابل سیاستون ایوزیسیون کناره گیری کنم" (۷۲)

"برزیدن کارتر برای اولین بار علنا" عدم اطمینان را درباره توان شاه در حفظ خود بر آریکه قدرت در روز پنجمین ۷ دسامبر اعلام نمود. رهبر کاخ سفید در طی یک صبحانه مطبوعاتی که در این باره مورد سؤال قرار گرفته بود، چنین پاسخ داد: "من نمیدانم، لیکن امیدوارم تصمیم به مردم ایران مربوط میشود. ما هرگز نظری نداشته ایم و ما دخالت در مسائل داخلی ایران را در نظر نداریم.

اصل مبارزه علیه قیامهای خلقهای جهان سوم که با ستایش از طرف دستگاه دولتی کندی مورد استقبال و قبول قرار گرفته بود، توسط مک نامارا وزیر دفاع وقت چنین تشریح گشت: "برای حفظ منافع خود در مقابل جنبش های رهاشی بخش ملی و روبر شد، آمریکا دو انتخاب بیشتر ندارد: ما میتوانیم یا با استقرار نیروهای نظامی زیاد در نزدیکی تمامی نقاطی که امکان وقوع این نوع تحریکات میروند آنها رهاخه و بی اثر سازیم یا تشکیل یک نیروی مداخله ای کوچکتری داده که در آمریکا مستقر باشند و هر لحظه که لازم شود آنها را وارد عمل سازیم."

در حال ارزشهای فراوانی که راه اول را در بردارد. ایجاد یک "برگارد آتش" متحرک در یک مرکز و آماده برای دخالت سریع در هر نقطه ای از جهان که تهدیدی برای "منافع" آمریکا محسوب شود. اساسا" این روش از لحاظ اقتصادی با صرفه تر و با قابلیت عمل بیشتر برای نیروهای ما خواهد بود.

مک نامارا و ژنرال تایلور (که در زمان کندی رئیس کمیته فرماندهان نیروهای آمریکا بود) برای ایجاد تحرک لازم "برگارد آتش"، پیشنهاد تهیه وسیله حمل و نقل جدید رامیکندند: این وسایل یکی هواپیماهای غول پیکر T-5 - S و دیگری ناوهای لوژیستکی برای دخالت های سریع است که برای این منظور قرار بود کنگره آمریکا اعتباری بالغ بر ۳ میلیارد دلار (که بعدا" مسایستی به ۶ میلیارد دلار برسد) را به تصویب برساند، ولی در این زمان که آمریکا درگیر جنگ ویرانم شده

بقیه در صفحه ۸

ماهیت و عملکرد امپریالیسم آمریکا در ایران

سیر مواضع جناحهای حاکم در آمریکا از زمان ریاست جمهوری کارتر تا ۲۲ بهمن ۵۷ در برابر مسئله ایران

"ایران در شرایط انقلابی با حتی قبل از انقلاب نیست" یک گروه تحقیق مستقما" در ارتباط با "سیا"، مسئول بررسی "جراحی شکست" "سیا" در ایران میباشد.

در تابستان، کاخ سفید سرویسهای اطلاعاتی گوناگونی را تحت فشار قرار میدهد تا فعالیتشان را تصحیح کنند. و از "سیا"، وزارت امور خارجه، وزارت دفاع و خواه داری میخواد که بهترین تجربه و تحلیل کنندگانش را مسئول بررسی مسئله ایران نمایند و یکی از مقاصد "سیا" مسئول این برنامه که "خیلی محرمانه" طبقه بندی شده بود، میگردد.

لیکن هنگامی که تجربه و تحلیل کنندگان وزارت امور خارجه از یک خطر اسلامی یاد میکنند، گزارش کننده "سیا"، این مسئله اساسی را نادیده میگیرد. بهنگام تنظیم نهایی پرونده ایران، در یادار استانسفیلد ترنر ناراضی از اولیس تفسیرهای گزارش، بارها آنرا با در خواست اطلاعات بیشتر در مورد نظامیان، نزد تنظیم کننده میفرستد. اما مخالفین رهبر کونی "سیا" اظهار میدارند که ترنر خشم خود را علنا" ابراز نداشت.

از خاطرات شاه مخلوع: هنگامیکه شورشیان سفارت انگلیس را با تش کشیدند، یکی از ژنرالهایم را بدیدن وابسته نظامی فرستادم. وابسته نظامی فرستاده مرا با فریاد «شاهنوز نفهمیده اید که راه حل مسئله ایران، سیاسی است»! به حضور پذیرفته بود.

"سیا" در مقابل این عملکرد فاجعه آمیز کارتر تصمیم میگیرد که یک کارشناس بنام جورج بال را مسئول جریانات ایران نماید.

هدف عملیات: نگاهداشتن شاه با استفاده گرفتن از دیپلماتی آمریکا چون واسطه، بین "گروههای" مختلف در ایران میباشد. (۸۵)

"آمریکا و شاه کوشش میکنند، ترکیبهای سیاسی را بوجود آورند که شانس بقا داشته باشند. (۸۱)

- پاورقی ها
- (۷۲) اکسپرس شماره ۱۴۸۳، مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۹
- (۷۳) (۷۴)، (۷۵)، (۷۶) روزنامه لوموند مورخ ۹ دسامبر ۷۸
- (۷۷) - مجله لوبونن شماره ۲۲۵ مورخ ۱۱ دسامبر ۷۸
- (۷۸) - لوموند ۱۲ دسامبر ۷۸
- (۷۹) - روزنامه لوموند مورخ ۱۶ دسامبر ۷۸
- (۸۰) - روزنامه لیبراسیون مورخ ۱۹ دسامبر ۷۸
- (۸۱) - روزنامه لوموند مورخ ۱۹ دسامبر ۷۸

یادی از دو کارگر شهید

عهده داشت از این طریق بیشتر با زندگی محرومان آشنا شود و خودش جز "محرومان" باشد. در سال ۱۳۵۰ طیبه با پسرخالهای مجاهد شهید ابراهیم جعفریان ازدواج و پس از آن به همراه مجاهد شهید فاطمه جعفریان به کلاسهای بزرگسالان رفته و دو کلاس درس خواند و تحت راهنمایی همسرش به مطالعه کتب مذهبی و آگاه کننده پرداخت و در این راه جان بیش می رفت که خود می توانست مسائل را تحلیل کند.

در سال ۱۳۵۴ به علت تعقیب ساواک به همراه همسر و طفل چهل روزهای مهدی زندگی مخفی را انتخاب می کند و حدود ۲ سال زندگی مخفی داشتند. در روز ۳۱ فروردین ۵۶ مجاهدین شهید مرتضی واعظی و فاطمه جعفریان به شهادت می رسند و ابراهیم جعفریان و طیبه واعظی و فرزندان مهدی که در آن موقع دوساله شده بود دستگیری می شوند.

دستگیری طیبه به این ترتیب صورت می گیرد که به همراه برادرش مرتضی و فرزندش مهدی در محاصره "مأموران قرار می گیرند، در این حال در اثر تیراندازی مأموران مرتضی به شهادت می رسد و طیبه که فشنگاهی اسلحه اش تمام شده بود، دستگیر می شود. آنان که شاهد واقعه بوده اند می گویند دستبندها در حالی به

بقیه از صفحه ۱۲

گرامی باد یاد شهدای به خون خفته خلق



درباره شهدای ساربان مجاهدین خلق تاکنون مطالب فراوانی نوشته و گفته شده و اینک در سالروز شهادت اولین گروه مجاهدین که در سیدیه دم ۳۱ فروردین ماه سال ۵۱ در میدان تیر چنگر برگر مسلمانان کتبی - انسانی این گلگون کفان اراکسه میگردد باشد که رهنمودی برای همه مبارزان و مجاهدان راه رهایی خلق از هر گونه سلطه، شرک آلود باشد.

در زندگی روزمره بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق و مجاهدینی که در ۳۱ فروردین ۵۱ شهادت رسیدند (ناصرصادق علی میهن دوست - علی باکری و محمد بازرگان) حقیقت پیروزی بر رژیم شاهنشاهی وابسته به امپریالیسم آمریکا است چنان انعکاس یافته بود که در هر عملی و در هر قدمی و در هر سخنی نزدیک و نزدیکتر شدن به هدف نهایی و قرب جوار حق موج میزد. در سختترین شرایط و بزرگترین مواقع و اشکالات چهره پشاش و امیدوار و مصمم تک تک این عزیزان نهایت ایمان و آگاهی و شناخت موجدانی را نوید میداد که از سر شور عشق در وادی بی پایان شهادت فی سبیل الله قدم نهاده بودند در اوج حقیقت و حاکمیت پلیس سیاسی لخطای در از سرگرداندن

ایستادگی و ایمان در همه رصنه های فکری و عملی و حصلتی درک نداشتند.

بنیانگذاران سازمان مجاهدین و شهدای ۳۱ فروردین جز بر پیروی از اصولی - اندیشیدند و هرگونه مصلحت گرایی و منفی اصول و عدم تناسیر ناهماهنگی اصول و شیوه های اتخاذ شده را بشدت محکوم مینمودند. برای آنان حقیق آرماتها و اصول پذیرفته شده جز از مسیر طریق خفته در متن همان اصول هرگز پذیرفتنی نبود هرگز خود را مضمون از خطا نسی دانستند هرگز خود را مطلق نساخته و دستاوردهای ایدئولوژیک خود را هرگز آخرین حرف در این زمینه ندانستند.

برای شهدای ۳۱ فروردین ماه، خلق، باین صورت مطرح بود که باید ایمان آنان رفتو آزانان آموخت و میگویند این مسئله مشکل ماست نه مردم، این ماهستیم که باید زبان سخن گفتن با آنان را بیاموزیم و عدم اعتمادهای آنانرا به اعتماد تبدیل سازیم، ستیزه جوئی با عدم اعتماد مردم جز هرچه بیشتر راندن آنان بسوی حرکت های ضد تکاملی حاصلی نخواهد داشت.

معیار شهدای ۳۱ فروردین برای سنجش و ارزیابی هر مسئله و مقوله ای تنها و تنها

اصول بود و مکتب.

حاکمیت سیاسی - بلسی رژیم وابسته به امپریالیسم آمریکا بعد از کشتار مردم در ۱۵ خرداد ۴۲، پایان شیوه های فرمیستی و پارلماناریستی را اعلام نمود و با جمع بندی گروهی از جوانان صادق و پر شور مینما، روشهای مذکور به زباله دانی تاریخ سپرده شد و با کار و تلاش رسبع آنان، سازمان مجاهدین خلق ایران شکل گرفت. مئی مبارزه مسلحانه در سالهای اختناق و استبداد علیه امپریالیستها و عمال داخلی شان - محمد رضا شاه خائن - به تاریخ مبارزات ضد استبدادی، ضد - استعماری و ضد استعماری توده های مستضعف و مبارز ایران، اغلاط و غنای خاصی بخشید.

مجاهدین شهید علی میهن دوست، علی باکری، محمد بازرگان و ناصر صادق با انتخاب ایدئولوژی شهادت انقلابی - شهادتی که حسین برجسار آن بود و امروز هزاران شهید پرچم خونین او را برافراشته اند مسیر استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی راهموار کردند.

یاد و راه این شهیدان عزیز خلق گرامی باد

شهید شمس آبادی و طرح اعدام شاه خائن

نزدیک ساعت ۹ صبح روز ۲۱ فروردین ماه سال ۱۳۴۴ بود که یک یاره آرامش بیمارستان سینا بهم خورد انومیل های آخرین سیستم درباری در حول و حوس بیمارستان حوالان میدادند، بخت های اورژانسی به تلاش انادند و صحنهای در کوشی و بیج و بیج مردم آغاز گشت. در کاخ مرمر شاه و چند نفر دیگر به رکار مسلمانان یکی از سربازان گارد بسنه شده اند. سال ۴۴ اوج خفتان و دیکتاتوری بعد از قسام ۱۵ خرداد و تبعید امام خمینی بود و مردم هر لحظه در انتظار خبری و عملی بودند که راه شهیدان و امام امت تداوم یابد، سال ۴۴ سالی بود که بسیاری از رزمندگان و مجاهدان با فرا گرفتن درسهای ضروری از قسام ۱۵ خرداد بسوی سازماندهی و تشکلات مبارزه مسلحانه دراز مدت تمایل یافته بودند. در این میان فریاد شهید شمس آبادی که از دهانه مسلسل او در فضای دیکتاتوری و حقیقتا ظنین انداخت نوید بختی آغاز راهی بود که بایح گلوله های رژیم وابسته شاه باید با گلوله داده شود.

اقدام شجاعانه سرباز وفادار به مملکت و امام نوید و امید شکستن حصارهای بظاهر مستحکم امنیتی رژیم شاه را میداد. شهید شمس آبادی که در رابطه با فعالیت های سوسیالیست های خدا پرست و آگاهی از زندگی مستضعفان که خود از میان آنها برخاسته بود به ماهیت رژیم بی برد ویا صفر گلوله های خود به خلق خود امید و همدار داد.

شهید شمس آبادی در سال ۱۳۱۹ در یکی از آبادیهای حاشیه کویرینام "نوس آباد" در محیطی آکنده از رنج و زحمت طاقت فرسای کار بدرو مادر چشم بجهان گشود پدر بیل میزد و کشاورز بود و مادر بکار رستن پشم روزگار میگذاشتند. ۱۰ ساله بود که به کاشان آمد و با کار در کارگاههای بافندگی پارچه با رنجهای کارگران آشنا شد و در همان حال در کلاسهای درس اکابر از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد در رابطه با فعالیت هایی که در نهضت مقاومت ملی در دوام راه مصدق در پیش گرفته بود، هواداران و اعضای "جمعیت آزادی مردم ایران" در کاشان با تشکیل جلسات تفسیر قرآن و آموزش نهج البلاغه به مبارزات مکتبی - سیاسی خود ادامه میدادند. در سال ۱۳۳۸ شهید شمس آبادی به جلسات قرآن و نهج البلاغه راه یافت و روز بروز بر فعالیتهای خود افزود. روز ۱۷ آبان سال ۱۳۴۰ در سازماندهی تظاهرات توام با چشم مردم علیه دکتر علی امینی عاقد قرارداد کسریوم و درخشش از افشا، سدگان حاسوسخانه آمریکا سهم بسزایی داشت و همان روز باشیشمای از اسید به ماشین نامبردگان حمله نمود.

نام ۱۵ خرداد و تصمیم شمس آبادی بعد از قیام خونبار ۱۵ خرداد شمس آبادی با اینکه از نظر خدمت نظام وظیفه کبیل مادر خود بود و چند سال متوالی با استاد برهمنی کفالت میبود موقت از خدمت نظام وظیفه گرفته بود با آگاهی و تصمیم و انگیزه روشن مبارزه مسلحانه با رژیم شاهنشاهی برای فراگیری آموزشهای رزمی و آشنایی با سلاح وارد ارتش شد و در مدت کوتاهی با انگیزه قبلی خود را در گارد، محافظ شاه در کاخ مرمر وارد ساخت شمس آبادی معتقد بود که در شرایط سالهای ۴۴ اعدام شاه خائن قدمهای اولیهائی است که بسوی انقلاب بزرگ مردم و رهایی از سلطه استبداد و استعمار برداشته میشود. در حدود ۹ ماه قبل از اقدام به اعدام شاه تصمیم خود را با بعضی از دوستان جلسات تفسیر قرآن و نهج البلاغه در میان گذاشته بود که در اولین فرصت دست بکار خواهد شد.

اعدام شاه خائن و حبیب بورقیه

در چنین شرایطی از زندگی، در متن دردهای اجتماعی خلق چه در شهر و چه در روستا بود که طیبه وضع زندگی مردم را بهتر درک می کرد. طیبه از همان آغاز کودکی هیچگاه به طور سطحی از مسائل نمی گذشت و همیشه سعی می کرد که علت بدبختی مردم را دریابد. طیبه دارای هوش و استعداد سرشاری بود بطوری که در سن ۷ سالگی طبق رسم خانواده خواندن قرآن را نزد پدرش آموخت ولی در همان سال که طیبه باید به مدرسه می رفت به دلیل وضع بد خانواده نتوانست به مدرسه برود. طیبه به جای رفتن به مدرسه مانند بسیاری از دختران محروم و وطنمان قالی می بافت. شاید تقدیر اینطور خواسته بود که طیبه که در آینده رسالتی عظیم بر



طرح اولیه اعدام شاه برای روز شنبه بیستم اسفند ماه سال ۴۳ ریحنه مسعود، و شمس آبادی در ناسی که با برادران همفکر خود داشت روز جمعه نوزدهم اسفند ماه به اطلاع آنان رسانید که عمل شهید بخارتی در مورد حسعلی منصور، فردا در مورد شاه تکرار خواهد شد.

روز شنبه بیستم اسفند طبق برنامه قبلی شاه از سفر انگلستان برمیگشت و موقعیت ناسی برای اعدام متهورانه او بود اما در آخرین فرصت شمس آبادی اطلاع یافت که روز دوشنبه ۲۲/۱۲/۴۳ حبیب بورقیه رئیس جمهور تونس که ماهیت وابسته به آمریکا و سازشکارانه با صهیونیسم داشت برای دیدار از شاه به تهران خواهد آمد و تصمیم میگردد که در صورت امکان شاه و حبیب بورقیه را با هم اعدام کند ولی بعلت کمی فرصت چنین امکانی نمی یابد.

روز موعود فرا میرسد:

صبح روز شنبه ۲۱/۱۲/۴۳ شهید شمس آبادی مسلسل خود را خشاب گذارده و آماده میشود که بهنگام گزارش صحبگاهی ساعت ۹ دست بعمل شده آتوز برنامه ارائه گزارش بهم مخورد و شاه یکسره وارد سرسرای کاخ مرمر میشود - شمس آبادی در حالیکه با تمام توان خود فریاد میکشید بدنال شاه وارد سرسرای کاخ شده و بدنال شاه می رود - در سرسرای کاخ شهید شمس آبادی مورد اصابت گلوله های محافظین شاه واقع شده و در حالیکه تیر خورده بود سعی میکند وارد اتاق مخفی گاه شاه خائن شود - شمس آبادی که دو تن از زبده ترین محافظان شاه را از پای درآورده بود، تصمیم به خشاب گذاری مجدد می - نماید که در این هنگام تیری به خشاب او اصابت و همزمان با آن گروهی ساری زابلی از طبقه دوم با کلت او را از پای در میاورد درباریان باهت و شجاعت و اراده استوار یکی از فرزندان متعهد و مسئول و مسلمان خلق به وحشت و هراس می افتند، خیر دهان به دهان در گوش خلق خوانده میشود. روزنامه ها مینویسند که گویا میان دو سرباز مشاجره ای در کاخ مرمر در گرفته است و همان روز عکس ملاقات شاه با سفیر پاکستان را در صفحات اول خود چاپ میکنند اما خلق میدانست، میدانست که یکی از فرزندان دلیرش جان برکف خشاب در خشاب استادهای ساخت آمریکا و اسرائیل به مزدور آمریکا و اسرائیل تاخته است.

خونی که از پاره پاره، تن این شهید بر سرسرای کاخ طاعونیان فرو ریخت همیشه جاریست و جاری خواهد بود تا همه کاخ های ظلم و ستم استعمار فرو ریزند.

هوظنان مبارز
لطفاً "وجوه نشریه امت و همچنین کمکهای مالی خود را به حساب جاری ۴۰۰ بانک صادرات شعبه شماره ۲۸۶۴۲۰۰۰ خیابان استاد مطهری چهارراه مبارزان واریز و بک نسخه از فیش تک مالی را بدفتر امت ارسال دارید.
متشکرم

هفته نامه امت شماره ۵۲
چهارشنبه ۲۷ فروردین
۱۳۵۹ سال اول
زیر نظر:
نورای نویسنده گان امت
خیابان بهار شمالی نهن خیابان نامجو
۸۲۴۹۸۲ - ۸۲۴۸۳۱
چاپ شرکت الفت مهتاب ماه

یادی از دو کارگر قالبیاف شهید:

زینب وار شاهد شهادت برادر و شکنجه فرزند خردسال...



مجاهد شهید ابراهیم جعفریان



مجاهده شهید طیبه واعظی (دهسوی همسر ابراهیم)



مجاهده شهید فاطمه جعفریان (همسر مرتضی)



مجاهد شهید مرتضی واعظی دهسوی

ابراهیم و طیبه یعنی یکسال و نیم پس از ازدواجشان مجبور به انتخاب زندگی مخفی شدند. آنجا ۵ ماه مشترکاً زندگی مخفی داشتند و در این مدت کسی از آنها خبری نداشت تا اینکه در سوم اردیبهشت ۱۳۵۶ روزنامه های رژیم شاه خبر شهادت آنان را اعلام کردند. عنوان روزنامه ها به این خبر اختصاص داده شد و با تیتیر درشت نوشتند دو تروریست در تبریز کشته شدند و پانزدهم با دو خط قرمز: زن تروریست بانارنجک به ماموران حمله کرد. تروریستهای کشته شده عضو گروه مارکسیست های اسلامی بودند. . . . خبر روزنامه روز ۴ اردیبهشت یعنی یکروز پس از انتشار روزنامه و چهارروز پس از شهادت فاطمه و همسرش مرتضی واعظی به ده رسید. آنروز گویی که همه پدران و مادران دو فرزند از فرزندان خودشان را از دست داده اند و همه عزادار بودند.

کسانیک آنها را می شناختند وقتی دیدند که روزی نامه ها با کمال بی شرمی فاطمه و مرتضی را مارکسیست اسلامی معرفی کرده اند به ماهیت رژیم بی بردند چرا که آنها مرتضی و فاطمه را می دیدند که هر ماه رمضان به ده می آمدند و فاطمه برای زنها و مرتضی برای مردها قرآن می خواندند و معنا می کردند. آخر آنها را چگونه می توان گفت مارکسیست اند.

۲ - زندگینامه مجاهد شهید طیبه واعظی دهسوی:

در سال ۱۳۲۷ در یکی از دهات اصفهان متولد شد. پدرش طیبه بود و در حوزه علمیه قم درس می خواند. این بود که خانواده طیبه مجبور بود همواره از اصفهان به قم و از قم به اصفهان اسباب کشی کند.

مجاهد شهید طیبه واعظی که او نیز وضعی چون فاطمه داشت به کلاسهای بزرگسالان رفت و دو کلاس درس خواند. فاطمه پس از آنکه خواندن و نوشتن را آموخت به راهنمایی برادرش ابراهیم به خواندن کتابهای مذهبی و آگاه کننده پرداخت. او همچنین قرآن و نهج البلاغه را با معانی و تفسیرش می خواند. هوش و استعداد فاطمه در یادگرفتن برادرش را به حیرت انداخته بود. فاطمه اعتقاد داشت چیزی را که انسان می آموزد باید به دیگران یاد دهد. به همین جهت جلساتی تشکیل داده و همسالان خود را ارشاد می کرد.

در سن چهارده سالگی فاطمه با پسرخاله اش مجاهد شهید مرتضی واعظی (برادر طیبه واعظی) ازدواج کرد و به شهر قم رفت. جشن عروسی آنها بسیار ساده بود و با خواندن سوره کوثر توسط برادرش ابراهیم پایان یافت. این ازدواج نقطه عطفی در زندگی فاطمه بود. به خصوص که در شهر مذهبی قم امکانات آموختن از هر جهت فراهم بود و برای خودسازی و حد اکثر استفاده را برای خودسازی کرد. شش (۶) ماه پس از ازدواج فاطمه و مرتضی برادرش ابراهیم به همراه همسرش طیبه و فرزند ۴۰ روزشان مهدی به علت تعقیب ساواک هجرت کرده و زندگی مخفی را انتخاب کردند. هجرت برادر تاثیر عمیقی بر فاطمه گذاشت، بطوریکه از آن به بعد فاطمه دیگر آن فاطمه سابق نبود. کمتر حرف می زد و بیشتر فکر و مطالعه می نمود گویی او نیز خود را برای هجرتی چون هجرت برادر آماده می کرد.

سرانجام یک سال پس از هجرت

بسم الله رب المستضعفین
یادی از دو کارگر قالبیاف شهید:
(بناسبت روزگار)
شهادت ۳۱ فروردین ۵۶ در درگیری مسلحانه در ۱۷ سالگی مجاهد شهید فاطمه جعفریان دهسوی

(شهادت سوم خرداد ۵۶ زیر شکنجه در ۱۹ سالگی) مجاهد شهید طیبه واعظی دهسوی

۱ - زندگینامه فاطمه جعفریان دهسوی:
در سال ۱۳۲۹ در یکی از دهات اصفهان در خانواده ای فقیر متولد شد. پدرش کشاورز بود و خانواده اش از طرف مادر وابسته به روحانیت، بهمین علت فاطمه در جوی کاملاً مذهبی رشد و تربیت یافت. پدر او مصطفی جعفریان به علت وضع بد کشاورزی مانند بسیاری از کشاورزان وطنمان مجبور به مهاجرت از ده به شهر گشته و به سرایداری چهلستون اصفهان مشغول شد.

فاطمه دارای هوش و استعداد سرشاری بود بطوریکه در سن هفت سالگی خواندن قرآن را آموخت ولی از همان روزها به خواندن قرآن قانع نشد و می خواست معانی آنرا بداند. وقتی فاطمه به سن مدرسه رسید وضع اقتصادی خانواده اجازه نداد که فاطمه را به مدرسه بگذارند چرا که او باید در خانه قالی می بافت و اگر به مدرسه می رفت نتنها نمی توانست از این طریق کمکی به خانواده بکند بلکه برای آنها خرج اضافی هم بیار می آورد. ولی بالاخره در سن ۹ سالگی به کمک برادرش مجاهد شهید ابراهیم جعفریان و به همراه زن برادرش